استفتاءات

حجّ وعمرہ

حضرت آیت اللہ العظمیٰ

سید محمد علی علوی گرگانی دام ظلہ الوارف

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات حج و عمره

نویسنده:

آیت الله سیدمحمدعلی علوی گرگانی

ناشر چاپی:

فقیه اهل بیت علیهم السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات حج و عمره

مشخصات کتاب

سرشناسه : علوی گرگانی، سیدمحمدعلی، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات حج و عمره/مطابق با فتاوای سیدمحمدعلی علوی گرگانی.

مشخصات نشر : قم: فقیه اهل بیت (ع)، ۱۴۳۳ق.= ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۴۲۴ ص.؛ ۱۲×۱۶/۵ س م.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۱۶-۴-۵

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حج -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : حج عمره -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ع۸الف۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۰۸۶۳۶

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

تصویر شماره (۱)

ص: ۴

عمره و حجّ کودکان

سؤال«۱»- ولیّ، چگونه کودک غیر مُمیّز خود را مُحرِم کند و نیّت آن چیست؟

ج- بایـد ولیّ کودک، لبـاس اِحرام را به او بپوشانـد و نیّت کنـد که این طِفل را مُحرِم می کنم برای حـجّ یا این طفل را مُحرم می کنم برای عمره ی تَمتُّع و اگر امکان دارد، تلبیه را به او تلقین کنند، و اِلّا خودِ ولیّ، به نیابت از طفل، تلبیه را بگوید.

سؤال«۲»- ولیّ طفل غیر ممیّز، طبق فتوای چه کسی، او طفل را مُحرم کند و اَعمال او را انجام دهد؟

ج- طبق فتوای مَرجع خود ولیّ، کودک را مُحرم

کند.

سؤال«۳»- آیا غسل اِحرام نیز برای کودکان، مستحب است؟

ج- خیر، مستحب نیست.

سؤال«۴»- آیا کسی که طفل غیر مُمیّز خود را طواف می دهد، باید وضو داشته باشد؟

ج- لازم نیست.

سؤال«۵»- آیا صحیح است که ابتدا پدر، طفل غیر مُمیّز خود را چند دُور، طواف دهد و بقیّه ی کار را به مادر کودک، بسپارد تا طواف طفل را تمام کند، در صورت صحّت، نماز طواف طفل را پدر بخواند یا مادر؟

ج- تغییر طواف دهنده ی طفل، از پدر و مادر و امثال آن، اشکال ندارد و نماز طفل را باید کفیل امور حجّ او بخواند، خواه، مادر باشد یا پدر یا هر کس دیگر.

ص: ۶

سؤال«۶»- آیـا ولیّ طفـل غیر ممیّز، در حالی که مُحرم است، قبل از اعمال خود، می توانـد اعمال طفل را انجام دهـد و آیا می تواند با طواف خود، طفل را نیز طواف دهد؟

ج- هر دو مورد، اشکال ندارد.

سؤال«۷»- شخصـی که طفـل غیر ممیّز خود را مُحرم کرده است، آیـا می توانـد نمـاز طواف طفـل را با توجّه به این که قرائتش صحیح نیست، بخواند؟

ج- ولیّ، می تواند از طرف طفل، نماز را بخواند.

سؤال«۸»- شخصـی، فرزند خود را مُحرم به عمره ی تَمتّع نموده و بعد از پایان عمره، از مُحرم کردن او به حجِّ تمتّع، منصرف و پشـیمان شـده است، آیـا جایز است فرزنـد را مُحرم نکنـد و اگر این کار را نکرد، آیا تکلیف خاصّـی، وَلو بعـد از بلوغ، متوجّه کودک می شود؟

ج- لازم است که وَلیّ، بعد از پایان عمره، او را برای حجّ تَمتّع، مُحرم کند و در هر حال، کودک

باید بعد از بلوغ، حجّ و عمره ی تمتّع را به جا آورد.

سؤال«۹»- کسی که به حدّ بلوغ نرسیده است، به مکّه می رود و حجّ، به جا می آورد، آیا جای حجّ واجب را می گیرد؟

ج- کفایت از حجّ واجب نمی کند.

سؤال«۱۰»- اگر پدر و یا مادر، اَطفال غیر ممیّز-پسر یا دختر- را، در سفر مکّه ی معظمه، همراه خود ببرند، آیا واجب است که در صورت تَمکّن اطفال، آنان را وادار به انجام اعمال حجّ، عمره و طواف نساء، نمایند و یا پدر و مادر و یا نایب ایشان، اعمال عمره و حجّ و طواف نساء را از جانب اطفال، به جا آورند. ولی اگر پدر، مادر و اطفال، هیچ کدام، کارهای مذکور فوق را عملی نکنند، آیا این اطفال، بعد از بلوغ و رشد، می توانند ازدواج کنند و یا باید به مکّه بروند و عمره، حجّ و طواف نساء را انجام دهند و بعد از آن، ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء، بر گَردن آنان است؟

ج- واجب نیست که او را مُحرم کنـد یا از طرف او حـجّ انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد، باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه ای که در مَناسک و رساله، ذکر شده است، انجام دهد، وگرنه در بعضی صور طفل در احرام باقی می ماند و تا تدارک نکند، نمی تواند ازدواج نماید.

سؤال«۱۱»- کودک نا بالغی، با اِذن پـدر، مُحرم شـده و به تصور این که همین مقدار طواف، کافی است، آن را نیمه کاره، رها کرده و سَعی را نیز از طبقه ی دوم، انجام داده است. تکلیف چیست؟

ج- اگر از اول، قصد هفت دُور نداشته، طواف او باطل است و باید طواف، نماز و سَعی را اِعاده کند و سپس تقصیر نماید.

سؤال«۱۲»- صبیِّ مُمیّزی، تمام اعمال حجّ را به نحو صحیح، انجام داده است. آیا از صروره بودن، خارج می شود یا نه؟

ج- بله، خارج می شود.

سؤال«۱۳»- شخصی، کودک را در بغل گرفته است و طواف می دهد. آیا شانه ی چپ کودک نیز باید به طرف کعبه باشد؟

ج- در حدّ امکان، لازم است که رعایت شود.

سؤال«۱۴»- آیا لازم است بدن و لباس کودک مُحرم شده و در حال طواف، با طهارت باشد؟ چنان چه قبل از طواف، او را تطهیر کنند، آیا برای یک طواف، کافی است و وارسی بین طواف ها، لازم نیست؟

ج- بله، لازم است رعایت شود، ولی پس از تحصیل تعیین به طهارت قبل از طواف تا اطمینان به نجاست، نیازی به تفحص در بین طواف نیست.

سؤال«۱۵»- ولیّ، کودک ممیّزی را به سَعی می برد، به طور مثال، در کالسکه سوار است و خواب است. آیا لازم است در ابتدای سعی، او را برای نیّت،

بیدار کند، و چنان چه در آغاز، بیدار باشد و در بین راه بخوابد، چه حکمی دارد؟

ج- سعی، از عبادات است، باید تماماً با بیدار انجام شود.

استطاعت

سؤال«۱۶»- کسی در مدینه، مریض شده (سکته کرده) و فعلاً در بیمارستان است و پزشکان گفته اند که باید تا دو هفته استراحت کند، آیا بعد از مدّت استراحت، اگر این شخص را به مکّه ببرن، در صورتی که حمل او برای انجام دادن اعمال، مشکل باشد، وظیفه ی این شخص چیست؟

ج- اگر سال اول استطاعت او است و قدرت اعمال را مُباشر، تا حتّی به نَحو اضطراری و یا قدرت گرفتن نایب را نداشته باشد، از استطاعت افتاده و حجّ، بر او واجب نیست، ولی برای داخل شدن به مکّه، باید مُحرم شود و

ص: ۱۲

با انجام اعمال عمره ی مفرده وَلو اضـطراری آن، از اِحرام خارج می شود، و چنان چه سال اول استطاعت او نباشد و حجّ، بر او مسـتقر شـده است، اگر مأیوس از خوب شـدن باشـد، بایـد نایب بگیرد که برایش عمره و حـجّ تمتّع انجام دهد و خودش برای داخل شدن به مکّه، مُحرم شود و عمره ی مفرده به طوری که به نحو اضطررای و انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که می تواند وَلو با کمک گرفتن از دیگری، انجام دهد، و هر مقدار را که نمی تواند، نایب بگیرد ولی در وقوفین، گرفتن نایب کافی نیست.

سؤال«۱۷»- کسی که احتمال می دهد حجّی که در سال های قبل انجام داده، صحیح نبوده یا مُستطیع نبوده است و فعلاً شرایط استطاعت را دارد و بخواهد احتیاط کند، حجّ را به چه نیّتی به جا آورد؟

ج- می تواند قصد مافی الذِمّه، یعنی قصد امتثال مطلق امر متوجّه به او، کند و می تواند احتیاطاً

ص: ۱۳

قصد حَجَّهالاسلام نماید.

سؤال«۱۸»- شخصی که حجّ واجب خود را انجام داده است، آیا می تواند آن را به قصد مافی الذِمِّه، اِعاده کند؟

ج- به قصد رجاء، مانعی ندارد، ولی اِعاده ی حجّ، کفایت از اجزاء -در صورت صحّت حجّ سابق و بطلان اجزاء- نمی کند و باید خود آن، جزء تدارک شود.

سؤال«۱۹»- کسی که با وجود تقلید صحیح، قبلاً به حجّ مشرف شده و چون رجوع به کفایت را مجتهد او، شرط استطاعت نمی دانسته، حَجَّهُ الاسلام قصد نموده و به جا آورده است، با این که رجوع به کفایت نداشته است، فعلاًـ همه ی شرایط استطاعت برای او موجود است و از حضرت امام تقلید می کند، آیا باید حجّ سابق را اِعاده کند یا خیر؟

ج- اِعاده لازم نیست.

ص: ۱۴

سؤال«۲۰»- در حال حاضر که هر کسی بخواهد حجّ، مشرف شود، باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حجّ، اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد، ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگری وسیله ی رفتن برای او فراهم شد و پول، قرض کرد و به مکّه رفت، آیا حجّ او حَجُّهالاسلام است یا خیر؟

ج- اگر قبلاً حجّ، بر او مستقر نشده است و فعلاً هم نمی تواند به حجّ برود مگر با قرضی که قدرت پرداخت آن را ندارد، حجّ، بر او واجب نشده است، و حجّ او حَجّهالاسلام نیست.

سؤال«۲۱»- اگر کسی به خیال این که استطاعت دارد، به قصد عمره ی تَمتّع، مُحرم شد و به ترتیب، کلیّه ی اعمال حجّ تمتّع حَجّهالاسلام را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال، معلوم شد که مُستطیع نبوده است، بفرمایید اِحرام و اعمال گذشته اش چگونه است و نسبت به آینده، اگر مُستطیع شد، آیا

حَجَّهالاسلام

بر او واجب است یا نه؟

ج- مُحرم نیست، ولی اگر مُستطیع شد، باید حَجَّهالاسلام به جا آورد.

سؤال«۲۲»- کسی خیال می کرد که مستطیع نیست، به نیّت اِستحباب، مُحرم شد و اعمال عمره ی تمتّع را انجام داد. سپس در مکّه پرسید و معلوم شد که مستطیع بوده است. آیا مجدداً باید به نیّت وجوب، مُحرم شود یا همان نیت قبلی کافی است؟

ج- کفایت می کند، و حجّ نوبی واقع نمی شود.

سؤال«۲۳»- شخصی برای زیارت سوریه، ثبت نام کرده و فعلاً- سه هزار روپیه به دست آورده است و خرج حجّ بیت اللّه هم همین مقدار می شود، آیا رفتن حجّ، واجب است یا می تواند به زیارت سوریه برود؟

ج- اگر سایر شرایط استطاعت را داشته باشد، باید به حجّ برود.

سؤال«۲۴»- در قباله های کنونی برای ازدواج،

ص: ۱۶

مبلغ زیادی نوشته می شود، آیا زنی که می خواهد طبق برنامه ی مذکور ازدواج کند، واجب الحجّ می شود یا خیر؟ ضمناً مشخص فرمایید مبلغ، چقدر باشد بهتر است؟

ج- اگر بدون مَفسده، بتواند مَهر را بگیرد و به حجّ برود، مستطیع است، مهر السُنه بهتر است و اِستحباب دارد.

سؤال«۲۵»- پدری چند پسر دارد. اگر بعد از ثبت نام برای حجّ، فوت کرده و اجازه ی حجّ به یکی از پسران داده شود، در چنین موردی، استطاعت طریقی برای کدام یک، حاصل می شود؟

ج- این مسأله سه صورت می تواند داشته باشد:

۱- آن که حجّ بر پدر، مستقر شده و سپس ثبت نام نموده است، باید برای پدر، حجّ انجام شود. ۲- اگر حجّ بر پدر مستقر نشده است، ولی وصیّت کرده باشد و از ثلث اموال او بیشتر نباشد، باید برای پدر، حجّ انجام شود. ۳- اگر

حجّ بر پدر مستقر نشده است و یا آن که وصیّت نکرده باشد و یا وصیّت کرده، ولی از ثلث اموال او بیشتر است، به هر کدام از پسرها که اجازه داده شود و دیگر ورثه، توافق کنند، مُستطیع می شود و حجّ بر او واجب است.

سؤال«۲۶»- پدری برای حجّ، ثبت نام کرده و در وصیّتش گفته است که برایش حجّ مُستحبی به جا آورند. پسر بزرگتر، چون دیده است که خودش استطاعت بدنی و مالی دارد، فقط استطاعت طریقی، نداشته که آن هم با فوت پدر، برایش حاصل شده، به نیّت خود حجّ را انجام داده، نه به نیابت از پدر، آیا حجّ او صحیح است یا نه؟ چون استطاعت طریقی نداشته مگر از طریق نیابت از پدر.

ج- فرض مزبور نیابت نیست، حجّ خودش صحیح و مُجزی است و باید برای پدر هم حجّ اِستحبابی که مورد وضعیت است، انجام دهد.

سؤال«۲۷»- مسلمین بعضی از کشورهایی که

ص: ۱۸

حکومتشان کمونیستی است، اگر بخواهند به حجّ بروند، باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کنند و قهراً این پول، برای تقویت چنین حکومتی مصرف می شود، در صورتی که راه، منحصر به این کار باشد، اولاً: آیا حجّ بر چنین اشخاصی واجب است یا نه؟ ثانیاً: اگر این مقدار پول را بدهند و به حجّ بروند آیا از حَجَّهالاسلام کفایت می کند یا نه؟

ج- آن چه ذکر شد، موجب سقوط حجّ نمی شود و کفایت از حَجّهالاسلام می کند.

سؤال«۲۸»- زنی برای حجّ، ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته، به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن، شرعاً می تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، به این امید که در آینده، هر دو با هم ثبت نام نمایند یا نه؟

ج- اگر زن مُستطیعه است، نمی تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر نوبت را به او داد، حجّ شوهر، صحیح است.

سؤال«۲۹»- من با داشتن بیست هزار تومان قرض و گرفتن یک ماه حقّوق، قبل از پرداخت آن قرض، موفق به سفر حجّ شدم، با توجّه به این که شخص طلبکار، از این سفر حجّ، کاملاً راضی و به پولش احتیاج ندارد، آیا این حجّ واجب محسوب می شود یا نه؟

ج- اگر استطاعت مالی، برای شما محقّق بوده، در فرض مزبور، حجِّ شما صحیح و حجّ واجب محسوب است.

سؤال« ۳۰»- اگر کسی مستطیع شد، آیا می تواند مال خودش را به پدر یا مادر ببخشد و خرج سفر حجّ ایشان نماید، و اگر چنین کرده است، تکلیفش چیست؟

ج- اگر شخصاً مُستطیع است، باید حجّ، به جا آورد و با بخشش پول، به والدین، تکلیف از او ساقط نمی شود، و در صورتی که با بخشش پول به والدین، نتواند حجّ واجب بر خود را به جا آورد،

ص: ۲۰

بخشش جایز نیست، اگر چه صحیح است.

سؤال«۳۱»- اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حجّ، استطاعت مالی دارند و از طرف دولت نیز برای پنج سال یا بیشتر اسم می نویسند، آیا برای این گونه اشخاص، اسم نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب، اگر مُسامحه کردند و ننوشتند و بعد از مدّت پنج سال، مُردند یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترکِ واجب کرده اند یا این که حجّ هم بر آنان مستقر است؟

ج- اگر احتمال دهند که در همان سال اول، قرعه به نامشان در می آید، لازم نیست شرکت کنند، ولی اگر می دانند در عرض پنج سال، استطاعت مالی پیدا می کنند و مُستطیع می شوند و شرکت نکردند، بعید نیست که حجّ، بر ذِمّه ی آن ها مستقر شده باشد.

سؤال«۳۲»- اینجانب با شرایط زیر، طبق قرعه کشی سازمان حجّ و زیارت، ان شاءاللّه در سال

ص: ۲۱

عازم بیت اللّه الحرام هستم:

۱- هزینه ی کامل زیارت خود و همسرم، از پول مُخَمّس تهیه شده است.

۲- معلم آموزش و پرورش بوده و حقّوق مستمری در حدّ معمول زندگی با قناعت را دریافت می دارم.

۳- فاقد مسکن و اتومبیل شخصی بوده و در هر شهری که شاغل باشم، مستأجر هستم.

۴- وسائل زندگی را در حدّ معمول، دارا می باشم.

با توجّه به شرایط فوق و شبهاتی که نسبت به وجوب حجّ و عدم آن، از اطراف اِلقاء می شود، آیا حجّ اینجانب و همسرم از حجّ واجب، کفایت می کند یا خیر؟

ج- در فرض مرقوم، چنان چه همسر شما به مقدار رفتن و بر گشتن، برای حجّ، پول دارند و می توانند بروند، مُستطیع هستند، شما در صورتی استطاعت دارید که لوازم زندگی خود و عائله را به مقدار شأنتان، دارا باشید و بعد از

بر گشتن، بتوانید با در آمد کسب خودتان، زندگی خود و عائله را اداره کنید.

سؤال«۳۳»- اگر شخصی مستطیع بود و در رفتن به حجّ؛ مسامحه کرد تا نوبت او از دست رفت، حال که اسم نمی نویسند، آیا با واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران و با صرف مبالغی زیاد، جایز است به حجّ مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت، سال ها فریضه ی او تأخیر می افتد و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حجّ به حساب آید.

ج- باید به هر نحو که باشد، در صورتی که مستلزم عمل حرام نباشد، به حجّ مشرف شود.

سؤال«۳۴»- شخصی، قبلاً حجّ بر او مستقر نشده، امّا در موقع ثبت نام جهت حجّ تمتّع، مستطیع بوده و ثبت نام نموده است، ولی پس از آن، از نظر مالی محتاج شده و احتیاج به پول سپرده شده در بانک را دارد، بفرمایید که این شخص می تواند پول را پس بگیرد یا خیر؟ و چنان چه در سال اول یا سال های

بعد، قرعه به نام او دربیاید، فرق دارد یا نه؟

ج- اگر در همان سال ثبت نام، محتاج شده است، مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد، چه قرعه به نامش درآمده باشد و چه درنیامده باشد.

سؤال«۳۵»- پدرم در سال ۱۳۶۰، برای زیارت خانه ی خدا مستطیع و در سال ۱۳۶۲، جهت زیارت خانه ی خدا به مکّه مُشرّف شد، ولی بعد از اِحرام بستن، بین راه سکته و فوت کرد و هیچ گونه عملی را انجام نداد، آیا حجّ، به گردنش می باشد یا خیر؟

ج- اگر بعد از اِحرام و داخل شدن به حَرم، مُرده، حجّ از او ساقط شده است، ولی اگر قبل از اِحرام و داخل شدن به حَرم فوت کرده، در صورتی حجّ، واجب نیست که سال اول استطاعت او باشد.

سؤال«۳۶»- دارایی شخصی، نزدیک به هفتصد و پنجاه هزار تومان از اصل ملک و خانه ای که ارث از پدرش به او رسیده است، می باشد، به علاوه ی این که

ص: ۲۴

یک باب منزل مسکونی هم دارد، اکنون نامبرده در اثر سانحه ای از دنیا رفته است و دارای یک همسر و دو بچّه ی صغیر می باشد، که معاش آنان از در آمد همین املاک مذکور، تأمین می شود، آیا شخص مُتَوفی، مستطیع بوده یا خیر؟ و در صورت وجوب حجّ، آیا حجّ بَلَدی گرفته شود یا میقاتی کفایت می کند؟ آیا می شود مخارج حجّ از کلّ تَرکه، پرداخت گردد؟

ج- چنان چه شخص مُتَوفی، در حال حیات، خرج رفت و برگشت خود و عیالاتش را داشته و در موقع برگشتن هم در آمد در شأن خود و خانواده را داشته و می توانسته که به مکّه برود و تأخیر انداخته است و یا این که عاجز از مباشرت حجّ بوده و می توانسته نایب بگیرد و نگرفته است، مستطیع بوده و چنان چه وصیّت نکرده است، حجّ میقاتی از اصل تَرکه، خارج می گردد.

سؤال«۳۷»- شخصی که حجّ به جا آورده، لکن چون امرار و معاش او از وجوه و امثال آن بوده و آن نیز

متذکر مسأله ی مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی نشده و گمان کرده که حجّ واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی، نیابتاً حجّ به جا آورده است، آیا حجّ نیابتی وی صحیح است یا باید پس از انجام حجّ واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار کند؟

ج- در فرض مزبور، در وقت انجام حجّ اوّل، مستطیع بوده و حجّ او صحیح است، پس حجّ نیابتی او هم صحیح می باشد.

سؤال«۳۸»- کسی که واجب الحجّ بود، از پاکستان عازم حجّ شد و در مدینه ی منوره، بیمار گردید و در حال بیماری، به طرف مکّه رهسپار شد و در بیمارستان مکّه، قبل ازحجّ، فوت نمود، تمام دارابیش در وقت فوت، مقداری پول و قطعه زمینی در پاکستان بوده است، با توجّه به این که پول موجودش برای نیابت حجّ او کفایت نمی کند، آیا ورثه اش باید زمین را بفروشند و برایش نایب بگیرند

و یا این که با فوت او حجّ از او ساقط می شود؟

ج- اگر با اِحرام عمره ی تمتّع، داخل مکّه شده و پیش از انجام یا اِکمال اعمال عمره یا بعد از انجام آن، فوت نموده، همان مقدار عمل او مُجزی و حجّ از او ساقط است، ولی اگر بدون اِحرام عمره، وارد مکّه شده و در آن جا فوت نموده، در صورتی که قبلاًحجّ بر او مستقر بوده است، باید از اصل تَرکه ی او، برایش نایب بگیرند. حجّ میقاتی کفایت می کند.

سؤال«۳۹»- اینجانب، در موقع ازدواج، یک سفر حجّ به زوجه ام وعده داده ام، ادایش چگونه می باشد؟

ج- اگر تنها یک وعده بوده است، ادای آن لازم نیست، اما اگر مَهر یا شرط در ضمن عقد لازم بوده است، باید به آن عمل کند.

سؤال«۴۰»- اینجانب که به علّت کهولت سنّ و بالا بودن قند خون و امراض دیگر، قادر به انجام فریضه ی حجّ نمی باشم، آیا می توانم نیابتاً از طرف خود

ص: ۲۷

خود، کسی را به حجّ، بفرستم یا خیر؟

ج- اگر قبلاً از جمیع جهات، مستطیع بوده اید، و لکن اقدام بر انجام حجّ نکرده اید و در نتیجه، حجّ بر شما مستقر شده است و فعلاً در اثر پیری یا بیماری که امید خوب شدن، نباشد، تَمَکّن از سفر حجّ، ندارید، واجب است که کسی را نایب بگیرید تا برای شما حجّ، به جا آورد.

سؤال«۴۱»- پدر شخصی وصیّت کرده است که فرزندش از جانب او حجّ به جا آورد، بعد از مرگ پدر، فرزند او مستطیع می شود، آیا لازم است حجّ خود را بر حجّ پدر، مقدم بدارد، اگر حجّ خود را مقدم بدارد، آیا صحیح است یا نه؟

ج- اگر قبل از آن که پسر، مستطیع شود، پدر، او را اجیر کرده که بعد از فوت او در سال اول، حجّ برای پدر انجام دهد یا نسبت به مدّت، مطلق بوده که منصرف به سال اول است و پسر، قبل از استطاعت خود، اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدر، حجّ نیابتی

برای پـدر، انجام دهـد و در غیر این صورت بایـد برای خودش حـجّ کنـد و در صورت اول اگر برای خودش حجّ، به جا آورد صحیح است، گرچه در مخالفت با اجاره، معصیت کرده است، ولی در صورت دوم اگر حجّ نیابتی به جا آورد، صحّتش خالی از اشکال نیست و نه برای خـودش واقع می شود و نه برای پـدرش و حـجّ، بر خودش مسـتقر می شود، که بایـد به هر نحو که شـده، در سال بعـد، اتیان کند و اگر به جا نیاورد، با مراعات در سال های بعد، فوراً انجام دهد و به نظر ما وصیّت، مانند اجاره است که بعد از قبول آن و با قید مباشرت و مُقیّد بودن به همان سال، باید به وصیّت عمل شود.

سؤال«۴۲»- حـج بر خانم خانه داری، واجب شـده است و شوهرش اجازه ی مسافرت به تنهایی را به او نمی دهـد و می گویـد: چون مرا برای حـجّ، ثبت نام نکرده ای، اجازه ی رفتن به شـما نمی دهم. وظیفه ی این خانم چیست؟ آیا بدون اجازه ی شوهر، می تواند به

حجّ برود یا نه؟

ج- در سفر حجّ واجب، برای زن، اجازه ی شوهر، شرط نیست و زن، باید حجّ واجب خود را به جا آورد ولو این که شوهر او راضی به مسافرت حجّ همسر خود، نباشد.

سؤال«۴۳»- شخصی، طبق وصیّت پدر که پول به حساب سازمان حجّ واریز کرده است، به نیابت از او به مکّه آمده، در حالی که خود فرزند نیز استطاعت مالی داشته است، آیا به نیابت پدر، حجّ به جا آورد، یا حجّ خود را انجام دهد؟

ج- اگر راه، برای پسر، باز نبوده و به خاطر نوبت پدر و نیابت از او، راه برای فرزند، باز شده است، باید برای پدرش حجّ کند، در صورتی که وصیّت به حجّ، مقید به همان سال بوده و پسر هم در حال وصیّت، مستطیع نبوده است. در مسأله ی سابق، روشن شد که وصیّت، حکم اجاره را دارد، مگر آن که تبرعاً و بدون اجاره، به نیابت پدر آمده باشد، که در این صورت

مستطیع شده و باید برای خودش حجّ به جا آورد، و بیان شد که به مجرد وصیّت پدر و قبول فرزند، نیابت واجب نمی شود، مگر آن که قبل از استطاعت، اجیر شود.

سؤال«۴۴»- شخصی به جز برای هَدی، استطاعت حجّ را دارا است. آیا حجّ برای او واجب است؟

ج- در صورتی که بتواند به جای هدی، روزه بگیرد، مستطیع است و اِلّا مستطیع نیست، چون پول هدی، جزءِ استطاعت نیست.

سؤال«۴۵»- اینجانب، سال گذشته به حجّ مشرف شده ام و شنیده ام که طلّاب، در صورتی مستطیع می شوند که از وجوه شرعیه، مُستغنی باشند، لذا اینجانب، مقدار پولی، با افراد ذی حقّ (پدر و همسایه) مبادله و دست گردان کردم و به عنوان این که نسبت به بنده، ذی حقّ هستند، به آنان بخشیدم و ایشان، آن پول را به جهت مخارج حجّ، به من برگرداندند، من هم در تمام اَعمال و مَناسِکِ حجّ،

نیّت حَجَّهالاسـلام کردم، آیا این حجّ برای اینجانب کفایت از حَجّهالاسلام می کند یانه؟ ضمناً لازم به تذکر است که در ثبت نام عمومی سال، پول به حساب ریختم و آن موقع، فتوای فوق را ندیـده بودم و پولی که دست گردان شـده بود، جایگزین آن پولی که در حساب واریز کرده بودم، شد. بفرمایید، آیا عین پول مبذول، باید هزینه باشد یا بَذل آن کافی است؟

ج- حجّ شما از حَجّهالاسلام، کفایت می کند و احتیاج به اِعاده ندارد.

سؤال«۴۶»- شخصـی، قدرت مسافرت حجّ را ندارد و از این که در آینده هم قادر به رفتن باشد، مأیوس است و استطاعت مالی هم نـدارد، اگر به او بـذل نفقه ی حـجّ نماینـد، آیـا بایـد قبول کنـد و نایب بگیرد یا این که قبول، واجب نیست و نیز اگر او را مهمان کنند، حجّ، واجب می شود تا استنابه کند یا خیر؟

ج- در فرض مرقوم، حجّ واجب نیست.

سؤال«۴۷»- اگر شخصی در میقات، مستطیع شد و حَجّهالاسلام، به جا آورد، مُجزی است یا نه؟ و آیا در فرض مسأله، رجوع به کفایت، شرط است یا نه؟

ج- اگر مستطیع شده، مُجزی است، ولی رجوع به کفایت شرط است، اگر انجام عمل حجّ در او تأثیری داشته باشد.

سؤال«۴۸»- شخصی که استطاعت رفتن به حجّ را پیدا کرده است، آیا می تواند پول حجّ را به مصرف لازمی در غیر مؤونه ی خود و افراد واجب النفقه اش، خرج کند و خود را از استطاعت بیندازد؟

ج- مستطیع باید به حجّ برود، در صورتی که استطاعت مالی او در ایّام و موسِم حجّ باشد و اِلّا صَرفش وَلو موجب سقوط از استطاعت شود، اشکالی ندارد.

سؤال«۴۹»- در مواردی که نهاد یا اُرگانی، فردی را به حجّ می فرستد، بدون این که مُلزم باشد کاری انجام دهد. آیا او از موارد حجّ بَذلی است یا خیر؟ آیا قبول

ص: ۳۳

آن واجب است؟

ج- با فرض مشروعیت آن بدون تعهد به هیچ کاری، حکم حجّ بذلی دارد.

سؤال«۵۰»- مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکّه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت جمهوری اسلامی، وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟

ج- اگر سایر شرایط را دارید و در همین سال هم ثبت نام می شود و ایّام هم ایّام حجّ باشد، باید ثبت نام کنید، در غیر این صورت مستطیع نیستید و نگهداری پول، لازم نیست.

سؤال«۵۱»- همسر شهیدی دارای دو بچّه ی چهار ساله می باشد و عملاً سرپرستی این دو بچّه را دارد و به عنوان خانواده ی شهید، قرعه ی حجّ هم به نام او در آمده است، آیا مشارالیه، می تواند مخارج را از مال این دو صغیر بردارد و مَناسک حجّ را انجام دهد یا

خیر؟

ج- نمی تواند مصارف حجّ را از اموال صغیر بردارد.

سؤال«۵۲»- شخصی، چهار پسر دارد و برای همه ی آن ها نیز زن گرفته است، خرج سالانه ی خود را هم دارد، قرضی هم به گردن ندارد و در آمدش به همراه پسرانش از یک محل است. اکنون توانایی این را دارند که دو نفرشان به حجّ بروند، آیا حجّ، واجب است یا نه؟ اگر واجب شده است، آیا تنها بر پدر واجب شده یا بر پسر هم واجب شده است و اگر بر پسر هم واجب است، کدامشان اولویت دارند؟

ج- باید مال مزبوز، بررسی شود و حقّ هر کدام معلوم گردد. سپس کسی که از مال خودش به مقدار حجّ، پول دارد و می تواند به مکّه برود و بعد از برگشت، زندگی در شأنش را داشته باشد، مستطیع است و باید به حجّ برود.

سؤال«۵۳»- پدربزرگی واجد شرایط حجّ است و نوه ای دارد که شرعاً و عرفاً به زن احتیاج دارد، که اگر

ازدواج نکنـد، بـه حرام می افتـد. کـدام مقـدم است، حـج پـدربزرگ یـا ازدواج نـوه اش؟ وظیفه ی پـدربزرگ چیست؟ خرج ازدواج برای نوه اش یا حجّ؟

ج- حـجّ خـودش مقـدم است، چـون مخـارج ازدواج نـوه، از نفقـات واجبه بر پـدربزرگ نیست، مگر آن که ترک ازدواج او مُستلزم تحمل امر حَرجی بر پدربزرگ باشد.

سؤال«۵۴»- اینجـانب، بـا داشـتن اسـتطاعت مـالی و هفتـاد و دو سـال سنّ، چون معتـاد به خوردن تریـاک هسـتم، طبق مقررات کشوری، اداره ی بهداشت از مشرف شدن بنده به سفر حجّ، جلوگیری می کند، از نظر شرعی تکلیف چیست؟

ج- اگر قبلاً مستطیع بوده ایـد و در صورت امکان، به سـفر حـجّ نرفته اید، حجّ، بر شـما مسـتقر شده است، پس اگر قدرت به ترک اعتیـاد یـا رفتن به خـارج از کشور از راه دیگر را نداریـد، بایـد نـایب بگیریـد. اگر قبلاً اسـتطاعت نداشـته ایـد، در فرض مذکور اگر قدرت ندارید که به خارج از کشور

بروید و از آن طریق، حجّ انجام دهید، مستطیع نیستید، مگر آن که بتوانید، وَلو با ترک کردن تریاک، تحصیل اجازه کنید و به مکّه بروید.

سؤال«۵۵»- آیا از منافع خمس و زکات، کسی مستطیع می شود یا نه، و آیا خمس و زکات جزء تَرکه ی میّت محسوب می شود یا نه؟

ج- چنان چه به عنوان مصرف، از طرف ولیّ امر، به او داده شده است، مالک آن شده و جزء ترکه ی او محسوب می شود، و از منافع آن هم با وجود سایر شرایط، مستطیع می شود، ولی در سهم امام،

اگر فقط مجاز در تصرف بوده است، مالک نمی شود و جزء ترکه ی میّت نیست، پس استطاعت هم از منافع آن حاصل نمی گردد.

سؤال«۵۶»- هر گاه کسی سرمایه یا ابزار کاری را دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد، می تواند با آن بدون زحمت، زندگی کند، و با تفاوت آن، قادر بر حجّ است، آیا این شخص مستطیع است؟

ج- با وجود سایر شرایط استطاعت، مستطیع است.

سؤال«۵۷»- شخصی، باغی دارد که چند سالی است در آمدی نداشته، امّا از نظر قیمت، برای سفر حجّ کافی است. عرفاً صاحب باغ، اطمینان دارد که وقتی باغش، ثمر بدهد، او هم از کار افتاده خواهد شد و باید از درآمد آن، امرار معاش نماید. آیا این شخص مستطیع است؟

ج- اگر امکان اِمرار معاش به غیر از درآمد آن باغ، نداشته باشد، مستطیع نیست.

سؤال«۵۸»- اگر مادری، دختر بچّه ی سه ساله ی خود را در سفر مکّه ی معظمه همراه ببرد، و در میقات، نیّت اِحرام و تلبیه را از جانب دخترش، انجام بدهد، و در طواف عمره، سعی بین صفا و مروه، طواف زیارت، طواف نساء و وقوف عرفات و مَشعَر و مِنی، مادر از طرف دختر، نیّت کند و خود دختر را طواف و سعی و توقف بدهد و آن چه از

اعمال حجّ که دختر قادر به انجام آن نیست، مادرش از جانب او انجام دهـد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد، می تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج- با فرض این که تمام اعمال را مطابق وظیفه، انجام داده اند، از اِحرام خارج شده است و می تواند شوهر کند.

سؤال«۵۹»- اولاً: با وجود دِین، چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟ و ثانیاً: در صورتی که پول باشد، اما به علت بیماری قلب، مقامات پزشکی سازمان حجّ و زیارت، تشرّف را خالی از خطر ندانسته و تجویز ننمایند، آیا باید یک چنین فردی، برای انجام حجّ، نایب بگیرد؟

ج- اگر شما قبل از آن که استطاعت پیدا کنید، مریض شده اید و به خاطر بیماری، قدرت رفتن به مکّه را نداشته اید، مستطیع نشـده ایـد و نـایب گرفتن لازم نیست و نیز اسـتطاعت مالی در صورتی موجود است که پول، به مقـدار رفتن و برگشـتن داشـته باشید و پس از برگشت، به

آسانی، امکان پرداخت دِین را داشته باشید.

سؤال«۶۰»- شخصی، قدرت خرید فیش حجّ را به قیمت آزاد دارد، ولی قیمت آن با نرخ متعارف، تفاوت زیادی دارد، آیا واجب است که تهیه کند؟

ج- اگرخرید فیش حجّ به قیمت آزاد، برای او عُسر و حَرج(سختی) ندارد، لازم است که آن را تهیه کند و حجّ واجب خود را به جا آورد.

سؤال«۶۱»- مقصود از سال استطاعت، چه وقت از سال است، به طور مثال برخی پول حجّ را در ماه مُحرَم و صفر دارند، در حالی که شاید، ثبت نام در ماه جمادی انجام شود؟

ج- اگر بداند که تنها راه انجام حجّ واجب او، ثبت نام در ماه جمادی است، باید پول را نگه دارد تا ثبت نام کند و کل این مدّت، سال استطاعت او محسوب می شود.

سؤال«۶۲»- در مَناسِک آمده که اگر موسِم حجّ رسیده است، شخصی که استطاعت دارد، نباید خود

را از استطاعت بیندازد، مثال این که پول خود را صَرف عمره ی مفرده یا کارهای دیگر کند. مقصود از موسِم حجّ، چه زمانی است؟

ج- مراد از موسِم حجّ، ماه های ذی القعده و ذی الحجّه است که موسم حجّ می باشد.

سؤال«۶۳»- کسی که استطاعت انجام حجّ را ندارد، ولی استطاعت انجام عمره ی مفرده را دارد، آیا عمره ی مفرده بر او واجب است؟

ج- هیچ گاه عمره ی مفرده بر فرد، واجب نمی شود.

سؤال«۶۴»- ما چهار برادر هستیم. دولت به برادر بزرگتر ما، پس از بازنشستگی، مقداری پول داد که موجب استطاعت مالی ایشان برای سفر حجّ شد. به لحاظ این که هر چهار برادر، در یک خانه، زندگی می کنیم و مخارج همه ی ما بر عهده ایشان است و خانه ی فعلی هم برای همه ی افراد خانواده، کوچک است، اگر با پولی که از دولت گرفته، به حجّ برود، زندگی برای همه ی ما مشکل می شود. استدعا دارم

حکم شرعی این مسأله را بیان فرمایید؟

ج- اگر خریـد منزل جدیـدِ مناسب، ضـروری است، در حقّیقت مسـتطیع نیسـتند، امّا در صورتی که خرید آن منزل، ضـروری نیست، انجام حجّ واجب، مُقدم است.

سؤال«۶۵»- حضـرت عالی، در مَناسِک حج، فرموده اید: «کسی که نیاز به ازدواج دارد، به طوری که ترک آن، سبب مرض یا ضرر یا مَشقّت گردد و پول برای آن، لازم باشد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حجّ، مصارف ازدواج را هم داشته باشد». آیا این حکم، شامل فرزندی که به حدّ بلوغ رسیده است، می شود؟

ج- اگر نیاز به ازدواج داشته و ترک آن برای او موجب مشقّت است، شامل این فرد هم می شود.

سؤال«۶۶»- شخصی، خانه ی مسکونی خود را فروخته است تا منزل دیگری بخرد و فعلاً اِعلام کرده اند که برای حجّ، ثبت نام می کنند، آیا با پول

موجود، مستطیع است و باید ثبت نام کند؟

ج- اگر نیاز به خرید خانه ی مسکونی دارد و پول او هم، فقط به اندازه ی خرید خانه ای در حدّ شأن او است، مستطیع نیست.

سؤال«۶۷»- آیا سادات و اهل علم، با وجوه شرعیه ای مثل سهم سادات و سهم امام، مستطیع می شوند؟

ج- استطاعت، حاصل می شود.

سؤال«۶۸»- خدمه ی کاروان ها و پزشکان و امداد گران و افراد دیگری که با مأموریت، به میقات آمده اند، آیا مستطیع هستند و باید حَجَّه الاسلام به جا آورند؟

ج- اگر این افراد، سایر شرایط استطاعت، مثل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت (مثل کار یا صنعتی که بتوانند با آن، پس از مراجعت از حجّ، زندگی را ادامه دهند) را دارند، مستطیع هستند و باید حَجّه الاسلام را به جا آورند.

سؤال«۶۹»- شخصی، در مدینه، با توجّه به این که مقداری پول، همراه دارد، در استطاعت خود، شک می کند، وظیفه اش چیست؟

ج- اگر قبلاً یقین به استطاعت، داشته است و سپس شک در آن کند، مستطیع است و اگر از ابتدا، شک کند، باید تحقیق کند و چنان چه پول او به مقدار انجام حجّ باشد، مستطیع است.

سؤال« ۷۰»- شخصی، برای حجّ، ثبت نام کرده، ولی نوبت وی، سال های آینده است و در سال جاری او را جهت خدمت به حُجّاج، دعوت کرده و می تواند برای خدمت، به حجّ برود. آیا واجب است قبول کند؟ اگر قبول کرد، آیا حجّ او حَجّه الاسلام است؟ و آیا می تواند فیش حجّ خود را به دیگری واگذار کند؟

ج- قبول رفتن به حجّ، جهت خدمت به حُجّاج واجب نیست، امّا اگر قبول کند و شرایط دیگر استطاعت، مثل رجوع به کفایت را داشته باشد، حجّ او حَجّه الاسلام است و در صورت انجام

حجّ واجب خود، می تواند فیش حجّ خود را به دیگری بدهد.

سؤال«۷۱»- شخصی، حاضر شده است که اینجانب را به حجّ ببرد و تمام مخارج آن را تأمین کند، سایر شرایط را هم دارم، ولی می دانم که بعداً بر من منّت می گذارد و احیاناً موجب ذلّت و سرافکندگی اینجانب و خانواده ام می شود. آیا با این وضع، واجب است که قبول کنم؟

ج- قبول آن واجب نیست.

سؤال«۷۲»- خانمی است که از دیدن جمعیّت، وحشت می کند و اضطراب غیر قابل تحمّلی به او دست می دهد، آیا همین عارضه، ساقط کننده ی تکلیف حجّ است یا نه؟

ج- این گونه مسائل، موجب سُقوط وجوب حجّ نیست، مگر وحشت و اضطراب او به حدّی باشد که عرفاً تحمّل آن ممکن نباشد و انجام حجّ را غیر مقدور کند.

سؤال«۷۳»- شخصی، با وجود تمام شرایط، حَجّهالاسلام خود را انجام داد و در مکّه بود که اموالش در وطن، تلف شد یا هزینه ی مراجعت به وطن او تلف شد، آیا در این صورت، حجّ او از حَجّه الاسلام کفایت می کند؟

ج- از حجّه الإسلام، کفایت می کند.

سؤال«۷۴»- اینجانب، هزینه ی سفر حجّ را دارم، امّا هزینه ی مهمانی قبل و بعد از حجّ و سوغات متناسب با شئون خود را ندارم، آیا مستطیع هستم و باید حجّ بروم؟

ج- استطاعت، حاصل شده است.

سؤال«۷۵»- زنی، سال های قبل، واجد شرایط حجّ بوده و بت نام کرده است. اکنون که نوبتش شده، بچّه شیر می دهد و کسی نیست که بچّه ی او را به راحتی نگهداری کند و شیر دهد، وظیفه اش چیست؟

ج- در صورتی که انجام حجّ، همراه با بچّه ی شیر خواره، برای او ممکن نباشد، مستطیع

نیست و بعداً در صورت امکان، باید حجّ را به جا آورد.

سؤال«۷۶»- اشخاص مُعتاد و خانم های باردار، قانوناً از سفر حجّ، ممنوع هستند، ولی سایر شرایط را دارند. این افراد اگر با دروغ و حیله و تقلّب، مکّه بروند، آیا حجّ آن ها صحیح است؟

ج- حجّ آن ها باطل نیست، امّا عمل دروغ و حیله، گناه دارد.

سؤال«۷۷»- شخصی، اجیر شده یا به عنوان خدمه، پذیرفته شده است، مشروط بر این که عمره ی مفرده انجام دهد نه تَمتّع، ولی او اولاً عمره ی تمتّع انجام داده است و فعلاً در مکّه می باشد، آیا صحیح است و باید حجّ تمتّع انجام دهد؟ ثانیاً اگر از روی غفلت از قرارداد و شرط، عمره ی تمتّع انجام داده است، فعلاً وظیفه اش چیست؟

ج- عمره ی تمتّع، از جانب منوب عنه، صحیح نیست و این عمل از جانب خود او انجام گرفته است و باید حجّ تمتّع را انجام دهد و عمل او

ص: ۴۷

برای خودش صحیح است و باید عمره ی مفرده را از طرف منوب عنه، به جا آورد، حتی اگر نسبت به اجاره هم غفلت پیدا کرده باشد.

سؤال«۷۸»- زنی بدون اذن و توافق شوهرش، برای انجام عمره ی مفرده و حجّ اِستحبابی، به مکّه ی معظمه، مسافرت می کند. حکم این سفر و اعمال وی چگونه است؟

ج- حجّ او باطل است.

سؤال«۷۹»- شخصی، پس از استقرار وجوب حجّ، دیوانه شده است، وظیفه ی ولیّ، نسبت به حجّ او چیست؟

ج- - چنان چه امید بهبودی در او هست، باید ولیّ، صبر کند تا خودش انجام دهد و اِلّا می تواند از مال او حجّ بدهد، اگر در حال حیاتش، داده نشده، واجب است از تَرکه ی او اخراج نماید، چون حجّ، دِینی است که بر عهده ی او، ثابت شده است.

ص: ۴۸

خمس و احکام آن در حجّ و عمره

سؤال«۸۰»- شخصی، بدون این که خمس مال خود را بپردازد، به حجّ رفته است و الان می خواهد آن را بپردازد، آیا حجّ او صحیح است یا خیر؟

ج- اگر لباس اِحرام و قربانی، با پول غیر مُخمّس نبوده است یا به صورت کلّی، جنس خریده باشد، عمل او اشکال ندارد، در غیر این صورت تفصیلاتی دارد که باید به رساله، مراجعه شود.

سؤال«۸۱»- اینجانب که تحت تَکفُّل پدرم هستم، اگر خدا بخواهد، سال آینده به اتفاق مادرم، به زیارت خانه ی خدا مُشرّف خواهم شد. لازم به یادآوری است که هزینه ی این سفر را از پول هایی که پدرم طیِّ هفت

یـا هشت سـال، به عنوان هفتگی و یـا پولی که برای پس انـداز به مـا داده است، پرداخته ایم، قابـل ذکر است که پـدرم تـا این تاریـخ، هیـچ گونه وجهی به عنوان خمس، نپرداخته است. خواهشـمندم مرقوم بفرماییـد که حجّ ما با این پول، چه حکمی پیدا می کند؟

ج- در فرض سؤال، خمس به پول تعلق گرفته و بایـد اخراج شود، پس تهیه ی اِحرام و قربـانی و سایر هزینه های حـجّ، از این پول جایز نیست.

سؤال«۸۲»- شخصـی، بـا لبـاس اِحرامی که خمس آن را پرداخت نکرده، اعمـال عمره و حـجّ را انجـام داده است، اعمال او در صورت علم، عَمد، جهل و نِسیان، چه حکمی دارد؟

ج- اگر علم داشـته باشـد که مال او غیر مُخَمَس است و خمس نیز به عین پول اِحرام، تعلق گرفته باشـد، عمره و حـجّ او باطل است، امـا در صورت جهـل یـا نسـیان و یا عـدم تعلق خمس، به عین پول اِحرام، اعمال عمره و حـجّ او صـحیح است، ولی باید خمس مال، پرداخت شود. البته لازم به ذکر

است که معمولاً خمس، به ذِمّه ی افراد است و یقین به تعلق خمس، به عین پول احرام، مشکل است.

سؤال«۸۳»- شخصی، با پول غیر مُخَمَّس، حوله ی احرام خریده، ولی هنگام خرید، نمی دانسته که پول غیر مخمس است، آیا احرام و اعمالش صحیح است؟

ج- احرام و اعمال او صحیح است، امّا هر زمان علم پیدا کرد، باید خمس مال را بپردازد.

سؤال«۸۴»- شخصی، با پول غیر مخمس، لباس احرام تهیه کرده و با این که به این موضوع، توجّه داشته است، با همان لباس، طواف و نماز آن را انجام داده و از همان پول نیز، قربانی خریده است، حکم حجّ او چگونه است و وظیفه ی فعلی او چیست؟

ج- اگر خمس به عین پول احرام و قربانی، تعلق گرفته باشد، حجّ او باطل است و در غیر این صورت، حجّ صحیح است، امّا باید خمس مال

ص: ۵۱

پرداخت شود. البته معمولاً خمس مال، به ذمّه می رود و لذا صحّت حجّ، بعید نیست.

سؤال«۸۵»- شخصی، با مال غیر مُخمس، قربانی خریده و ذِبح کرده و اعمال پس از آن را به جا آورده است. حجّ او در صورت علم، عَمد، جهل و نسیان، چه حکمی دارد؟

ج- اگر خمس به عین مال قربانی، تعلّق گرفته باشد، صحّت حجّ، مشکل است، معمولاً خمس به ذمّه تعلق می گیرد و لذا حجّ، صحیح است امّا باید خمس مال پرداخت شود.

سؤال«۸۶»- لباس اِحرامی که معلوم نیست از درآمد مِنبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ج- با فرض شک، لازم نیست، هرچند احتیاط، بهتر است.

سؤال«۸۷»- کسی که از اوّل بلوغ، سال خمسی، برای خود قرار نداده است، اگر به حجّ مشرف شود و

با همان پولی که دارد، اِحرام و قربانی تهیه و در حجّ، مصرف کند، آیا برای حجّ او ضرر ندارد؟

ج- اگر با عین پول خمس نداده، احرام و قربانی، خریده باشد، طواف و قربانی، صحیح نیست، ولی اگر احتمال دهد که به ذمّه خریده است، هم چنان که اکثراً چنین است یا رنج وسط سال قبل از رسیدن به سال باشد مانعی ندارد و عمل او از نظر قربانی و لباس و احرام و مصارف حجّ صحیح می باشد.

سؤال«۸۸»- اگر شخصی، با پولی که خمس آن پرداخت نشده است، لباس اِحرام بخرد و با آن، مُحرِم شود و طواف و نماز، به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

ج- اگر از روی علم و عَمد، نبوده، اصل عمره و حجّ او صحیح است. ولی در صورتی که جاهلِ مقصر باشد، باید طواف، نماز و قربانی-در صورتی که قربانی هم با چنین پولی تهیه شده باشد- را اعاده کند.

ص: ۵۳

سؤال«۸۹»- اگر با پولی که معلوم نیست متعلّق خمس است یا نه، لباس اِحرام بخرد؛ آیا لازم است که خمس آن را بدهد و اگر نداد، طواف با آن، چه حکمی دارد؟

ج- با فرض شَک، لازم نیست که خمس بدهد و طواف او، صحیح است، هر چند که احتیاط، بهتر است.

سؤال«۹۰»- اگر قربانی، از وجه غیر مُخمس باشد، چه حکمی دارد؟

ج- اگر با عین پول، خمس نداده باشد، کفایت نمی کند. چون نوعاً به صورت ذِمّه، خریداری می شود، آن قربانی، صحیح است.

سؤال«۹۱»- شخصی، برای عمره ی مفرده، ثبت نام کرده است، به صورتی که سفرش، قطعی بوده و برای رفتن نیز به ناچار می بایست پولی به حساب واریز کند؛ ولی نوبت او به سال دوم، مُؤکول شده است؛ آیا در سر رسید سال خمسی، به پولی که به حساب سازمان حجّ و

زیارت واریز شده است، خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج- خمس به آن تعلق می گیرد.

ص: ۵۵

استفتائات نیابت

سؤال«۹۲»- شخصی، مستطیع بوده و در میقات به نیابت فرد دیگری، مُحرم شده و به مکّه آمده و عمره ی تمتّع را از طرف مَنوب عَنه، انجام داده است؛ وظیفه ی او چیست؟

ج- با این که خودش مستطیع است، صحّت نیابتش، خالی از اشکال نیست. اگر مُحرم است و وقت برای اِحرام خود دارد، عمل را رجاءً تمام کند، آن گاه باید به میقات برگردد و برای خودش، مُحرم شود.

سؤال«۹۳»- آیا کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حجّ آمده و از انجام بعضی از اعمال معذور است،

می تواند برای انجام این اعمال، نایب بگیرد؟ آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد تا اصل حجّ را به جا آورد؟

ج- نایب شدن شخص معذور، صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر این که از طرف صاحب پول، مُجاز به گرفتن نایب باشد که در این صورت می تواند دیگری را در اصل عمل حجّ، نایب کند و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و آن شخص، اعمال را انجام داد، حجّ از طرف مَنوب عنه، واقع می شود؛ ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول، ضامن چیزی نیست و اُجرت نایب را باید امر کننده، بپردازد.

سؤال«۹۴»- بعضاً از هر کاروان، چند نفر ازخدمه، به نیابت آمده اند و به ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در مِنی یا همراه ضُعفا، به مِنی بروند؛ سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ص: ۵۷

ج- با توجّه به این که از معذورین هستند و نمی توانند وقوفِ اختیاری در مشعر را درک کنند، نیابت آنان صحیح نیست و اگر قبل از استخدام، اجیر شده اند، باید حجّ را به جا آورند و وقوفِ اختیاری را درک نمایند.

سؤال«۹۵»- آیا شخص زنده، در موردی که می تواند نایب بگیرد، باید از بَلَد، نایب بگیرد یا از میقات؛ اگر دیگری برای او نایب بگیرد، کفایت می کند یا خیر؟

ج- نایب گرفتن از میقات، کفایت می کند، گرچه اَحوَط آن است که خود فرد از بَلَد، نایب بگیرد؛ انجام این کار برای شخص، توسط دیگری، کافی نیست مگر از طرف او وکالت داشته باشد.

سؤال«۹۶»- آیا می توانیم عمره ی مفرده یا طواف استحبابی را به نیابت چند نفر انجام دهیم و در اعمال آن از جمله طواف نساء، باید برای همه نیّت

همه شود یا نیّت بعضی کافی است؟

ج- می توانید به نیابت چند نفر انجام دهید. باید نیّت همه بشود.

سؤال«۹۷»- شخصی را در روز عید، قبل از حلق، دستگیر کرده و به ایران فرستاده اند؛ آیا رفقای این فرد می توانند از او نیابت کنند و بقیه ی اعمال را انجام دهند یا خیر؛ چگونه این شخص از احرام خارج می شود؟

ج- بدون این که خودش نایب بگیرد، صحیح نیست ؛ برای خارج شدن از اِحرام، باید به مِنی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر رفتنش به مِنی مقدور نیست، در محل خود، حلق یا تقصیر نماید و در صورت امکان باید موهای خود را به مِنی بفرستد و برای اعمال مترتبه باید نایب بگیرد.

سؤال«۹۸»- افرادی که هر سال به حجّ می روند (از قبیل خدمه ی کاروان ها) معمولاً در محل خود، نیابت

اشخاصی را قبول می کنند، ولی بر اثر اشتغال زیاد، در میقات از نیابت، غافل و مُحرِم می شوند. پس از متوجّه شدن، دوباره نیّتِ نیابت می کنند؛ آیا حجّ نیابتی آنان درست است که حجّ برای خودشان حساب می شود؟

ج- باید عمره و حجّ را تمام کند و از منوب‌عنه کفایت می کند در صورتی که ارتکازش به نیابت باشد که اگر پرسیده شود جواب می دهد، حج برای منوب عنه است.

سؤال«۹۹»- در میقات، شخصی برای خودش مُحرم می شود و تلبیه می گوید، سپس با خود فکر می کند که چون حجّ واجب را در سال های گذشته به جا آورده است، برای پدر یا مادر یا فرد دیگری از خویشاوندانش، حجّ تبرعی به جا آورد، آیا می شود یا نیّت عدول کند و یا دوباره به نیّت شخص مورد نظر مُحرم شود یا خیر؟

ج- اگر به اِحرام صحیحی مُحرم شده است،

نمی تواند نیّت را عوض کند و باید عمل خود را به همان نیّتی که در اِحرام داشته است، تمام کند.

سؤال«۱۰۰»- نـایبی در اِحرام عمره ی تَمتُّع پس از این که وارد مکّه شـد، شک می کنـد که نیّت نیابت کرده یا نه؛ آیا بایـد به میقات برگردد و مجدداً به نیابت مُحرم شود، یا حجّ برای خودش حساب می شود و دیگر نمی تواند نایب باشد؟

ج- در نیّت، خطور لازم نیست. اگر انگیزه ی او در حال احرام، نیابت بوده است، عمل را به نیابت انجام دهد؛ و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد، اعمال را باید به نیّت اجمالی (همان نیّت در حال اِحرام) تمام کند. در نیابت به آن اکتفا نمی شود.

سؤال«۱۰۱»- آیا کسـی که برای عمره ی تَمتُّع مسـتحبی، مُحرم شـده و عمره را انجام داده، می تواند در حجّ، نایب کسـی شود که بعد از احرام عمره، طوری

ص: ۶۱

مریض شده است که نمی تواند اعمال را انجام دهد؟

ج- کسی که برای عمره ی تَمتُّع وَلُو مستحبی، مُحرم شده است، نمی تواند در اصلِ عمره یا حجّ، برای دیگری نایب شود، و باید عملش را تمام کند؛ ولی اگر شخص مریض، فقط قادر به انجام طواف و سَعی نباشد و بتواند وقوفین را درک کند و بقیّه ی اعمال را نایب بگیرد، جایز است که دیگران را در طواف سَعی و اعمال دیگر، نایب قرار دهد، هرچند خودشان هم حجّ یا عمره به جا می آورند.

سؤال«۱۰۲»- آیا شخصی که برای بار اول، به صورت خدمه، حجّ به جا آورده و دوباره نیز به عنوان خدمه، عازم مکّه معظمه است، می تواند از پدر یا مادری که فوت شده اند، نیابت نماید و آیا در چنین صورتی حجّ، از عهده ی پدر و مادرش خارج می شود؟

ج- مانعی ندارد و حجّ از منوب عنه، کافی است؛ ولی صحت نیابت، در صورتی که سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع شده باشد،

خالی از اشکال نیست.

سؤال«۱۰۳»- آیا همه ی کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان، بعد از درک اضطراری مشعر، به مِنی بروند، جزء ذَویِ الاعذار می باشند که نیابت ولو تبرعاً مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثناء شده است؟

ج- در فرض سؤال زنان می توانند نایب شوند، به شرط آن که از قبل علم به وسیله عذر منجر به نیاز به درک اضطراری مشعر نداشته باشد و نیابت در سایر ذوی الاعذار صحیح نیست.

سؤال«۱۰۴»- شخصی در حجّ، از میّتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مَناسِک، هیچ عذری نداشته است؛ ولی چند سال بعد از انجام حجّ متوجّه شده که در وقوفِ مَشعَرُالحرام به عنوان راهنما، با زنان و بیماران، وقوف اضطراری کرده و به مِنی رفته و غافل بوده است که نایب باید وقوفِ اختیاری کند. وظیفه ی این فرد چیست؟

ص: ۶۳

ج- عمل مزبور، مُجزی از حجّ نیابتیِ استجاری نیست و از جهت اُجرت نیز باید به اجیر کننده مراجعه نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که مُنقَضی شده است، نباشد، درباره حجّ نیابتی صحیح به جا آورد.

سؤال«۱۰۵»- آیا می توانم برای مادر و خودم فریضه ی حجّ را انجام دهم؟

ج- در یک سال بیش از یک حجّ، واقع نمی شود.

سؤال«۱۰۶»- شخصی در مسجد شجره به عنوان نایب، مُحرم شده و به مکّه آمده است؛ در آن جا متوجه شده که خودش مستطیع بوده است؛ آیا باید اعمال عمره را به قصد خود به جا آورد یا به قصد نیابت؟ اگر باید حجّ را به قصد خود به جا آورد، نسبت به حجّ نیابی چه وظیفه ای دارد و آیا می تواند برای آن، نایب بگیرد یا نه؟

ج- اِحرام او صحیح است؛ باید اعمال عمره را تمام کند و طواف نساء را انجام دهد و پس از آن به

میقات برگشته و برای خود، مُحرم شود؛ ولی اگر وقت ندارد، باید عمل را رها کند و به میقات برگردد و مُحرم شود و اگر این مقدار هم وقت ندارد، احتیاطاً و رجاءً، عمل را به اتمام رساند، ولی صحّت این نیابت، خالی از اشکال نیست.

سؤال«۱۰۷»- آیا کسی که نایب بوده و عمره تمتّع را انجام داده و سپس ناچار شده است که به ایران بازگردد، می تواند بقیه ی اعمال را به دیگری واگذار نماید تا حجّ تمتّع را انجام دهد؟

ج- نمی تواند.

سؤال«۱۰۸»- آیا ایمانِ نایب که در اصلِ نیابت حجّ، شرط است، در سایر اعمالی که در آن نیابت، جایز است، مثل رَمیِ جمرات و طواف هم شرط است یا خیر؟

ج- در سایر اعمال نیز شرط است.

سؤال«۱۰۹»- شخصی تمام اختیارات اموال

ص: ۶۵

پـدرش را دارد و پـدر نمی توانـد بالمباشـره، حـجّ به جا آورد؛ پسـر بـدون اطلاعِ پدر، شخصـی را برای حجّ پدر اجیر نموده و خودش هم برای حـجّ خود، مشـرف شـده است. آیا حـجّ فرد اجیر شـده، برای حـجّ پـدر، مُجزی است یا خیر؟ هرگاه در مدینه تصـمیم بگیرد که آن چه از مال پدر به اَجیر داده است را با پدر، حساب نکند و از مال خودش بدهد، آیا رفعِ اشکال می شود یا نه؟

ج- در فرض مزبـور، اِسـتِنابه (گرفتـن نـایب) در مـورد پــدر، صـدق نمی کنـد و اگر از پـدر وکـالت مطلقـه نداشـته باشـد، حَجَّهُالاسـلام از طرف پـدر واقـع نمی شود؛ ولی اگر از مـال خودش برای پـدر، حـجّ به جـا آورد، حـجّ صـحیح است، ولی از حَجَّهُالاسلامِ پدر، کفایت نمی کند.

سؤال«۱۱۰»- شخصی پس از آن که به مدینه مشرف شد، جنون پیدا کرد؛ با توجّه به این که قبلاَ بر استقرار شده است، آیا می شود برای او نایب گرفت یا خیر، اگر نشود، تبرع حجّ از او چه صورت دارد؟

ج- در فرض سؤال، نیابت و تبرع، صحیح نیست.

سؤال«۱۱۱»- فردی پس از استطاعت مالی برای حجّ اسم نویسی کرد و قرار شد که دو سال بعد مشرف شود، ولی چند ماه قبل از حرکت، در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود تا برای او حجّ به جا آورد،فوت کرد، در صورتی که پسرش نیز استطاعت مالی داشته ولی در اسم نویسی مسامحه کرده و ثبت نام ننموده است؛ درحالی که در صورت ثبت نام، امکان داشت در همان سال اول، قرعه به نامش بیفتد و شاید هم سال های بعد. اکنون که این پسر به نیابت حجّ بلدی از جانب پدر به مدینه آمده ولی هنوز مُحرِم نشده است، چه وظیفه ای دارد؟

ج- نیابت در فرض سؤال، صحیح نیست، ولی اگر مجاز باشد، می تواند برای پدر نایب بگیرد و برای خودش باید حجّ به جا آورد.

سؤال«۱۱۲»- شخصی از قم، اجیر حجّ بلدی شده و خودش ساکن اراک است. بعد از اجیر شدن، در

نظر داشته که به قم برود و از آن جا حرکت کند. پس از چند روز، در حالی که از موضوع با خبر شده، برای انجام کار دیگری به قم و پس از آن به تهران رفته است. آیا همان نیّت قبلی برای حرکت از قم، کافی است یا باید به آن جا برگردد؟ بر فرض خروج از ایران، چه حکمی دارد؟

ج- در صورت توانایی باید برگردد، اگر ارتکازاً هم فراموش کرده باشد و چنان چه برنگشت وَلو در صورت تمکّن، و حجّ را انجام داد، حجّ صحیح است و بالنسبه استحقّاق اجرت دارد، مگر آن که مستأجر، راضی به این کیفیت باشد.

سؤال«۱۱۳»- آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه، اعمال حجّ را انجام دهد، یا باید مطابق وظیفه ی خودش عمل نماید؟

ج- اگر عمل به احتیاط، در جمع هر دو وظیفه، ممکن نباشد، میزان، وظیفه ی خود اوست؛ ولی اگر به کیفیت خاصی اجیرشده است، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه ی خودش و

کیفیت ذکر شده، بشود.

سؤال«۱۱۴»- آیا در اجاره برای اعمال حجّ، لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند یا نه؟

ج- لازم است؛ برای آن که بتوانـد در مواردی که احتیاط، امکان دارد به آن عمل کند و اگر عمل به احتیاط، در جمع هر دو وظیفه، ممکن نباشد، به وظیفه ی خود، عمل کند.

سؤال«۱۱۵»- نـایب، چنـد ماه قبل از حـجّ، به بَلـد منوب‌عنه می رود و به عنوان نیابت حـجّ حرکت می کنـد و به وطن خودش برمی گردد یا به محل دیگری می رود، و در ماه ذی الحجّه که عازم حـجّ می شود، دیگر به بَلد منوب عنه نمی رود. آیا کافی است یا نه؟

ج- کافی است.

سؤال«۱۱۶»- در موردی که مرحوم پدرم فرموده بود: پسـر بزرگ، نیابتاً به مکّه برود و من که پسـر بزرگ هسـتم به واسـطه ی ارث، مستطیع شده ام، امّا

تاکنون نتوانسته ام سهم خود را به پول مبدل کنم، آیا می توانم با این حال به جای پدر، حجّ به جا آورم یا نه؟

ج- چون فرض سؤال عدم تمکّنِ فروش است که استطاعت، موقوف بر اوست، می توانید به جای پدر، حجّ به جا آورید.

سؤال«۱۱۷»- آیا برای نایب در طواف عمره ی تمتّع یا طواف حجّ، جایز است که طواف را در غیر مُوسِم حجّ، به جا آورد یا نه؟

ج- جایز نیست؛ زیرا طواف عمره ی تَمَتُّع باید در اشهر حجّ قبل از عرفات و طواف حجّ تمتّع تا آخر ذی الحجّه انجام شود؛ مگر آن که فراموش کرده باشد و بعد از اشهر حجّ، متذکّر شود، که در این صورت بعید نیست در نایب باید جمع کند بین انجام آن در همان زمان مباشرتاً اگر مجاز باشد و انجام آن در اشهر حجّ سال بعد. اللّه اَعلم.

سؤال«۱۱۸»- شخصی، قبلاً مستطیع بوده و به

حجّ نرفته است و اکنون نیز هیچ گونه قدرت مالی جهت انجام حجّ، ندارد. آیا فرزندش می تواند، تبرعاً از طرف او حجّ نیابتی انجام دهد؟

ج- نیابت در حجّ از حیّ (شخص زنده) صحیح نیست، مگر در صورتی که شخص به دلیل پیری یا مریضی، نتواند به حجّ برود و تا آخر عمر نیز از خوب شدن، مأیوس باشد.

سؤال«۱۱۹»- حجّ به نیابت از حضرت ولیِّ عصر- ارواحُنا لَه الفِداه- چون در موسِم حجّ، تشریف دارند، جایز است یا نه؟

ج- احتیاط در آن است که حجّ را برای خود به جا آورد و ثواب را اهدا کند.

سؤال«۱۲۰»- زنی که واجب الحجّ است، وصیّت کرده که وصیّش از اصل تَرَکه ی او برایش حجّ بلدی انجام دهد. اکنون برای وصیّ او استطاعتِ جانی و مالی و غیره فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام نویسی برای حجّ، آن ها با عذری، استطاعت

راهی ندارد، آیا می تواند حجّ نیابتی را انجام دهد؟

ج- اگر وصیّ، قبلاً استطاعت نداشته است و فعلاً هم راه برای او باز نیست، اکنون هم مستطیع نیست و می تواند برای حجّ نیابتی اجیر شود؛ ولی اگر بدون این که اجیر شود و خود را به میقات برساند، نمی تواند حجّ نیابتی به جا آورد و باید برای خودش حجّ به جا آورد.

سؤال«۱۲۱»- اگر کسی که حجّ نیابتی انجام می دهد، در قربانی کردن، شخص سومی را وکیل کند، ذبح کننده باید چگونه نیّت کند؟ آیا باید نیّت کند که به وکالت از میّت قربانی می کنم یا باید وکالت از نایب میّت کند؟ در هر صورت آیا لازم است که نام میّت را هم ببرد؟

ج- بردن نام میّت، لازم نیست؛ بلکه اگر نیّت آن چه بر عهده ی نایب است را انجام دهد، صحیح است.

سؤال«۱۲۲»- کسی که برای حجّ، اجیر می شود،

اگر به طور مثال شرط کند که برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که می شود برای آن نایب گرفت، نایب می گیرم، آیا این شرط نافذ است و می تواند عمل نماید یا نه؟

ج- اگر عذر دارد، نمی تواند قبول کند؛ ولی در قربانی، مانعی ندارد و شرط لازم نیست.

سؤال«۱۲۳»- آیا کسی که احتمال قویِ عُقَلایی می دهد که نمی تواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد و ممکن است که حجّ تَمتّع را بَدَل به افراد کند، می تواند از حجّ واجب نیابت کند؟

ج- در صورتی که از اول یقین و اطمینان بر تحقّق عذر نداشته باشد، می تواند نیابت کند؛ چنان چه عارض شد و عدول به افراد نمود، بعید نیست که کفایت از حجّ تَمتّع نماید.

سؤال«۱۲۴»- نایبی که در وقت قبول نیابت برای حجّ معذور نبوده است و پس از عقد اجاره، در موقع عمل یا قبل از مُحرِم شدن، جزء معذورین شده و در

هر عـذری که پیش آمـده، طبق وظیفه ی معذورین رفتار نماید، آیا حجّ او از مَنوب‌عنه کافی است و نیز آیا نسـبت به نحوه ی عذر، فرقی هست یا نه؟

ج- اگر پس از شـروع به عمل حجّ، عذر عارض شد، اشکال ندارد؛ ولی قبل از عمل، خالی از اشکال نیست و در این صورت فرقی بین اقسام عذرها نمی باشد.

سؤال«۱۲۵»- آیا نیابت کسانی که در حال اجیر شـدن، از معـذورین نبوده انـد و سـپس در اِثناءِ عمل، عـذر عارض شده است، صحیح است و مُستحقّ تمام اُجرت می باشند یا نه؟

ج- اشکال ندارد و تمام اُجرت را در صورتی که به وظیفه ی خود عمل کرده باشد، مستحقّ خواهد شد.

سؤال«۱۲۶»- تکلیف خـدمه ای که از روی جهل نسـبت به مسأله، اجیر شـده اند و وقوفِ اختیاری مشـعر را درک نکرده اند و هم چنین سایر معذورانی که

ص: ۷۴

حجّ ناقص از این قبیل انجام داده اند، تبرعاً یا با اجرت، چیست؟

ج- اگر در شب عید، وقوف در مشعر را انجام داده و از روی جهل، قبل از فجر، کوچ کرده و تا ظهر روز عید نتوانسته است برگردد، حجّ او صحیح است و باید یک گوسفند قربانی کند، ولی کفایت از مَنوبٌ عنه نمی کند؛ امّا اگر تا ظهر روز عید به مشعر برگشت و وقوفِ اضطراری را درک نمود، حجّ او صحیح است و کفاره ای ندارد و در این صورت، بعید نیست که کفایت از حجّ مَنوبٌ عنه بنماید.

سؤال«۱۲۷»- در مناسک آمده است که معذور نمی تواند نایب شود. معذور به چه کسی گفته می شود؟ لطفاً حدّ آن را معین کنید. مثلاً کسی که نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی تواند خودش رَمیِ جمرات کند، و یا نمی تواند قربانی نماید، و یا نمی تواند یکی دیگر از واجبات حجّ را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر؟

ج- هر کس که نتواند اعمال اختیاری حجّ را انجام دهد، معذور است و نمی تواند نایب شود؛ ولی مباشرت در ذِبح، در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند، می تواند برای حجّ نایب شود و برای ذِبح، نایب بگیرد.

سؤال«۱۲۸»- آیا نیابت کسی که نمازش صحیح نیست و برای نیابت به حجّ آمده است، صحیح است؟ مفروض این است که به عنوان نیابت مُحرم شده است؟

ج- اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت او اشکال دارد و اگر معذور نیست، باید با قرائت صحیح، نماز را بخواند.

سؤال«۱۲۹»- اگر مستنیب یا مَنوبٌ عنه، در وقت نیابت، بدانند که نایب، جزء معذورین است و او را نایب کنند، اولاً: آیا اُجرت نیابت برای نایب، حلال است یا نه؟ ثانیاً: آیا حجّ نیابتی او صحیح و از حَجَّهُالاسلام یا غیر حَجَّهُالاسلام مَنوبٌ عنه کفایت

می کند یا نه؟

ج- با فرض این که معذور بوده و استیجار شده است، استحقّاق اجرت ندارد، و کفایت نمی کند.

سؤال« ۱۳۰»- کسی که در انجام حجّ بلدی، نیابت دارد، چه مقدار از مستحبات مدینه و مکّه را باید به نیابت از مَنوبٌ عنه انجام دهد؟

ج- اگر در ضمن عقد اجاره، چیزی شرط نشده باشد، باید در حدّ متعارف و معمول که اطلاق اجاره منصرف به اوست، انجام دهد؛ در غیر این صورت باید طبق شرط عمل نماید.

سؤال« ۱۳۱»- نیابت در عبادات به چه معناست؟ نایب باید قصد تقرب چه کسی را بکند؟

ج- نیابت در عبادات به این معنی است که نایب، عمل را از طرف منوبٌ عنه انجام دهد و در حقیقت این عمل از طرف منوبٌ عنه مورد قبول قرار گیرد و نایب باید قصد تقرب الی اللّه را به واسطه ی عمل داشته باشد و از طرف هر دو باید

قصد تقرب داشته باشد.

سؤال«۱۳۲»- آیا کسی که تاکنون به حجّ نرفته است و اولین سفر اوست، می تواند از طرف شخص دیگری برای انجام حجّ، نایب شود؟

ج- بنابراحتیاط واجب، نیابت از طرف فرد دیگر برای کسی که هنوز حجّ واجب خود را به جا نیاورده است.

سؤال«۱۳۳»- نایب بلافاصله پس از عقد اجاره از انجام بعضی از اعمال، معذور شد، آیا نیابت او صحیح است و از مصادیق عذر طاری است یا خیر؟

ج- از مصادیق عذر طاری است و نیابت او صحیح است.

سؤال«۱۳۴»- اگر نایب در حین نیابت، معذور است و یقین به عذر دارد، ولی می داند در اثنای عمل عذر او برطرف می شود (مثلاً: قرائت نمازش را تصحیح می کند) در این صورت آیا اِحرام، محقّق گردیده و نیابت درست می باشد؟

ج- اگر بداند که می تواند تمام اعمال را بدون عذر انجام دهد و صحیح، به جا آورد، نیابت او درست است، امّا اگر بعضی از اعمال را همراه با عذر انجام می دهد، نیابت او محلِ اشکال است.

سؤال«۱۳۵»- کسی که نمی تواند اِعرابِ تلبیه را صحیح بگوید و یا حروف را از مخارج، ادا کند، ولی می تواند با تَلقینِ روحانیِ کاروان، صحیح بخواند، آیا می تواند نایب شود؟

ج- اگر بتواند با تلقینِ روحانی، آن را صحیح اَدا کند، نیابت او صحیح است.

سؤال«۱۳۶»- آیا نیابت نایبی که در حجّ تمتّع، در ارتکاب بعضی از مُحَرَمات، مضطر باشد، صحیح است؟

ج- نیابت چنین فردی، صحیح است مگر آن که مُحَرَماتی را به جا آورد که موجب بُطلان اصلِ حجّ و عمره شود.

ص: ۷۹

سؤال«۱۳۷»- آیا صحیح است که شخصی در ابتدای ورود به مدینه یا مکّه، دیگری را وکالت و نیابت دهد که قربانیِ او را بخرد و به موقع، آن را ذبح کند و اگر هم در بین اعمال، مشکلی برای او پیش آمد و نتوانست که بعضی از اعمال خود را انجام دهد، این فرد اعمال او را انجام دهد؟

ج- در مواردی که گرفتن نایب برای انجام این اعمال امکان داشته باشد، می تواند به دیگری چنین وکالتی را بدهد.

سؤال«۱۳۸»- آیا افرادی که به خاطر سالمندی یا بیماری، اعمال مکّه را بر وُقوفین، مقدم می دارند، می توانند حجّ نیابتی قبول کنند؟

ج- قبول حجّ نیابتی از آن ها صحیح نیست.

سؤال«۱۳۹»- آیا بانوانی که وقوفِ اختیاری مشعر را درک نمی کنند و قبل از طلوع فجر، وارد مِنی می شوند، می تواند از مرد یا زن نایب شوند؟

ج- اگر از ابتدا بدانند که وقوفِ اختیاری مشعر را

درک نمی کنند، نیابت آن ها صحیح نیست.

سؤال«۱۴۰»- آیا زنی که می داند در بین اعمال حیض می شود و ناچار است برای بعضی از اعمال نایب بگیرد، می تواند نایب شود؟

ج- نمی تواند نایب شود.

سؤال«۱۴۱»- شخصی نیابتاً با فیش پدر یا مادرش به حجّ آمده و چون از انجام بعضی از اعمال معذور است یا قرائتش صحیح نیست، اکنون متوجّه شده که نیابتش صحیح نیست و حجّ، بر پدر یا مادرش واجب نبوده است؛ این فرد چه وظیفه ای دارد؟

ج- حجّ، برای خود فرزند، واقع می شود و اگر پدر یا مادر، او را اجیر کرده اند، حجّ نیابتی صحیح نیست و باید مبلغ اُجرت را به پدر یا مادر برگرداند و اگر صرفاً پدر یا مادر از حقّ خود چشم پوشی کرده اند و او را به حجّ فرستاده اند، تکلیفی ندارد و حجّ، برای خود او صحیح است.

سؤال«۱۴۲»- شخصی که قرائت نماز او صحیح نیست و هر چه تلاش کرده، نتوانسته است که آن را تصحیح کند، در عین حال به نیابت آمده و عمره ی تَمتّع را برای مَنوبٌ عنه انجام داده و بعد از تقصیر، متوجّه شده که از معذورینی است که نیابتش درست نبوده است؛ حال تصمیم می گیرد تا شخص دیگری را برای منوبٌ عنه خود، نایب بگیرد، و برای خود، حجّ انجام دهد. با توجّه به این که حکومت، اجازه نمی دهد که به مواقیت معروفه برود، اگر از مسجد تنعیم، برای عمره ی تَمتُّع، مُحرِم شود، آیا از حَجَّه لاسلام خودش کفایت می کند یا خیر؟ نایب گرفتن او چه حکمی دارد؟

ج- از حَجَّهُ الإسلام کفایت نمی کند، ولی می تواند به دنبال عمره ی تَمتُّع، حجّ تمتّع را به جا آورد و موجب ثواب است و نیابت گرفتن مجدد از منوبٌ عنه و اِحرام نایب از تنعیم صحیح نیست. البته اگر منوبٌ عنه به او اجازه دهد که فرد دیگری را نایب بگیرد و نایب دوم نیز بتواند از مواقیت معروفه، مُحرِم شود، کفایت می کند و

ص: ۸۲

صحیح است.

سؤال«۱۴۳»- شخصی استحباباً برای عمره ی تمتّع خودش مُحرِم شده و پس از انجام اعمال عمره و مُحلّ شدن از آن، متوجّه شده که بر پدرش حجّ، واجب است، آیا می تواند حجّ تمتّع مستحبی خود را انجام ندهد و مجدداً از یکی از مواقیت، به نیابت پدرش مُحرم به اِحرام عمره ی تمتّع شود و یا در همین فرض می تواند برای دیگری اجیر شود و حجِّ تمتّع استیجاری انجام دهد؟

ج- نیابت و اجیر شدن او صحیح نیست؛ چرا که بعد از انجام عمره ی تمتّع، حقّ خروج از مکّه را ندارد و باید برای خود، حجّ تمتّع را به جا آورد.

سؤال«۱۴۴»- در فرض سابق، اگر اجیر شد، آیا استحقّاق اُجرت تعیین شده را دارد؟

ج- استحقّاق اُجرت را ندارد.

سؤال«۱۴۵»- نایبی که در ماه ذی العقده یا

ص: ۸۳

ذی الحجّه، وارد مکّه شـده، قبـل از آن که برای منوبٌ عنه خود، مُحرِم به احرام عمره ی تمتّع شود، آیا می توانـد برای خودش عمره ی مفرده به جا آورد و بعد برای کار ضروری به مدینه رفته و از آن جا برای منوبٌ عنه خود، مُحرِم شود؟

ج- مانعی ندارد و عمره ی مفرده ی او صحیح است.

سؤال«۱۴۶»- شخصـی، در مـدینه ی منوره، دیگری را اجیر می کنـد تـا برای پـدر وی، حـجّ میقاتی به جا آورد؛ ولی مشـخص نکرده است که از مسـجد شـجره مُحرم شود یـا میقات های دیگر. آیا اجیر می توانـد از مسـجد شـجره، به نیّت عمره ی مفرده، مُحرم شود و پس از آن به جحفه یا قرن المنازل برود و برای عمره ی تمتّع استیجاری مُحرِم شود؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۱۴۷»- شخصـی، اجیر شـده است که حـجّ نیابتی میقاتی انجام دهد و چون مطمئن بوده است که می تواند بعداً به میقات برود، لذا هنگام ورود،

عمره ی مفرده، انجام داده و به طرف قرن المنازل رفته که از آن جا برای منوبٌ عنه، مُحرم شود، ولی حکومت، مانع شده است به همین علت از همان جا به قصد منوبٌ عنه، مُحرِم و وارد مکّه شده است. تکلیف این شخص چیست؟

ج- صحّت چنین حجّی از ناحیه منوبٌ عنه، محل اشکال است و لذا حجّ، برای منوبٌ عنه انجام نمی گیرد و مستحقّ اُجرت نیست.

سؤال«۱۴۸»- شخصی، به نیابت وارد شهر جَدّه شده است و نمی گذارند که او به مواقیت معروفه برود؛ آیا عذر طاری، محسوب می شود و صحیح است که با نذر، از جدّه، مُحرِم به عمره ی تمتّع نیابتی شود یا مُجزی نیست؟

ج- با فرض مرقوم، اگر بگذارند که با نذر، در جَدّه مُحرِم شود و در حال گذر از جحفه یا مُحاذات آن، دوباره نیّت اِحرام کند، نیابت او صحیح است و امّا اگر همین مقدار هم ممکن نباشد،

نیابت او باطل است.

سؤال«۱۴۹»- آیا انجام حجّ و عمره و طواف مستحبی، تَبَرُعاً یا با گرفتن اُجرت، به نیابت کسی که در مکّه حاضر است، صحیح است و اگر معذور باشد چه طور؟

ج- انجام حجّ و عمره به نیابت از کسی که در مکّه حضور دارد، صحیح نیست؛ خواه تَبَرُعاً یا با گرفتن اُجرت باشد، امّا نیابت انجام برخی از اعمال حجّ یا عمره از کسی که معذور از انجام آن است، اشکال ندارد.

سؤال«۱۵۰»- آیا صحیح است که شخصی اجیر شود تا یک حجّ تمتّع یا یک عمره ی مفرده به نیابت چهارده معصوم یا به نیابت مخصوص حضرت ولیّ عصر(عج) انجام دهد؟

ج- مانعی ندارد و دارای ثواب زیادی است.

سؤال«۱۵۱»- چنان چه شخصی از انجام اعمال اختیاری حجّ یا عمره، معذور است یا قرائتش صحیح

نیست، آیا می تواند به نیابت معصومین، حجّ یا عمره به جا آورد؟

ج- اگر به صورت تَبرُعی باشد و در حقّیقت ثواب حجّ یا عمره ی خود را به روح حضرات معصومین هدیه کند، اشکال ندارد.

سؤال«۱۵۲»- آیا بیمار یا حائض، می تواند بلافاصله نایب بگیرد و مُحلّ شود یا باید تا آخر وقت صبر کند؟

ج- اگر امید دارد که تا آخر وقت، مشکل او برطرف می شود، باید صبر کند و در غیر این صورت از ابتدا می تواند نایب بگیرد.

سؤال«۱۵۳»- آیا کسی که در انجام حجّ بلدی، نیابت دارد، در برگشت از سفر حجّ نیز باید به شهر منوبٌ عنه بر گردد یا لزومی ندارد؟

ج- برگشتن به شهر منوب عنه لازم نیست، مگر آن که در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد.

سؤال«۱۵۴»- کسی که قرائتش درست نیست، آیا می تواند تَبرعاً از کسی که حجّ واجب برعهده دارد،

نیابت کند و حجّ انجام دهد ؟

ج- نیابت چنین شخصی صحیح نیست، هر چند تَبرُعی باشد، مگر آن که بتواند قرائت خود را تصحیح کند و ذَوِی الاعذار محسوب نشود، که در این صورت می تواند نیابت را قبول نماید.

سؤال«۱۵۵»- روحانی کاروانی نایب است و می داند که برای نظارت بر اعمال حجّ حُجّاج در قربان گاه، لباس او آلوده به خون می شود و به جهت مسئولیتی که دارد، در قربان گاه مُعطّل می گردد؛ آیا با علم به این موضوع، نیابتش در حجّ، اشکالی دارد؟

ج- نیابت اشکالی ندارد.

سؤال«۱۵۶»- آیا نایبی که طواف نساء را به جا نیاورد، تنها زن، بر او حرام است یا ذِمّه اش هم مشغول است، هرچند پس از مُردن باشد که باید برای او قضا کنند؟

ج- ذِمّه ی او هم مشغول است؛ ولی خودش باید در هنگام حیاتش انجام دهد و اگر نمی تواند، باید

نایب بگیرد. چنان چه قبل از تدارک، فوت نماید، احتیاط آن است که از تَرَکه اش قضای آن به جا آورده شود.

سؤال«۱۵۷»- تکلیف کسانی که با فیش حجّ میّت و به نیابت از وی به حجّ می روند، اگر خودشان نیز تمام شرایط استطاعت را دارا باشند، به جز باز بودن راه، که آن هم با فیش حجّ میّت حاصل شده است، در صورتی که بتوانند به طور مثال در مدینه یا جَدّه (قبل از میقات) برای مُتَوفی نایب بگیرند و خودشان، حجّ واجب خود را انجام دهند، چیست؟

ج- در صورتی که اجازه برای گرفتن نائب داشته باشند و خود را به مدینه برسانند و مستطیع هم باشند، باید برای میّت، نایب بگیرند و خودشان نیز حجّ واجب خود را انجام دهد.

سؤال«۱۵۸»- در فرض سؤال قبل، اگر میّت، یکی از وَرثه را (برای مثال، پسر بزرگ خود را) برای انجام حجّ، مشخص کرده باشد، یا تمام ورثه اتفاق

کنند که یکی از آن ها از طرف میّت به حجّ برود، تکلیف او چیست؟

ج- پاسخ این سؤال هم از جواب سابق معلوم می شود.

سؤال«۱۵۹»- شخصی در مدینه ی منوره، دیگری را اجیر می کند که برای پدر وی، حجّ میقاتی به جا آورد، ولی مشخص نکرده است که از مسجد شجره مُحرِم شود یا میقات های دیگر؛ آیا اجیر می تواند از مسجد شجره به نیّت عمره ی مفرده، مُحرِم شود و پس از آن به «جحفه» یا «قرن المنازل» برود و برای عمره ی تَمتّع استیجاری، مُحرِم شود؟

ج- اگر قرینه و شاهد حال، منصرف به میقات مسجد شجره نباشد، مانعی ندارد.

سؤال« ۱۶۰»- انجام یک عمره ی مفرده ی استحبابی، به نیّت خود و به نیابت تَبَرُعی دیگران، صحیح است یا نه؟

ج- صحیح است و اللّه الأعلم.

ص: ۹۰

سؤال«۱۶۱»- وظیفه ی شخصی که عمره ی مفرده ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش، مُحرم می شود، و در بین آن، متوجّه می شود که در عمره ی اول، طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است، چیست؟

ج- باید طواف و نماز عمره ی اول را اِعاده نماید و از اِحرام اول خارج شود، سپس احتیاطاً عمره ی دوم را مجدداً به قصد «ما فِی الذِمّه» به جهت نیابت، به جا آورد.

ص: ۹۱

وصیّت به حجّ

سؤال«۱۶۲»- فیش حجّ مُتوَفی، به مبلغ زیادی در بازار خریداری می شود، و می توان به کمتر از آن مبلغ، برای حجّ میّت، نایب گرفت؛ آیا می توان از آن فیش برای رفتن به حجّ استفاده کرد، در حالی که مازاد قیمت آن متعلق به ورثه است و در صورتی که میّت، وارث صغیر داشته باشد، چه طور؟

ج- این مسأله چند صورت دارد :

۱- چنان چه حجّی بر ذِمّه ی میّت، مستقر نشده و وصیّت به حجّ هم نکرده باشد، فیش متعلق به ورثه است و با رعایت مَصلحت حال صغیر، خرید و فروش مانعی ندارد.

۲-اگر حجّی بر ذمّه ی او مستقر شده و وصیّت به حجّ بدوی نیز نکرده است، با دادن حجّ از میقات و فیش جزء تَرکه ی میّت می شود و متعلق به ورثه است و باید مانند فرض اول، عمل نمایند.

۳-اگر حجّی بر ذِمّه ی او مستقر است و وصیّت به حجّ بلدی کرده و عمل به وصیّت، موجب اضافه شدن هزینه ی ثلث مال میّت نمی شود، باید به وصیّت عمل شود. اگر وصیّت، مخصوص فیش باشد، پس ورثه از آن حقّی ندارد و در این صورت، بودن و نبودن صغیر در بین ورثه، تأثیری در مسأله ندارد.

۴- همین فرض است، در صورتی که عمل به وصیّت موجب اضافه شدن هزینه از ثلث مال باشد که باید نسبت به اضافه، رضایت ورثه را به دست آورد و سهم صغیر هم رعایت شود.

۵- همین فرض است ولی وصیّت به خصوص فیش تعلق نگرفته، باید حجّ با رضایت ورثه و رعایت

مَصلحت حال صغیر داده شود و فیش در این صورت، مُتعلق به ورثه می شود و خرید و فروش آن با رعایت سهم صغیر، مانعی ندارد.

سؤال«۱۶۳»- شخصی، وصیّت به حجّ نکرده و ورثه ی او نمی دانند که آیا شرایط وجوب حجّ را داشته و حجّ بر او مستقر بوده یا خیر؛ وظیفه ی آنان چیست؟

ج- انجام حجّ به نیابت از میّت، بر عهده ی آنان واجب نیست.

سؤال«۱۶۴»- شخصی، وصیّت کرده که بعد از فوت او، درخت هایش را برای حجّ او مصرف کنند، در حالی که آن ها (یک پنجم) خرج حجّ امروزه را ندارند؛ وظیفه چیست؟

ج- انجام حجّ، بر ورثه وجوب ندارد، مگر آن که حجّ بر فرد میّت، مستقر شده باشد که باید از اصلِ تَرَکه، حجّ او به جا آورده شود.

سؤال«۱۶۵»- شخصی، برای حجّ مستحبی، مبلغ

معینی را وصیّت کرده و آن مبلغ، حتّی برای حجّ میقاتی نیز کفاف نمی کند؛ وظیفه چیست؟

ج- انجام حجّ مستحبی، بر ورثه واجب نیست و باید با اجازه ی حاکم شرع، صَرفِ امور خیریه ی دیگر شود.

سؤال«۱۶۶»- آیا حج بر دختری که تنها وارث زمین های پدر بوده و فوت کرده و قسمتی از ماتَرکش را اختصاص به نماز و روزه داده، واجب بوده است؟

ج- اگر زمین های به ارث رسیده، کفاف حجّ را می کرده، حجّ بر دختر، مستقر شده است و باید از تَرَکه ی او حجّ به جا آورده شود. البته این حکم در صورتی است که سایر شرایط استطاعت را نیز داشته است وگرنه حجّ بر دختر، مستقر نشده است.

سؤال«۱۶۷»- شخصی، وصیّت به حجّ کرده و اسمی از بَلَدی یا میقاتی نبرده است؛ وظیفه ی ورثه چیست؟

ج- گرفتن نایب از میقات کفایت می کند، گرچه احوط آن است که از بلد خودش، نایب بگیرند.

سؤال«۱۶۸»- اگر متوفی وصیّت کرده باشد که وارث معینی، حجّ او را اَدا کند، آیا این وصیّت معتبر خواهد بود؟

ج- اگر وارث در زمان حیات متوفی، وصیت را قبول کرده، واجب است آن را انجام دهد و امّا اگر بعد از مرگ متوفی از وصیّت اطلاع پیدا کند، باید طبق وصیّت عمل کند.

سؤال«۱۶۹»- شخصی، وصیّت کرده که یکی از فرزندانش با فیش حجّ او، حجّ به جا آوردند، ولی مشخص نکرده که کدام فرزندش برود؛ اکنون بین فرزندانش (که دختر و پسر هستند) اختلاف پیدا شده، و پسر بزرگتر مُدَعی است که باید او برود، ولی فرزندان دیگر قبول نمی کنند؛ وظیفه چیست؟

ج- اگر حجّ بر میّت، مستقر شده باشد، پسر بزرگتر باید آن را به جا آورد.

سؤال« ۱۷۰»- شخصی، می خواهد منزل و مایَملَک خود را به صُلحِ قطعی به کسی واگذار کند، به شرط این که تا مالک، زنده است، در تصرّف خودش باشد و از منافع آن ها استفاده کند و نیز مشروط بر این که شخص متصالح، پس از مرگ وی (مَصالح) برای او یک حجّ به جا آورد و ۲۰ سال، نماز و روزه به نیابت او انجام دهد؛ آیا این صلح و شرط ها صحیح است؟ و آیا ورثه ی مَصالح می توانند صلح را به هم بزنند؟

ج- این صلح، صحیح و عمل به شرط، لازم است و ورثه ی مصالح نمی توانند آن را به هم بزنند.

ص: ۹۷

استفتائات اِحرام

سؤال«۱۷۱»- شخصی، در وقت احرام این طور قصد می کند: «محرم می شوم، یا اِحرام می بندم، برای عمره ی تمتّع یا غیر آن»؛ با توجّه به این مسأله که فرموده اید: «نیّت احرام لازم نیست، بلکه ممکن نیست»، این اِحرام چه حکمی دارد؟

ج- ضرری به اِحرام نمی زند، هرچند قصد اِحرام، لازم نیست، احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص، به قصد حجّ یا عمره، تلبیه بگوید، مُحرم می شود، هرچند قصد اِحرام نکند.

سؤال«۱۷۲»- معمولاً مردها برای اِحرام، یک حوله به عنوان لُنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی

ص: ۹۸

شانه ها می اندازنـد، ولی بعضـی افراد برای این که موقع وَزش باد و یا سوار شدن به ماشـین، عورت آنان ظاهر نشود، اضافه بر آن دو حوله، یـک متر چلوار دوخته نشـده از وسـط پـا عبور می دهنـد، به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب، زیر حوله قرار می گیرد؛ آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۱۷۳»- آیا لباس اِحرام، منحصر در دو جامه است و نباید بیشتر باشد؟

ج- مقدار واجب آن، دو جامه است و زیادتر مانعی ندارد.

سؤال«۱۷۴»- شخصـی عمره مفرده انجام داده و سـپس برای عمره مفرده یا تمتّع محرم شـده، در اثنای عمل متوجّه بطلان عمره قبل شد. وظیفه او چیست؟

ج- اگر بطلان عمل او به گونه ای است که هنوز از احرام عمره قبل خارج نشـده است، هنوز محرم به عمره دوم نشده است و باید اعمال عمره قبل

ص: ۹۹

را تمام کند و سپس مجدداً برای عمره دوم محرم شود.

سؤال«۱۷۵»- وظیفه ی کسی که عصیاناً بدون اِحرام وارد مکّه شده و قبلاً هم حجّ و عمره ای بر او واجب نبوده است، چیست؟

ج- باید به یکی از مواقیت برگردد و مُحرِم و وارد مکّه شود و اگر این امکان را ندارد، به خارج از حَرم برود و مُحرِم شود.

سؤال«۱۷۶»- آیا در مدینه مُحرِم شدن با نذر، برای مطلق افراد، اِستِحباب دارد و صحیح است؟

ج- مُحرِم شدن با نذر در مدینه، جایز است، ولی اِستِحباب آن ثابت نیست.

سؤال«۱۷۷»- چنان چه نذر کرد، ولی از روی عمد یا جهل یا از روی فراموشی، در آن مکان مُحرِم نشد و در میقات این کار را کرد، آیا اِحرامش صحیح است؟

ج- اِحرام او صحیح است، ولی اگر از روی عمد،

ص: ۱۰۰

عصیان کند، کفاره ی شکستن نذر بر او واجب است و اگر از روی جهل یا فراموشی باشد، در صورت امکان باید برگردد و در آن مکان مُحرِم شود.

سؤال«۱۷۸»- صیغه ی نذرِ اِحرام چگونه و با چه عبارتی است؟

ج- یا به عربی بگوید: «لِلّهِ عَلَی أن اُحرِمَ مِنَ المَدینَه مثلاً» یا به فارسی بگوید: «نذر می کنم که مُحرِم شوم از مکان مدینه مثلاً: به احرام عمره ی تمتّع یا مفرده» و سپس از آن مکان، مُحرم شود.

سؤال«۱۷۹»- کسی که اِحرام را فراموش کرده و اعمال عمره و حجّ را بدون اِحرام، تمام کرده و اکنون متوجّه شده است، چه وظیفه ای دارد؟

ج- بعید نیست که اعمال او صحیح باشد.

سؤال«۱۸۰»- از جمله ی مستحبات اِحرام این است: «کسی که قصد حجّ دارد، از اول ماه ذی القعده و کسی که قصد عمره ی مفرده دارد، پیش از یک ماه،

موی سر و ریش را رها کند»؛ آیا شارب (سبیل) حکم ریش را دارد؟

ج- شارب (سبیل) حکم ریش را ندارد و مستحب است که انسان شاربِ خود را کوتاه کند.

سؤال«۱۸۱»- کسانی که ابتدا به جَدّه رفته و سپس برای عمره ی تمتّع به مکّه می روند، آیا برای مُحرِم شدن، حتماً باید به یکی از میقات ها بروند یا می توانند در «محاذات میقات» مُحرِم شوند؟

ج- اگر امکان دارد، باید به یکی از میقات ها برود و اگر امکان ندارد، می تواند در «محاذات میقات» نیز مُحرم شود.

سؤال«۱۸۲»- شخصی، قصد دارد که با هواپیما یا ماشین از مدینه به جَدّه برود و از جَدّه برای عمره ی تمتّع یا مفرده، به مکّه برود؛ در این فرض، گذشتن از میقات های مسیر راه، بدون اِحرام، چه حکمی دارد و باید از کجا مُحرم شود؟

ج- گذشتن از میقات هایی که در مسیر راه هستند

ص: ۱۰۲

بدون اِحرام، مانعی ندارد، امّا برای عمره ی تمتّع باید از یکی از میقات ها مُحرم شود.

سؤال«۱۸۳»- آیا کسی که از میقات اهل مدینه می گذرد، باید داخل مسجد شجره، مُحرم شود یا بیرون مسجد، کافی است؟

ج- درصورت امکان، باید از داخل مسجد شجره، مُحرم شود، گرچه در بیرون از مسجد به طوری که مُحاذی و برابر با مسجد، از طرف راست یا چپ باشد، کفایت می کند.

سؤال«۱۸۴»- شخصی، برای اِحرام به مسجد شجره رفته و مشاهده کرده که دَرب مسجد، بسته است، لذا خارج از مسجد، مُحرم شده و اعمال عمره را به جا آورده است؛ وظیفه ی او چیست و آیا عمره اش صحیح است؟

ج- اگر از مُحاذات مسجد شجره، مُحرِم شده است، اِحرام و عمره ی او صحیح است.

سؤال«۱۸۵»- چنان چه شخصی برای اِحرام به

مسجد شجره برود و مشاهده کند که دَرب مسجد بسته است، وظیفه اش برای اِحرام چیست؟

ج- از مُحاذات مسجد شجره، مُحرِم شود و اِحرام او صحیح است.

سؤال«۱۸۶»- در مَناسِک آمده است: «جُنُب و حائض، می تواند در حال عبور از مسجد، مُحرم شود» آیا این حکم، مخصوص مسجدی است که دو درب داشته باشد، یا شامل مسجدی که فقط یک درب دارد نیز می شود؟

ج- این حکم شامل مسجدی است که دو درب دارد، البته از نظر ما می تواند در بیرون از مسجد و مُحاذات آن هم مُحرم شود.

سؤال«۱۸۷»- فاصله ی بعضی از مَحلات جدیدُالاِحداث مکّه تا مسجدُالحرام، بیش از ۱۸ کیلومتر است و شاید عُرفاً از توابع مکّه حساب شوند نه این که جزء مکّه باشند؛ چرا که تابلوهای راهنمایی، با فِلَش، جهت مکّه را مشخص نموده اند؛ با این

کیفیت، آیا می توان برای حجّ، در مَحلات ذکر شده مُحرم شد؟

ج- اگر از مَحله های مکّه است، مانعی ندارد، و اگر از مَحلّات آن نیست یا مورد شک است، کفایت نمی کند.

سؤال«۱۸۸»- چند رشته کوه طولانی و مرتفع، شهر مکه را فرا گرفته و هر دو طرف کوه، ساختمان هایی بنا شده است. گاهی باید چند کیلومتر از این طرف کوه برویم تا به جانب دیگر آن برسیم و ساکنین هر طرف جدای از طرف دیگرند، مثلاً «شِعب بنی عامر» که نزدیک مسجدالحرام است و عَزیزیه که ۹ کیلومتر یا بیشتر، در طرف دیگر قرار دارد و به جهت مُسامحه ی عرفی، به همه ی این قطعات، مکّه گفته می شود؛ آیا اِحرام حجّ تمتّع از تمام این نقاط و نقاط مشابه، صحیح است یا نه؟

ج- اگر در مکّه است، اِحرام حجّ از آن جا صحیح است، هرچند از ساختمان های جدید الإحداث

باشد.

سؤال«۱۸۹»- اگر زنی به نیّت عمره ی مفرده، مُحرم و بعد از آن عادت شود و در همه ی روزهایی که می تواند در مکّه باشد، حیض است، باید برای عمره چه کار کند؟ و اگر آن جا اعمالی انجام نداده و اکنون به ایران آمده است، چه وظیفه ای دارد؟

ج- در فرض سؤال، باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه ی اعمال عمره را خودش به جا آورد و چنان چه به ایران آمده است، اقدام کند و برگردد، و اگر نمی تواند بازگردد، برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال، مراعات شود و تا اعمال را به جا نیاوَرَد، آن چه به وسیله ی اِحرام بر او حرام شده است، بر او حلال نمی شود.

سؤال«۱۹۰»- زنی که احتمال می دهد حائض شود و نتواند به داخل مسجدالحرام برود، آیا می تواند برای عمره ی مفرده ی مستحبی، مُحرم شود؟ آیا اگر خونی

دیـد، بایـد برای طواف و نمـاز، نایب بگیرد؟ هم چنین فرد مریضـی که احتمال می دهـد، نتوانـد اعمال عمره ی مفرده را انجام دهد، چه طور؟

ج- اشکال ندارد و چنان چه وظیفه ی او نایب گرفتن شد، به وظیفه ی خود عمل نماید.

سؤال«۱۹۱»- تکلیـف کسـی کـه وظیفـه ی او عمره ی تمتّع اسـت و نمی دانسـته که به نیّت عمره ی مفرده، مُحرم شـده است، چیست؟

ج- اگر وقت، زیاد است، می توانـد عمره ی مفرده را تمام کنـد و سـپس عمره ی تمتّع به جا آورد و إلّا می تواند همان عمره ی مفرده را که در ماه های حجّ است، تبدیل به تمتّع نماید.

سؤال«۱۹۲»- آیـا غـار حِرا، جزء محـدوده ی مکّه است؟ و در این صورت آیـا می توان قبل از وقوف، به آن جا رفت و صِدق خروج از مکّه نمی کند؟

ج- چون جزء توابع مکّه است، اشکال ندارد.

سؤال«۱۹۳»- کسی که در جِدّه و یا مدینه، حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است در حال احرام وارد مکّه شود، یا بدون اِحرام نیز جایز است؟

ج- مجنون، تکلیف ندارد و اِحرام بر او واجب نیست، و اگر بدون اِحرام وارد مکّه شود، اشکالی ندارد.

سؤال«۱۹۴»- اگر بعد از خروج از میقات، در بین راه متوجّه شود که تلبیه را نگفته، یا نیّت نکرده و یا به دلیلی اِحرامش درست نیست، چنان چه بخواهد از همان جا به میقات برگردد، میسر نیست، ولی اگر به مکّه بیاید، امکان برگشت دارد؛ آیا می تواند به مکّه بیاید و به میقات برگردد، یا باید از همان جا مُحرِم شود؟

ج- اگر می تواند به میقات برگردد وَلو از مکّه، نمی تواند برای عمل واجب، در غیر از میقات مُحرِم شود، ولی اگر برای داخل شدن به مکّه از «ادنی الحل» به نیّت عمره ی مفرده، مُحرِم شود و

بعد از اعمال آن، به یکی از مَواقیت معروف برود و برای عمره ی تمتّع، اِحرام ببندد.

سؤال«۱۹۵»- زن، بدون اذن شوهرش نذر می کند و با نذر، مُحرِم می شود، آیا اِحرامش درست است یا نه؟ و چنان چه با همان اِحرام، اعمالش را به جا آورده باشد، چگونه است؟

ج- در صورتی که با حقّ شوهر، منافات نداشته باشد، اِحرامش صحیح است و در صورت منافات، اگر قبل از میقات، مُحرِم شده است، اِحرام او صحیح نیست، اگرچه در صورتی که بعد از تمام شدن حجّ، فهمید که عملش صحیح است؛ ولی اگر بعد از عمره، متوجّه شد، در صورتی صحیح است که قابل جبران نباشد. و در صورتی که می تواند، باید به میقات برود و از آن جا مُحرِم شود و اگر نمی تواند به میقات برود، خارج از حَرم، اِحرام ببندد.

سؤال«۱۹۶»- آیا نذر اِحرام قبل از میقات، برای نایب هم جایز است یا نه؟

ص: ۱۰۹

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۱۹۷»- هرگاه حائض یا جُنُب، عصیاناً وارد مسجد شود و مانند دیگران توقف نماید و مُحرِم شود، آیا اِحرام او صحیح است یا نه؟

ج- اگر قصد قربت از او متمشی شود، اِحرام صحیح است.

سؤال«۱۹۸»- شرایط لباس اِحرام بانوان چیست؟

ج- احتیاط واجب آن است که بانوان، در حال نیّت و تلبیه، دو لباس اِحرام را مانند مردان بپوشند، اگر چه لباس دوخته شده نیز پوشیده باشند و از نظر شرایط، مثل لباس اِحرام مردان است.

ص: ۱۱۰

اسفتائات میقات

سؤال«۱۹۹»- کسانی که ابتدا به جَدّه رفته و سپس برای عمره ی تمتّع به مکّه می روند، آیا برای مُحرم شدن، حتماً باید به یکی از میقات ها بروند یا می توانند در مُحاذات میقات نیز مُحرِم شوند؟

ج- اگر امکان دارد، باید به یکی از میقات ها برود و اگر امکان ندارد، می تواند در مُحاذات میقات نیز مُحرِم شود.

سؤال«۲۰۰»- شخصی، قصد دارد که با هواپیما یا ماشین از مدینه به جَدّه برود و از جَدّه برای عمره ی تمتّع یا مفرده به مکّه برود؛ در این فرض، گذشتن از میقات های مسیر راه، بدون اِحرام، چه حکمی دارد و

باید از کجا مُحرِم شود؟

ج- گذشتن از میقات ها که در مسیر راه هستند بدون اِحرام، مانعی ندارد، امّا برای عمره ی تمتّع باید از یکی از میقات ها مُحرِم شود.

سؤال«۲۰۱»- کسی که از میقات اهل مدینه می گذرد، آیا باید داخل مسجد شجره، مُحرِم شود یا بیرون از مسجد کافی است؟

ج- درصورت امکان باید از داخل مسجد شجره، مُحرِم شود، گرچه در بیرون از مسجد به طوری که مُحاذی و برابر با مسجد (از طرف راست یا چپ) باشد، کفایت می کند.

سؤال«۲۰۲»- وظیفه ی شخصی که برای اِحرام به مسجد شجره رفته و مشاهده کرده که درب مسجد بسته است و خارج از مسجد، مُحرِم شده و اعمال عمره را به جا آورده است، چیست و آیا عمره ی او صحیح است؟

ج- اگر از مُحاذات مسجد شجره، مُحرِم شده است،

ص: ۱۱۲

احرام و عمره ی او صحیح است.

سؤال«۲۰۳»- چنان چه شخصی برای اِحرام به مسجد شجره برود و مشاهده کند که درب مسجد بسته است وظیفه اش برای اِحرام چیست؟

ج- از مُحاذات مسجد شجره، مُحرِم شود و اِحرام او صحیح است.

سؤال«۲۰۴»- در مَناسک آمده است: «جُنُب و حائِض می تواند در حال عبور از مسجد، مُحرِم شود»، آیا این حکم مخصوص مسجدی است که دو درب داشته باشد، یا شامل مسجدی که فقط یک درب دارد نیز می شود؟

ج- این حکم شامل مسجدی است که دو درب دارد، البته از نظر ما می تواند در بیرون از مسجد و مُحاذات آن هم مُحرِم شود.

سؤال«۲۰۵»- شخصی، از میقات برای انجام عمره ی تمتّع، مُحرِم شده و اعمال عمره را نیز به پایان برده و عمداً یا اضطراراً بین الاحرامین از مکّه خارج

شـده است، بدون آن که به اِحرام حجّ، مُحرِم شود و مثلاً به مدینه آمده و بار دیگر به قصد مکّه از میقات می گذرد، وظیفه ی او نسبت به اِحرام در میقات یا گذشتن از آن بدون اِحرام چیست؟

ج- اگر در همـان ماه قمری که از مکّه خارج شـده است، برگردد، نیازی به اِحرام جدیـد نیست و اگر در ماه بعـد باشـد، باید مجدداً به عمره ی تمتّع مُحرِم شود و عمره ی اولی تبدیل به مفرده می شود.

سؤال«۲۰۶»- کسانی که به علت عادت ماهانه، نمی توانند داخل مسجد شجره، مُحرم شوند، باید در خارج از آن مُحرم شوند و در مُحاذی جحفه تجدید اِحرام نمایند؛ با توجّه به این که مُحاذی جحفه، نقطه ی مشخصی نیست، وظیفه ی این افراد چیست؟

ج- تجدید اِحرام، لازم نیست.

سؤال«۲۰۷»- جماعتی، از راه طائف، عازم مکّه بودند، قبل از رسیدن به قرن المنازل، آنان را از راه

وادی عقیق، فرستادند و از رفتن از راه قرن المنازل، منع کردند و لذا در وادی عقیق، مُحرِم شدند؛ آیا اِحرام آنان صحیح است؟

ج- بله، صحیح است.

سؤال«۲۰۸»- در مَناسِک، مَرقوم است که زن های حائض بایـد در حال عبور از مسـجد شـجره، مُحرِم شونـد و اگر نمی توانند، در خارج از مسجد، مُحرم شوند. آیا این گونه اشخاص می توانند در مدینه، با نذر، مُحرِم شوند؟

ج- چون اِحرام قبل از میقات، با نـذر، صـحیح است، زن های حائضـی که عـذر شـرعی از داخل شـدن به مسـجد دارنـد، می تواننـد در مدینه، با نذر، برای عمره ی مُحرِم شوند و یا در خارج از مسـجد شـجره، اِحرام ببندند، چون در خارج از مسـجد هم جایز است؛ ولی اگر با نذر، خواست که مُحرِم شوند و مزاحم حقّ شوهر باشد، اِذن، لازم دارد.

ص: ۱۱۵

سؤال«۲۰۹»- زن حائضی که از مدینه عازم مکّه بود، گمان می کرد که در حال عبور در مسجد شجره می تواند مُحرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به حیاط مسجد رسید، دید که به جهت ازدحام جمعیت، نمی تواند با عبور، مُحرِم شود، لذا از شوهرش که در کنارش بود، اجازه ی نذر گرفت و چند قدمی از مسجد، فاصله گرفت و با نذر، مُحرِم شد؛ آیا کفایت می کند یا خیر؟

ج- اگر اِحراز کند که قبل از میقات، با نذر، مُحرِم شده است، مانعی ندارد، ولی به نظر ما اگر در محذورات مسجد، مُحرِم شود، کفایت می کند و نیازی به نذر نیست.

سؤال«۲۱۰»- زن در حال حیض، به خیال این که می تواند در حال عبور، در مسجد شجره، اِحرام ببندد، وارد مسجد شد و بلافاصله اِحرام بسته و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می خواست خارج شود رفت، ولی چون دید که امکان عبور

نیست، بر گشت و از همان دری که وارد شده بود، خارج شد؛ آیا اِحرامش صحیح است؟

ج–بله، صحیح است.

سؤال«۲۱۱»- نظر به این که مسجد جُحفه و مسجد تَنعیم، اخیراً تخریب و بازسازی شده، وسعت یافته است، آیا حُجّاج یا معتمرین باید در حدود مسجد قبلی، مُحرِم شوند و یا مُحرم شدن در تمام مسجد فعلی، معتبر است؟

ج- میقات در جُحفه، مخصوص مسجد نیست و از هر جای جُحفه می توانند مُحرم شوند و هم چنین مسجد تَنعیم، خصوصیّت ندارد و اِحرام از اَدنی الحل صحیح است، هرچند در مسجد نباشد. بنابراین در صورت توسعه ی مسجد، با صِدق جُحفه در اول و ادنی الحل در دوم، اِحرام اشکال ندارد.

سؤال«۲۱۲»- بعضی از مراجع معظّم فرموده اند: «خدمه هایی که می خواهند به مکّه بروند و از آن جا

خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکّه، اگر فقط به جَدّه می روند، برای ورود به مکّه در مرتبه ی دوم و سوم و بعد از آن، اِحرام، واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آن جا بخواهند به مکّه بروند، باید در مسجد شجره، مُحرِم شوند برای عمره مفرده دیگر چنانچه میسر است، نکته ی علمی فرق میان جَدّه و مدینه را بیان فرمایید؟

ج- در این جا جهت فارقیّت ندارد.

سؤال«۲۱۳»- آیا کسی که وسایلش در جُحفه مانده است، می تواند برای آوردن آن ها، از اِحرام، خارج گردد، درحالی که برای عمره ی تمتّع مُحرِم شده و وارد حَرم گردیده است؟

ج- می تواند قبل از خروج از اِحرام عمره، برود و وسایل خود را بیاورد، به شرط آن که در بین عمل، نباشد و اگر اعمال عمره ی تمتّع را انجام داده و مُحِل شده است، نمی تواند ازمکّه خارج شود، مگر در حال ضرورت محرماً به احرام

حجّ.

سؤال«۲۱۴»- تکلیف کسی که از جَدّه مُحرِم شده و اعمال عمره ی تمتّع را انجام داده است، چیست؟

ج- اگر از رفتن به میقات، معذور نبوده و وقت برای انجام عمره ی تمتّع هست، باید به میقات برود و مُحرِم شود و عمره ی تمتّع را اِعاده کند؛ اگر رفتن به میقات، ممکن نیست، به خارج از حرم برود و از آن جا مُحرِم شود.

سؤال«۲۱۵»- آیا جایز است کسی که اِحرام عمره ی تمتّع را در یکی از میقات ها بسته است، به طرف خلاف مکّه برود و بعد از چند روز بازگردد؛ برای مثال از مسجد شجره، به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکّه برود؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۲۱۶»- اگر شخص، بعد از اِتمام حجّ تمتّع، از مکّه خارج شود و بخواهد مراجعت کند، آیا لازم است که مُحرِم شود یا خیر؟

ج- اگر در همان ماهی که مُحرِم شده است، مراجعت کند، لازم نیست که مُحرِم شود.

سؤال«۲۱۷»- آیا کسی که عمره ی مفرده انجام داده است، می تواند در فاصله ی کمتر از یک ماه، بدون اِحرام از میقات، تجاوز کند؟

ج- اگر در همان ماه که مُحرِم شده است، مراجعت کند، تجدید اُحرام، لازم نیست.

سؤال«۲۱۸»- زن حائضی که نمی توانست صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره، مُحرِم شد و بنا داشت مُحاذی جُحفه، اِحرام را تجدید کند، در ماشین، خوابش برد و وارد مکّه شد؛ آیا اِحرام او درست است؟

ج- برگشتن لازم نیست و اِحرامش صحیح است.

سؤال«۲۱۹»- کسانی که به طور موقت، در مکّه اقامت پذیرفته اند، آیا میقاتشان همان مواقیت خَمسه ی معروفه یا اَدنی الحل است؟

ص: ۱۲۰

ج- اگر فریضه ی آن ها تبدیل نشده است، باید از مواقیت معروفه مُحرِم شوند و اگر تبدیل شده، میقات آن ها مکّه است.

سؤال«۲۲۰»- وظیفه ی شخصی که بدون اِحرام، از روی عمد یا جهل یا سهواً، وارد مکّه شده و سپس از جهت گرانی بیش از حدّ کرایه یا ممنوعیت از طرف دولت، نتوانست است که به میقات برگردد، چیست؟

ج- اگر ممکن نیست که به میقات برود، باید هرچه قدر می تواند از حرم دور شود و مُحرِم گردد؛ ولی احوط آن است که هر جا ممکن است، مُحرم شود و حجّ را به اتمام برساند؛ ولی اکتفاء به آن حجّ نکند و اگر سال بعد مستطیع بود، اِعاده نماید.

سؤال«۲۲۱»- خواهشمندم بفرمایید که آیا زائران ایرانی بیت اللّه الحرام در موسِم حجّ و یا عمره، می توانند از میقات حُدَیبیه مُحرِم شوند؟ آیا حُدَیبیه نیز مانند سایر مواقیت، از قبیل میقات شجره و

ص: ۱۲۱

جُحفه می باشد یا نه؟

ج- در صورتی که در مکّه باشند و بخواهند عمره ی مفرده انجام دهند، چه ایرانی باشند که عمل حجّشان تمام شده یا اصلِ مکّه، می تواننـد از حُدَیبیه و یا تَنعیم، مُحرم شوند، ولی برای کسانی که از جَدّه یا مدینه عازم مکّه هستند، باید از جُحفه برای اولی و مسجد شجره در دومی، در صورت امکـان از خود میقـات یـا از مُجـازات آن ها مُحرم شونـد؛ ولی اگر مُحرم نشـده و معصیت کرده و بـدون اِحرام از میقات ها گـذشت و قدرت برگشـتن به آن ها را نداشت، در این صورت، مسأله چند صورت دارد که در احکام میقات ها بیان شد.

سؤال«۲۲۲»- شخصـی، از روی جهـل به مسـأله در فرودگـاه جِـدّه برای عمره ی مفرده، مُحرم می شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی، متوجّه می شود که می بایست به یکی از مواقیت برود؛ تکلیف او در این صورت چیست؟

ج- در صورت امکان، باید به میقات هایی که واجب بود از آن جا مُحرم شود، برگردد و اِحرام ببندد و دوباره اعمال عمره را به جا آورد، اگر عمره بر او واجب بوده و اگر ممکن نباشد که به میقات برود، باید از ادنی الحل، مُحرم شود و اعمال را دوباره انجام دهد.

استفتائات نیّت

سؤال«۲۲۳»- کسی که در گذشته، حجّ واجبش را انجام داده و بنا دارد که حجّ مستحبی به جا آورد، ولی از روی ناآگاهی و یا فراموشی در نیّت اِحرام عمره می گوید: «اِحرام عمره ی تمتّع از حجّ تمتّع حَجَّهالاسلام می بندم قربه الی اللّه»، آیا آوردن و در نیّت داشتن عبارت حَجَّهالاسلام، در حالی که حجّ مستحبی است، اشکال دارد یا خیر؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۲۲۴»- زنی قبل از اِحرام برای عمره ی تمتّع می دانست که عادت ماهانه ی او ده روز است و

ص: ۱۲۴

نمی توانـد قبل از اِحرام حجّ، اعمال عمره ی تمتّع را انجام دهد، نیّت عمره ی تمتّع کرد؛ آیا در برگرداندن نیّت اِحرام عمره ی تمتّع به حجّ اِفراد، باید چه کند؟

ج- نیّت را به حـجّ افراد، برگردانـد و اشـکال نـدارد؛ ولی اگر با توجه به این که نمی توانـد عمره ی تمتّع را انجام دهد و اگر انجام، صحیح نیست، به نیّت عمره ی تمتّع، مُحرم شود، صحّت این احرام، بلکه حصول جَدّه به آن، محل اشکال است.

سؤال«۲۲۵»- یکی از حجّاج، بـه کلی شـنوایی خـود را از دسـت داده و زبـان او هـم لکنـت دارد به صـورتی که قـادر بر تکلم صحیح نیست. مسـئولین و سایر حجّاج همراه، به این موضوع توجّه نداشـته اند و این آقا بدون نیّت و تلبیه وارد مکّه شده است؛ تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج- باید به میقات برگردد و با نیّت و تلبیه، مُحرم شود و اگر نمی تواند تلبیه را صـحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است به هر نحو که می تواند،

بگوید و ترجمه اش را نیز بگوید و احوط این است که در این صورت نایب هم بگیرد.

سؤال«۲۲۶»- وظیفه ی کسی که به دیگران تلقین نیّت و تلبیه می کند و خودش فراموش کرده است که نیّت نماید، چیست؟

ج- اگر به قصد انجام عمره یا حجّ، تلبیه نگفته، مُحرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات برگردد؛ اگر ممکن نیست، به خارج از حرم برود و مجدداً مُحرم شود.

سؤال«۲۲۷»- در مَناسِک آمده است که: «نیّت، یعنی قصد انجام اعمال عمره یا حجّ» برخی می گویند: «مُحرِم می شوم یا اِحرام می بندم برای عمره یا غیر آن»؛ نیّت این افراد چه صورتی دارد؟ اگر کسی بخواهد نیّت را به زبان بیاورد یا به دیگری تلقین کند، چه بگوید؟

ج- نیّت، یعنی قصد انجام حجّ یا عمره و همین که به قصد حجّ یا عمره، تلبیه بگوید، کفایت می کند و اگر بخواهد به زبان بیاورد و یا تلقین کند باید

بگوید: «عمره ی مفرده یا تمتّع و یا حجّ تمتّع به جا می آورم، قربه إلی اللّه» سپس تلبیه بگوید.

سؤال«۲۲۸»- اگر زنی در میقات، حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره ی تمتّع را در وقت خود، انجام دهد، باید به نیّت عمره ی تمتّع، مُحرم شود و سپس در زمان کم، عدول به اِفراد کند، با فرض یقین زن به این که می داند تا آخر وقت، پاک نمی شود، چگونه نیّت عمره ی تمتّع کند؟ ملاک چیست؟

ج- اگر یقین دارد که تا آخر اعمال عمره ی تمتّع، پاک نمی شود، اِحرام به نیّت عمره ی تمتّع، صحیح نیست و باید از ابتدا نیّت حجّ اِفراد کند.

سؤال«۲۲۹»- حکم کسی که بدون نیّت اِحرام حجّ، لباس اِحرام را پوشیده و با سایرین تلبیه را گفته است و بعد از وقوف در عرفات، متوجّه شده است، چیست؟

ج- اگر قصد او انجام وظیفه ی شرعیِ خود باشد و

به تَبَع دیگران، قصد دارد که وظیفه ی شرعی خود را انجام دهد، ولی آشنایی به نیّت، نداشته است، اعمال او صحیح است.

سؤال« ۲۳۰»- افرادی که در هتل محل سکونت خود در مدینه، غسل اِحرام می کنند و لباس اِحرام را می پوشند، آیا لازم است در میقات، لباس اِحرام را کنده و مجدداً به قصد اِحرام، بپوشند یا نیّت کرده و لباس را حرکت دهند؟

ج- اگر با نذر در مدینه مُحرم شده اند، تجدید اِحرام در میقات، لازم نیست و إلّا باید در میقات، مجدداً مُحرم شوند و همین که عُرفاً بگویند، اِحرام را انجام داده است، کفایت می کند و درآوردن لباس اِحرام، به طور کامل، لازم نیست.

سؤال« ۲۳۱»- این جانب، یک سال حجّ، برای خود انجام داده ام و چند حجّ نیابتی نیز در سال های متعدد، انجام داده ام، إن شاء اللّه امسال نیز توفیق

ص: ۱۲۸

تَشرُف به حـجّ را خواهم داشت؛ آیا می توانم به نیّت «ما فی الذمه» حجّ به جا آورم که اگر حجّ خودم یا یکی از منوب عنه ها اشکال داشته به جای آن ها محسوب شود و اگر نه برای خودم، مستحبی محسوب شود؟

ج- مانعی ندارد و این حجّ، صحیح است و اگر چیزی بر ذِمّه ی شما باشد، برئ الذمه می شوید.

سؤال«۲۳۲»- شخصی، قبل از میقات یا در میقات و قبل از اِحرام، بی هوش شده است؛ وظیفه ی او چیست؟

ج- بایـد پس از به هوش آمـدن، مجدد به میقات بر گردد و مُحرم شود و اگر امکان ندارد، به أدنی الحل برود و مُحرم شود و اگر تا زمان تنگی وقت عمره، بی هوش باشد، اِحرام عمره، محقّق نشده است و باید تبدیل به حجّ اِفراد شود.

سؤال«۲۳۳»- شخصی که کارمند سازمان حجّ و زیارت است و به علت مأموریت شغلی، ممکن است

از مکّه خارج شود، مثلاً ـ به مدینه برگردد، ولی یقین به این امر ندارد، آیا وقت اِحرام در میقات، می تواند به نیّت عمره ی تمتّع، مُحرِم شود؟

ج- بله، می تواند واللّه الأعلم.

ص: ۱۳۰

استفتائات تلبیه

سؤال«۲۳۴»- گاهی زن ها تلبیه را به طوری بلند می گویند که مرد نامحرم، صدای آن ها را می شنود؛ آیا به اِحرام آن ها لطمه می زند و لازم است که تلبیه را اِعاده کنند؟

ج- موجب باطل شدن اِحرام نیست، ولی شایسته است تلبیه را آهسته بگویند، به طوری که نامحرم نشنود و اگر بداند که بلند گفتن تلبیه، موجب تهییج شَهوت نامحرم می شود، حرام است.

سؤال«۲۳۵»- تکرار تلبیه در عمره ی مفرده، تا کجا مستحب است؟ کجا آن را قطع کنند؟

ص: ۱۳۱

ج- اگر از میقات های معروف، مُحرم شده اند، در هنگام ورود به حرم تلبیه را قطع کنند و اگر در ادنی الحلّ، مُحرم شده اند، در هنگام دیدن کعبه، تلبیه را قطع کنند.

سؤال«۲۳۶»- آیا می شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست، نایب گرفت یا خیر؟

ج- أخرَس (لال)، باید با انگشت، به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد؛ نایب هم بگیرد که از طرف او تلبیه بگوید.

سؤال«۲۳۷»- حاجی در عرفات یا مِنی فهمید که در اِحرام، تلبیه ی حجّ، نگفته است؛ آیا در هنگام فهمیدن، تلبیه گفتن، کافی است یا نه و نیز تکلیف او چیست؟

ج- اگر می تواند به مکّه برود و مُحرم شود و بقیه ی اعمال را که باید، با احرام به جا آورد، باید چنین کند و اگر ممکن نیست، همان جا تلبیه بگوید و اگر بعد از تقصیر یا حَلق، متذکر شده، عملش

صحیح است و لازم نیست که لبّیک بگوید.

سؤال«۲۳۸»- آیا اعمال کسی که می داند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، مُحرِم نمی شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حجّ را انجام دهد، صحیح است یا نه؟

ج- چنان چه از روی عمد بوده است، صحیح نیست؛ اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده است، در فرض مرقوم، صحت عمل، بعید نیست.

سؤال«۲۳۹»- اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حجّ، فهمید که به طور صحیح، مُحرم نشده است، وظیفه ی او نسبت به سایر اعمال، و هم چنین عمره ی قبلی او چگونه است؟

ج- با فرض این که بعد از وقت جبران، متوجّه شده است، صحت عمل، بعید نیست؛ احتیاط مستحب، اکتفاء به این حجّ است.

ص: ۱۳۳

سؤال«۲۴۰»- ترجمه ی تلبیه (لبّیک اللّهم لبّیک، لبّیک لا شریک لک لبیک) چیست؟

ج- ترجمه ی جمله ی مذکور چنین است: «اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا اجابت می کنم دعوت تو را، اجابت می کنم دعوت تو را، برای تو شریکی نیست، اجابت می کنم دعوت تو را»، در مواردی که باید ترجمه را بگوید، اگر کلمه ی دعوت را هم نگوید، کفایت می کند.

ص: ۱۳۴

استفتائات کَفّارات احرام

سؤال«۲۴۱»- آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال اِحرام، اشکال دارد؟

ج- کشتن هیچ حیوانی بنابر احتیاط واجب، جایز نیست، مگر حیوان موذی باشد.

سؤال«۲۴۲»- اگر از روی علم و عَمد، در اِحرام حجّ، قبل از وقوف عرافات، با زوجه ی خود، جِماع نماید، مُسلّماً حجّ او باطل است و قبل از وقوف مَشعَرُالحرام هم بنابر اَقوی، باطل است و کَفاره دارد و باید بعد از اِتمام، در سال آینده، اِعاده کند؛ در صورت جهل، چه وظیفه ای دارد؟

ص: ۱۳۵

ج- در صورت جهل، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.

سؤال«۲۴۳»- آیا شوهر، پس از مُحلّ شدن، می تواند با لذّت به زوجه ی مُحَرمه ی خود، دست بزند؟

ج- بر مرد مزبور، مَنعی نیست؛ ولی اگر در فرض سؤال، زن نیز لذّت می برد، نباید حاضر شود، علی الاحوط.

سؤال«۲۴۴»- فردی که از اِحرام درآمده، زنش را که مُحرم است، می بوسد، اگرچه زن راضـی نیست؛ حکم این کار، نسبت به مرد و زن چیست؟

ج- اگر زن، اختیار نداشته باشد، چیزی بر او نیست و بنابر احتیاط واجب، بر مرد، یک گوسفند به عنوان کفاره است.

سؤال«۲۴۵»- آیـا می شود از صـابون و بعضـی از شامپوهایی که بو دارنـد، برای بـدن، اسـتعمال کرد یا خیر؟ ضـمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج- اگر صِدق بوی خوش می کند، از آن اجتناب کنند و در غیر این صورت مانعی ندارد.

سؤال«۲۴۶»- حمل قُمقُمه ی آبی که در محفظه ی دوخه شده، نگهداری می شود، برای مُحرِم چه حکمی دارد؟

ج- احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد و به دست گرفتن آن مانعی ندارد.

سؤال«۲۴۷»- در مورد نظر کردن در آیینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی نگاه می کند؛ آیا برای مُحرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج- احتیاط مستحب آن است که در همه ی موارد ذکر شده، اجتناب کند.

سؤال«۲۴۸»- عده ای در حال اِحرام، از همدیگر عکس می گیرند، و در دوربین عکاسی که آیینه است و یا حالت شفاف و آیینه مانندی دارد، نظر می کنند؛

بفرمایید که اشکال دارد یا خیر؟

ج- اگر معلوم نیست که در آینه نظر می شود، اشکال ندارد.

سؤال«۲۴۹»- آیا سوگند معمولی، در حال اِحرام، اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره ی مردم کوچه و بازار؟

ج- به غیر از قسم خدا، از مُحَرَمات اِحرام نیست.

سؤال« ۲۵۰»- بعضی افراد به علت عرق سوز شدن بدن، احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد؛ آیا مُحرِم می تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج- نمی تواند، مگر در مورد ضرورت. کفاره ی آن، در صورت علم و عَمد، یک گوسفند است، وَلُو این که پماد، بوی خوش نداشته باشد.

سؤال« ۲۵۱»- در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج- فرقی نمی کند. شرط، آن که دست کشیدن، عمدی باشد.

سؤال«۲۵۲»- اگر غیرمُحرِم از مُحرم، ازاله ی مو کند یا یکی از کارهایی که بر مُحرِم، حرام است و کفاره ندارد را انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج- اگر مُحرِم به اختیار خود، حاضر شود که مثلاً مُحِلّی سر او را بتراشد، حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنان چه بدون اختیار او باشد، کفاره ندارد، حتّی بر مُحِلّ مزبور.

سؤال«۲۵۳»- سَر مُحرِمی، خیس است. اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد، آفتاب طلوع می کند و نمازش قضا می شود، آیا وظیفه اش تیمّم است؟

ج- می تواند با حوله، مقدار مسمای مسح را خشک کند و وضو بگیرد.

سؤال«۲۵۴»- شخصی، موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حجّ، مُحرِم شده و اعمال

خود را انجام داده است؛ آیا اشکال دارد؟

ج- ضرر به عمره و حجّ، نمی زند، ولی اگر مرد، آن را بر سرش گذاشته است، باید کفاره بدهد، مگر آن که ضرورت داشته باشد که در این صورت ظاهراً کفاره واجب نباشد.

سؤال«۲۵۵»- با توجّه به حُرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال اِحرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا این که اگر مقنعه ای پوشیده باشد که چانه را تا لب ها بپوشاند، اشکال دارد؟

ج-زیر چانه، جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن آن به نحوی که در سؤال، ذکر شده است، اشکال ندارد.

سؤال«۲۵۶»- آیا زن مُحرِم می تواند صورت خود را با حوله، پاک کند، یا حکم سرِ مرد را دارد که نمی تواند روی آن را بپوشاند؟

ج- احتیاط آن است که مراعات شود.

ص: ۱۴۰

سؤال«۲۵۷»- زن ها در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می شود. چه حکمی دارد؟

ج- باید سعی کنند پوشیده نشود و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانعی ندارد.

سؤال«۲۵۸»- فرموده اید: «که مُحرِم از منزل تا مسجدالحرام می تواند زیر سقف برود»، آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حجّ مُحرِم می شوند می توانند در مکّه زیر سقف باشند؟

ج- زمانی که عرفاً در منزل و مکّه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکّه نیستند و می توانند استظلال نمایند.

سؤال«۲۵۹»- کسی که از تنعیم مُحرِم می شود، استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج- احتیاط در ترک استظلال است.

سؤال«۲۶۰»- میقات عمره مفرده در خود مکّه

واقع شـده است، آیـا کسـی که در آن جـا برای عمره مفرده احرام بست، می توانـد در اتوبوس سـقف دار سوار شود یا خیر، با توجّه به این که محل سکونت او مکّه است؟

ج- در فرع سابق روشن شد که سوار شدن در اتوبوس سقف دار مشکل است.

سؤال«۲۶۱»- افرادی از مسجد شجره مُحرِم شدند و شبانه برای مکّه حرکت نمودند، ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگه داشتند، آیا برای مدّتی که سر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر؟ الآن که ایستاده اند و می خواهند پیاده شوند چه حکمی دارد؟

ج- برای مـدّتی که خواب بوده انـد یـا ماشین ایسـتاده، کفـاره واجب نیست، ولی اگر بعـد از بیـدار شـدن و التفـات و قبل از ایستادن ماشین استظلال شده و لو اضطراراً، کفاره واجب است.

سؤال«۲۶۲»- در حال احرام وقتی ماشین های بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۲۶۳»- کسانی که از مسجدالحرام برای حجّ مُحرِم می شوند و از مسجدالحرام در ماشین سقف دار سوار می شوند و مثلاً: در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده می شوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجدالحرام به منزل چه صورت دارد و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟

ج- در فرض اول مانعی ندارد و در فرض دوم احتیاط واجب لزوم کفاره است.

سؤال«۲۶۴»- اینجانب یکی ازخدمه کاروان حجّ هستم، امسال (۱۳۶۵) بعد از درک عرفات به اتفاق

مدیر کاروان و معاون و اینجانب و بانوان کاروان در یک اتوبوسی سربسته قرار گرفتیم و برای درک اضطراری به مشعرالحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منی به راه بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سربسته بودم، ناگاه به یادم آمد که نباید در زیر سقف اتوبوس قرار بگیرم، چند دقیقه ای با علم به این که اتوبوس سرپوشیده است مانده و پس از توقف اتوبوس بر اثر راه بندان پیاده شدم، مابقی راه را تا محل چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر بزرگوارتان تقاضا دارم بفرمایید:

۱- آیا کفاره تعلق می گیرد یا نه؟

۲- در صورتی که تعلق می گیرد باید حتماً در منی ذبح کرد؟

۳- در حالی که اکنون در تهران هستم، آیا می توانم قربانی را در محل اقامتم ذبح نمایم؟

۴- خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک نمودن به بانوان مُسن برای رمی جمره عقبه

ص: ۱۴۴

منی بودم، و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید بپردازد؟ ستاد حجّ، مدیر گروه یا اینجانب؟

۵ - چنانچه ستاد حجّ تقبل نموده باشد ذبح را، آیا از گردن اینجانب ساقط می گردد یا نه؟

ج- باید قربانی کنید، و بنابر احتیاط بهتر است در منی باشد ولی در محل خودتان هم برای کفاره کفایت می کند، و می توانید به مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آن ها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

سؤال«۲۶۵»- آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است، یا سایه حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود؟

ج- فرق نمی کند.

سؤال«۲۶۶»- آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال

صدق می کند؟

ج- صدق نمی کند.

سؤال«۲۶۷»- آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟

ج- شامل نمی شود.

سؤال«۲۶۸»- آیا در عرفات هم مثل منی می شود زیر چتر حرکت کرد یا حکم عرفات غیر از حکم منی است؟

ج- زیر چتر حرکت کردن در عرفات اشکال ندارد.

سؤال«۲۶۹»- زیر شهر مکّه تونل هایی احداث کرده اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ قدم می باشد، آیا بعد از احرام حجّ می شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد با علم به این که مسقّف است؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۲۷۰»- آیا مُحرِم به محض وصول به مکّه

می تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج- مکّه منزل است، با رسیدن به آن استظلال مانعی ندارد.

سؤال«۲۷۱»- اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیکی جمرات، مسفی را درست کرده اند، آیا عبور از این راه برای مُحرِمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر به جمرات می رود جایز است یا نه؟

ج- مانع ندارد.

سؤال«۲۷۲»- آیا گرفتن ناخن توسط مُحرِم از غیر مُحرِم جایز است؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۲۷۳»- آیا مُحرِم می تواند ناخن مُحرِم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۲۷۴»- کندن دندان که بر مُحرِم حرام است

مقصود، دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم می شود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج- شامل دندان غیر نمی شود هرچند از آن خون بیرون آید.

سؤال«۲۷۵»- آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج- اگر ضرورت دارد مانعی ندارد، ولی کفاره دارد علی الاحوط الاستحبابی.

سؤال«۲۷۶»- هرگاه مُحرِم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج- باید دو کفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسیان.

سؤال«۲۷۷»- در بین مردم معروف است که مُحرِم نباید به کسی دستور بدهد، مثلاً: نباید به کسی بگوید

یک لیوان آب یا چای به من بدهید و باید خودش بردارد، آیا اگر در حال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه کرده است یا نه؟ در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۲۷۸»- بستن شال به کمر برای مُحرِم چه حکمی دارد؟

ج- بستن شال به کمر برای مُحرِم مانعی ندارد و بهتر است آن را به سینه ببندد.

سؤال«۲۷۹»- کمربند اگر دوخته نباشد، آیا جایز است مانند: همیان روی لنگ ببندند؟

ج- مانعی ندارد، گرچه بهتر است انجام نگیرد.

سؤال«۲۸۰»- گره زدن لباس احرام چه حکمی دارد؟

ج- احتیاط واجب آن است که لباس احرام را گره نزنند و همین طور لنگ را به گردن گره نزنند.

ص: ۱۴۹

سؤال«۲۸۱»- زدن سوزن قفلی به لباس احرام چه حکمی دارد؟

ج- وصل کردن قسمتی از لباس احرام به قسمت دیگر با سوزن مانعی ندارد، گرچه احتیاط در ترک آن است.

سؤال«۲۸۲»- شخصی از روی جهل یا فراموشی شورت خود را درنیاورده و مُحرِم شده در اثنای عمل متوجّه شده، ولی باز با همان حال باقی مانده و اعمال را ادامه داده حکم آن چیست؟

ج- اعمال او صحیح است، ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

سؤال«۲۸۳»- دست و پای مصنوعی که با چرم های دوخته شده به بدن می بندند در حجّ چه حکمی دارد؟

ج- در صورت ناچاری مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب کفاره هم بدهد.

سؤال«۲۸۴»- پوشیدن ساق و پیچیدن پارچه ای به ساق پا برای کسی که مبتلا به درد پا است چه حکمی دارد؟

ج- اگر دوخته نباشد مانعی ندارد و اگر دوخته باشد بنابر احتیاط واجب کفاره بدهد.

سؤال«۲۸۵»- کسی که از ناحیه پا معلول است و ناچار از پوشیدن جوراب یا استفاده از پارچه دوخته است چه وظیفه ای دارد؟

ج- مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب در صورت استفاده از پارچه دوخته کفاره بدهد.

سؤال«۲۸۶»- پوشیندن پای مصنوعی با جوراب یا پارچه چه حکمی دارد؟

ج- جایز نیست مگر اضطرار داشته باشد که بنابر احتیاط واجب کفاره باید بدهد.

سؤال«۲۸۷»- کفاره پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می گیرد چیست؟

ج- کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است.

سؤال«۲۸۸»- کسی که ناچار است هنگام احرام جوراب بپوشد که روی هر دو پا پوشیده می شود، آیا یک کفاره برای هر دو پا کفایت می کند؟

ج- بنا بر احتیاط واجب در صورت اضطرار یک کفاره بدهد و برای هر دو پا کفایت می کند.

سؤال«۲۸۹»- کفاره پوشاندن صورت برای بانوان چیست؟

ج- کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است.

سؤال«۲۹۰»- اگر هنگام خواب یا در حال بیداری حوله احرام یا پتو روی پا قرار گیرد یا پا را زیر آب کنند چه حکمی دارد؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۲۹۱»- در عرفات درخت های معطر و

خوش بو وجود دارد، آیا اجتناب یا گرفتن بینی از بوی آنها لازم است؟

ج- اجتناب از بوی آنها لازم است.

سؤال«۲۹۲»- شخصی که در حال احرام سهواً به لباس یا بدن خود عطر زده وظیفه اش چیست؟

ج- باید سریعاً بدن خود را بشوید و یا لباس را در صورت امکان تعویض کند و یا بشوید و در صور عدم امکان حتّی المقدور بینی خود را بگیرد.

سؤال«۲۹۳»- بعضی از سیگارها معطر است، استعمال آنها در حال احرام چه صورتی دارد؟

ج- در صورت معطر بودن اجتناب از آنها لازم است.

سؤال«۲۹۴»- در توضیح المسائل آمده است: «اگر کسی در حال احرام بمیرد نباید او را با آب کافور غسل بدهند و حنوط کنند» سؤال این است: آیا لازم

است سایر محرمات احرام را نیز نسبت به او رعایت کنند؟ مثلًا: سر و صورت او را نپوشانند؟

ج- رعایت سایر محرمات لازم نیست و صرفاً بوی خوش را به او نزدیک نکنند.

سؤال«۲۹۵»- مُحرِم در شهر مکّه، یا در حال پیمودن فاصله بین منی و مکّه می تواند از داخل تونل حرکت کند در حالی که راه دیگری هم که دورتر است وجود دارد؟

ج- حرکت در زیر تونل صدق زیر سایه رفتن نمی کند، البته در طول مسیر بین مکّه و منی نباید با ماشین مسقف حرکت کند.

سؤال«۲۹۶»- مُحرِم در عرفات برای رفتن به مسجد نمره آیا می تواند زیر سایه برود؟

ج- مانعی ندارد، البته در هنگام وقوف نباید از عرفات خارج شود.

سؤال«۲۹۷»- استظلال در عرفات و مِنی چه

حکمی دارد؟ رفت و آمد با ماشین مسقف به معیصم برای قربانی خود یا غیر چطور؟

ج- استظلال در عرفات و مِنی و یا رفتن از چادر منی به معیصم برای قربانی اشکال ندارد.

سؤال«۲۹۸»- در ایّامی که مُحرِم در مِنی است و هنوز حلق نکرده، آیا می تواند هنگام رفتن به مسجد خیف و برای رمی جمره یا قربانگاه در بین راه زیر سایه برود؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۲۹۹»- آیا تظلیل مخصوص خورشید است؟ یا شامل باد و سرما و گرما و باران هم می شود؟

ج- حرمت تظلیل مخصوص خورشید نیست و شامل باد و سرما و گرما و باران هم می شود.

سؤال«۳۰۰»- آیا مطلق زینت بر محرم حرام است یا خصوص انگشتر و حنا و سرمه کشیدن است؟

ص: ۱۵۵

ج- هر گونه چیزی که عرفاً صدق زینت کند بر مُحرِم حرام است بنابر احتیاط واجب.

سؤال«۳۰۱»- گاهی اوقات در مکّه و مسجدالحرام ملخ و حشرات زیادی وجود دارد و اشخاص مُحرِم و غیر مُحرِم پا روی آن ها می گذارند و احیاناً کشته می شوند وظیفه چیست؟

ج- اگر ناخودآگاه کشته شوند اشکال ندارد، امّا باید مراقب باشند عمداً روی آن ها پا گذاشته نشود.

سؤال«۳۰۲»- کفاره کشتن ملخ در حال احرام چیست؟

ج- کفاره آن یک مدّ طعام است که باید به فقیر داده شود.

سؤال«۳۰۳»- فرموده اید: «کسی که احرام را فراموش کرد و اعمال عمره و حجّ را بدون احرام تمام کرد عمره و حجّش صحیح است» در این فرض اگر عمداً مرتکب محرمات احرام شده باشد چه وظیفه ای دارد؟

ص: ۱۵۶

ج- کفاره ندارد.

سؤال«۳۰۴»- در بازگشت از منی و عرفات تا جمرات نوعاً گرد و غبار و دود ماشین و هوای آلوده و خطرزا وجود دارد و مُحرِم در معرض بیماری و ناراحتی تنفسی و درد سینه قرار می گیرد، آیا در این موارد جایز است به منظور سلامتی، جلوی دهان و بینی خود را بگیرد؟

ج- اگر با دست دهان یا بینی خود را بگیرد مانعی ندارد، ولی با پارچه این کار را نکند.

سؤال«۳۰۵»- حیوانی که به عنوان کفّاره مُحرَّمات احرام ذبح می شود، آیا باید شرایط قربانی را داشته باشد؟

ج- لازم نیست شرایط قربانی را داشته باشد گرچه بهتر است با این شرایط باشد.

سؤال«۳۰۶»- محل ذبح کفّاره ی مُحرَّمات احرام را بیان فرمایید؟

ص: ۱۵۷

ج- در صورت امکان بهتر است در مِنی باشد و إلّا در هر مکانی ذبح شود کفایت می کند ولو در وطن باشد.

سؤال«۳۰۷»- آیا جایز است پوست حیوانی که به عنوان کفّاره ذبح می شود، به ذابح آن داده شود؟

ج- تمام آن باید به فقرا داده شود حتّی پوست آن و اگر ذابح فقیر باشد، می توان به عنوان فقیر پوست را به او داد.

سؤال«۳۰۸»- مصرف کننده کفّاره چه اشخاصی هستند؟

ج- باید به فقیر مؤمن غیر سید داده شود و اگر خود فرد کفّاره دهنده سید باشد می تواند به فقیر سید هم بدهد.

سؤال«۳۰۹»- کیفیّت مصرف کفّاره را بیان فرمایید؟

ج- به صورت خام به فقرا دهد و یا با پختن و دعوت آنان، به فقرا بدهد.

سؤال«۳۱۰»- آیا جایز است حیوان زنده را به عنوان کفّاره به فقیر بدهند؟

ج- باید آن را ذبح کنند و به فقیر دهند مگر فقیر را وکیل در ذبح آن و مصرف آن به عنوان فقیر کند البته لازم است احتیاطاً بین چند فقیر تقسیم شود.

سؤال«۳۱۱»- آیا جایز است به مقدار یک گوسفند، گوشت خریداری کنند و بین فقرا تقسیم کنند؟

ج- باید گوسفند را به نیّت کفّاره ذبح کنند و بین فقرا تقسیم کنند.

سؤال«۳۱۲»- آیا شخص فقیر می تواند گوشت کفّاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور هستند برساند؟

ج- برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی شود صرف نمود.

سؤال«۳۱۳»- کفّاراتی که در احرام عمره تمتّع بر

گردن انسان می آیـد، در مکّه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا بایـد صبر کنند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانعی ندارد؟

ج-تأخیر عمدی خلاف احتیاط است، در هر صورت، ذبح در محل و دادن به فقرا کفایت می کند.

سؤال«۳۱۴»- خوردن نعنا و سایر سبزی های خوشبو در حال احرام چه حکمی دارد؟

ج- جایز است ولی بنابر احتیاط واجب از بوییدن آنها هنگام خوردن اجتناب نماید.

سؤال«۳۱۵»- پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد مُحرِم چه حکمی دارد؟

ج- اشکال دارد.

سؤال«۳۱۶»- به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است چه حکمی دارد؟

ج- اشکال دارد.

استفتائات طواف

سؤال«۳۱۷»- اگر در اثناء طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد، تکلیف چیست و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج- اگر بعد از دور چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند اگر فوت موالات نشده و إلّا بهتر آن است که آن را تمام و سپس عمل را اعاده نماید و اگر قبل از دور چهارم طواف بوده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از

خواندن نماز آن طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

سؤال«۳۱۸»- کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتّع متوجّه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است وظیفه او چیست؟

ج- طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و عمره او صحیح است.

سؤال«۳۱۹»- شخصی در حال طواف کعبه را بوسیده است و احتمال می دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج- طواف او صحیح است در صورتی که توجّه به حکم مسأله داشته.

سؤال« ۳۲۰»- اگر در اثناء طواف شک کند در صحّت دور سابق یا جزیی از دوری که مشغول است

و محل آن گذشته است چه حکمی دارد؟ مثلاً: نمی داند که از مقابل حجر که عبور کرده از حد مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج- اگر مسأله را می دانسته و می خواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده طواف صحیح است.

سؤال«۳۲۱»- اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجّه به آن تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجّه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست؟ آیا کفّاره دارد یا نه؟

ج- باید عمل باطل شده را جبران کند و خروج از احرام مشکل است و بنابر احتیاط برای او کفّاره است.

سؤال«۳۲۲»- کسی در دور ششم طواف نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از دور های قبل این نجاست در بدن او بوده است بدون توجّه به مسأله

طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است. آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج- باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده، اعاده کند و بعد نماز طواف را بخواند و خروج از احرام ظاهراً مشکل است. بقیه عمل را باید دوباره انجام دهد و احتیاطاً کفّاره هم بدهد، مگر آن که طواف دوم را به قصد وظیفه فعلیه اعم از تمام یا اتمام آورده باشد، که دراین صورت عمل صحیح می باشد و کفّاره ندارد.

سؤال«**۳۲۳**»- کسی در اثناء طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است، آیا طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده و ظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید

یـک طواف دیگر به جـا آورد و بـا فرض جهـل، بقیه عمـل را بایـد دوباره انجام دهـد و احتیاطاً کفّاره هم بدهـد، مگر آن که طواف دوم را به قصد وظیفه فعلیه اعم از تمام یا اتمام آورده باشد، که در این صورت عمل صحیح می باشد و کفّاره ندارد.

سؤال«۳۲۴»- کسـی در دور آخر محـدث شـده است و بـدون طهـارت دور را تمـام کرده و بعـد وضو گرفته و طواف را اعـاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج- اگر پیش از فوت موالات عرفیه باشـد، اتمام طواف اول کفایت می کند، ولی اگر بعد از فوت موالات بوده طواف دوم را به قصد وظیفه فعلیه اعم از تمام یا اتمام آورده باشد که در این صورت عمل صحیح می باشد.

سؤال«۳۲۵»- کسی توهّم کرده است که در طواف

مقـداری در اثر فشار جمعیت برده شده، ولی برای او جزمی نیست وچون نمی توانسـته برگردد و تدارک کند بقیه دور تا محل تدارک را به قصد احتیاط و رجاء انجام می دهد که اگر دور او باطل است زیادی لغو باشد و اگر دور او صحیح است زیاده از طواف باشـد و بعـد بقیه دورهـای طواف را به جـا آورده و این دور را به حسـاب نیاورده است، آیا این طواف صـحیح است یا خیر؟

ج- صحّتش مشکل است.

سؤال«۳۲۶»- کسـی در وقت طـواف شـک در دورهـا پیـدا کرد و چـون گمـانش به یـک طرف بیشـتر بـود بنـا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین به صحّت طواف خود پیدا کرد. آیا طواف او صحیح است؟

ج- صحیح است.

سؤال«۳۲۷»- کسی در دور چهارم از حجرالاسود تا اول حِجر اسماعیل را پیموده و فکر کرده است که

چون اول دور چهارم نیّت جدا را در این دور نداشته، باید این قسمت دور را اعاده کند، لذا بقیه دور را بدون نیّت رفته و از حجرالاسود به قصد دور چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می شود؟

ج- اشکال دارد.

سؤال«۳۲۸»- کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می کنند و بلافاصله از نو شروع می کنند، طواف آن ها چه صورت دارد و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟

ج- اشکال دارد و اگر بعد از دور چهارم طواف بوده باید آن را تمام کند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند و همین حکم در صورت قبل از دور چهارم است، اگر وقتی فهمید که بتواند جبران کند باید جبران کند و إلّا اعاده طواف لازم است بدون لزوم تمام کردن طواف قبلی.

ص: ۱۶۷

سؤال«۳۲۹»- درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند، آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند با در نظر گرفتن این که متصدیان وسیله نامبرده در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

ج- احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگر چه طواف دادن در خارج مطاف در فرض ضرورت کفایت می کند.

سؤال« ۳۳۰»- شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حِجر اسماعیل می شود و بعد که متوجّه می شود، برمی گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و دور را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ج- اشکال دارد، ولی اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجرالاسود به قصد احتیاط دور را اعاده می کرد و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود طوافش اشکال نداشت.

سؤال«۳۳۱»- اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که دور چندم و یا رکعت چندم است و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرفِ شک یقین کند و اعمال را تمام نماید آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است یا نه؟

ج- اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحّت پیدا کرد احوط آن است که هر دو یعنی طواف و سعی را اعاده نماید، ولی در نماز بدون فکر کردن اگر نماز را ادامه دهد محل اشکال است و احوط اعاده آن است.

سؤال«۳۳۲»- زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود نیّت کرد و با او ادامه داد و بعد از دور آخرِ مرد که دور ششم زن است او به جای این که یک دور دیگر به جا بیاورد تا طوافش کامل شود طواف را از سر گرفت وظیفه زن در طواف اول و دوم زن چیست؟

ج- احتیاط آن است که یک دور به قصد وظیفه

ص: ۱۶۹

فعلیه اعم از اتمام یا تمام به جا آورد و نماز بخواند بعد طواف سوم را به همراه نمازش به جا آورد.

سؤال«۳۳۳»- در مطاف چیزهایی از افراد می افتد از قبیل ساعت، احرام و غیره، کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج- موجب بطلان طواف نمی شود.

سؤال«۳۳۴»- اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرام دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر نمی زند؟

ج- به طواف ضرر نمی زند، ولی نباید اذیت دیگران را فراهم آورد.

سؤال«۳۳۵»- اگر کسی قبل از دور چهارم طوافش را قطع و از نو طواف کند گفته شده در صورتی که فاصله زیاد نشده باشد، احتیاط این است که طواف

ص: ۱۷۰

قطع شـده را تمام کنـد و اعاده هم بنمایـد مراد از تمام کردن چیست؟ آیا فقط دوری را که قطع کرده تمام کنـد یا مابعدش را هم به جا آورد؟

ج- طـواف مزبـور اشـکال نـدارد و طـواف دوم کفـایت می کنـد، خصوصـاً اگر به عنـوان وظیفه فعلیه به جـا آورده شود پس احتیاط در این مورد استحبابی است.

سؤال«۳۳۶»- شخصـی طـواف را از حجرالاـسود شـروع کرد و در هر دور به رکن یمـانی که می رسـید نیّت ختم می کرد و از حجرالاـسود نیّت دور بعـد را می نمـود و هفت دور طواف را این گونه تمـام کرد به گمـان این که ختم طواف و دورهـای آن باید در رکن یمانی باشد، وظیفه اش چیست؟

ج- این طواف اشکال دارد و باید اعاده شود.

سؤال«۳۳۷»- گـاهی مأمورین نظافت مسـجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می دهنـد و همان طور توسـعه می دهنـد تا انسان از مطاف خارج می شود، آیا

به همین مقدار بیرون کردن از مطاف ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود و اگر افرادی گمان می کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج- اگر امکان دارد که در حد طواف کند باید صبر کند ودر حد طواف کند و در این صورت طواف در خارج حد صحیح نیست.

سؤال«۳۳۸»- شخصی در سال گذشته که حجّ تمتّع واجب خود را انجام می داده، تنها نماز طوف را به گمان این که کفایت می کند، بدون طواف انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، چه وظیفه ای دارد؟

ج- با فرض این که طواف حجّ یا عمره را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلش برگشته است باید حجّ را اعاده کند و یک شتر قربانی نماید.

سؤال«۳۳۹»- تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده ها از مطاف خارج شدند مدّتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه بهم خورده است، طواف را از سر گرفته اند بفرمایید: در صورتی که بهم خوردن موالات مشکوک باشد طوافشان درست است یا نه؟

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر به جا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر به جا آورد و با فرض جهل بقیه عمل را باید دوباره انجام دهد و احتیاطاً کفّاره هم بدهد، مگر آن که طواف دوم را به قصد وظیفه فعلیه اعم از تمام یا اتمام به جا آورده باشد که در این صورت عمل صحیح می باشد و کفّاره ندارد.

سؤال« ۳۴۰»- زنی است که قادر به طواف کردن نیست. امر دایر است بین این که با تخت خارج از

مطاف طواف دهند و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟

ج- باید او را در مطاف طواف دهند هر چند نامحرم او را پشت کند.

سؤال«۳۴۱»- کسی که وظیفه اش تمام و اعاده طواف است، تمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از دور های طواف قطع شد، مثل دور اول، آیا این طواف را نیز باید تمام و اعاده نماید؟

ج- فرقی نیست.

سؤال«۳۴۲»- شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج- اگر پیش از رسیدن به نصف باشد در این صورت طواف باطل است، پس از طهارت اعاده شود و اگر بعد از نصف و پیش از اتمام دور چهارم یا بعد از اتمام دور چهارم باشد یک

طواف کامل به قصد اتمام یا تمام به جا آورد .

سؤال«۳۴۳»- آیا بعضی دور های طواف وسعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج- بله، قابل است.

سؤال«۳۴۴»- با وضعیت فعلی که جمعیت حجّاج خیلی زیادند و عده ای از ضعفا نمی توانند در مطاف طواف کنند، آیا توسعه در مطاف هست و نیز پشت مقام یا نمی شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ آیا شخصی که وارد مکّه شد می تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا باید در حال احرام بماند که وقت ضیق شود، مثلاً: تا شب نهم و آن وقت چنین کند و معلوم است برای همه افراد میسر نیست؟

ج- اگر می تواند ولو در وقت خلوت در مطاف

ص: ۱۷۵

طواف کنند، باید در مطاف طواف نمایند و نماز بخوانند در مکان دور در مورد ضرورت مانعی ندارد و صبر لازم نیست، در صورتی که نتواند نماز را در یکی از دو جانب مقام هم به جا بیاورد.

سؤال«۳۴۵»- دختری در کودکی و یا اوایل سنین بلوغ جُنب شده و تاکنون هم ازدواج نکرده است، با توجّه به این که در سنین بالاتر نمی دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب شده است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به حجّ نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسل هایی که یقیناً انجام داده است حیض و جمعه بوده است با توجّه به موارد یاد شده فوق این سؤال ها مطرح است:

۱- وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟

۲- آیا در زمان حال مُحرِم است و به صورت احرام

وارد مکّه و خارج شده است؟

۳- درصورت مُحرِم بودن تا زمانی که اعاده حجّ نکند، جمیع مُحرَّمات که در آن ایّام حرام است بر این شـخص حرام می باشد یا خیر؟

۴- در صورتی که فقط حجّش باطل باشـد، ولی مُحرِم نباشـد چگونه می تواند با وضع اعزام حجّاج به بیت اللّه الحرام که چند سال یکبار این توفیق حاصل می شود، اعاده حجّ کند؟

ج- بعیـد نیست که غسل های واجب او کفایت از جنابت بکند، پس اگر وضع او چنین باشد علم به بطلان عمره و حجّ ندارد، مگر در صورتی که بداند غسل واجب یا به صورت مافی الذمه به جا نیاورده که در این صورت نماز و طواف او صحیح نیست ونمازهایی را که به این حال خوانده باید قضاء کند.

سؤال«۳۴۶»- شخصی در اثناء طواف محدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال و

ص: ۱۷۷

حجّش را تمام کرده و به ایران بازگشته مستدعی است بفرمایید:

۱- حجّش چه حکمی دارد؟

۲- اگر اعاده لازم است، آیا می تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج- بعید نیست که در تمام صور حجّش باطل باشد.

سؤال«۳۴۷»- ما در شب ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکّه حرکت کردیم در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم و چون زائران قبله مشغول نماز صبح بودند، سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون آب در دسترس خود نمی دیدم و جایی را نمی شناختم روی ریگ های اطراف باغچه تیمّم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل حجّ من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ص: ۱۷۸

ج- با این که برای شما امکان داشته که وضو بگیرید، ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلًا: بروید روز بعد اعمال را انجام دهید تیمّم صحیح نبوده است، اگر امکان دارد تحصیل طهارت کند و عمل را اعاده نماید و اگر بعد از وقوفین بفهمد و یا بعد از حجّ او مبدل به افراد می شود، باید عمره مفرده بعداً به جا آورد سال بعد نیز حجّ تمتّع را انجام دهد.

سؤال«۳۴۸»- اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود وبه همان جا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟

ج- بله، طواف باطل است.

سؤال«۳۴۹»- اگر در هنگام خروج از مطاف بعد از پایان هفت دور مقداری مسافت را به قصد جزییت به جا بیاورد آیا مبطل طواف است؟

ج- اگر عمدی باشد مبطل است و در صورت سهو قطع کند و طوافش صحیح است.

ص: ۱۷۹

سؤال« ۳۵۰»- شخصی بیش از چهار دور از طواف انجام نداد و بدون این که نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو دور از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج- اگر این شخص قصد هفت دور طواف یا سعی را نداشته عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند، ولی اگر قصد هفت دور را داشته و سهواً کم گذارده در این صورت باید طواف را از سر بگیرد با تفصیلی که در مسأله ۶۵۲ در کتاب مناسک حجّ بیان شده است.

سؤال« ۳۵۱»- کسی نتوانسته است بیش از دو دور از طواف خود را انجام دهد و بقیه دورها را دیگری به جای او انجام داده است وظیفه او چیست ؟

ج- با فرض عذر حتّی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند .

سؤال« ۳۵۲»- آیا می شود قبل از دور چهارم طواف

را بدون عذر بهم زد و آن را کَأَن لَم یَکَن دانست و یا مانند: نماز، قطع کردن آن جایز نیست؟

ج- قطع مانعی ندارد، ولی قبل از فوت موالات نمی توان آن را از سر گرفت.

سؤال«۳۵۳»- کسی که از طواف حتّی در خارج مطاف عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی کند؟

ج- اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.

سؤال«۳۵۴»- اگر کسی یک دور طواف را از درون حجر به جا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید طواف و نماز طواف را اعاده نماید و هم چنین بقیه اعمال مترتبه را اگر وقت باقی است وإلّا اگر موالات فوت شده و وقت برای اعاده ندارد حکم مسأله ۳۴۷ بر او جاری است

که حجّش مبدل به افراد می شود و بعد از آن عمره مفرد به جا آورد و در سال آینده حجّ تمتّع به جا آورد.

سؤال«۳۵۵»- در مواردی که شخص شک در دورها کند، حکم به بطلان طواف می شود، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش دور داشته و از طواف جدید نیز سه دور انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- اشکال دارد و باید احتیاط کند که طواف اول را تمام کند و نماز بخواند سپس یک طواف کامل را به جا بیاورد و به نیّت اعم از اتمام و تمام نیّت به باقیمانده سپس نماز بخواند.

سؤال«۳۵۶»- بعضی به تصور این که طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده اند، آیا مخل به طواف است؟

ج- اگر به قصد ۱۴ دور طواف کرده طوافش باطل است.

ص: ۱۸۲

سؤال«۳۵۷»- اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات بیاد آورد، تکلیف چیست؟ آیا انجام و یا اتمام آن فوریت دارد؟

ج- می تواند بعد از اعمال مِنی آن را تدارک کند و فوریت ندارد، ولی قضاء آن را قبل از طواف حجّ بلکه با نماز و سعی اِعاده نماید.

سؤال«۳۵۸»- اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت دور انجام دهد و بقیه اعمال بعد از آن را به جا آورد، تکلیف او چیست؟

ج- اگر از اول، قصد بیش از هفت دور داشته است، طواف و نمازش صحیح نیست و باید آن ها را اعاده کند و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم است، ولی اگر قصد هفت دور داشته و بعد از تمام شدن، زیاد کرده است، چنان چه زیادی، کمتر از یک دور باشد، آن را قطع نماید و طوافش صحیح است و اگر زیادی از یک دور بیشتر است، احتیاط این است که باقی را تا

یـک طواف کامـل شود، به قصـد قربت مطلقه، تمام نمایـد؛ نماز طواف اول را قبل از سـعی و نماز طواف دوم را بعـد از سـعی انجام دهد.

سؤال«۳۵۹»- شخصـی طواف حـجّ واجب خود را غلط انجام داده و پس از آن چنـدین بار، حجّ نیابی انجام داده است؛ تکلیف او در مورد حجّ خود و دیگر حجّ ها چیست؟

ج- اگر غلط واقع شدن طواف، از جهت سَهو و فراموشی بود، مانعی ندارد و باید طواف حجّ خود را تدارک کند.

سؤال«۳۶۰»- شخصـی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو دور رجائاً برای جبران نقصان احتمالی به جا می آورد. آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

ج- اگر احتمـال در حـدّ شـک است، در دور آخر بایـد حکم به بطلاـن طواف نمایـد و احتیـاط این است که به قصـد رجـاء، طواف اول را تمام کند و

نمازش را بخواند، آن گاه طواف و نماز را اعاده نماید؛ اگر احتمال در حدّ شک نیست، اعتنا به او نکند.

سؤال« ۳۶۱»- شخصی در دور پنجم طواف، عُذری برایش پیش آمد؛ آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج- باید همین طواف را تکمیل کند و احتیاط مستحب در اعاده ی یک طواف دیگر است.

سؤال« ۳۶۲»- شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می بیند و آن را با دستمال پاک می کند و طواف خود را تمام می نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج- اگر بینی او نجس شده باشد، باید بینی خود را آب بکشد و طواف را تکمیل کند، اگر این حادثه بعد از دور چهارم رخ داده باشد؛ ولی اگر قبل از رسیدن به دور چهارم بوده، باید به همین صورت طواف را تکمیل و احتیاطاً یک طواف کامل

به قصـد اَعم از اتمام یا تمام انجام دهد، بعد از خواندن نماز طواف اول، سـپس نماز طواف دوم را به جا بیاورد؛ حکم به همین صورت است، اگر با همان نجاست طواف را ادامه داده باشد و این تفصـیل در او نیز جاری است، ولی در همراه بودن متنجسی مثل دستمال و مانند آن، اشکالی به طواف وارد نمی سازد.

سؤال«۳۶۳»- شخصـی در دور دوم طواف، شـک می کنـد که آیـا طواف را به نیّت منوب‌عنه یا به نیّت خود آغاز کرده است؛ وظیفه او چیست؟

ج- احتیـاط آن است که طواف را به نیّت منوب‌عنه تمـام کنـد، و پس از نمـاز، دو مرتبه آن را بـا نمـاز دیگر اعاده کنـد، در صورتی که خود را به عنوان نیـابت در حـجّ می بینـد وإلّا بایـد عکس این را انجام دهـد، یعنی طواف و نماز را برای خود تمام کند، سپس طواف و نماز دیگری را نیابتاً انجام دهد.

سؤال«۳۶۴»- شخصی در اثناء طواف، به خاطر

تقبیـل و لمس بیت اللّه الحرام، از مسـیر خود منحرف شـده و نمی دانـد در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج- اگر متوجه بوده است که از همان محلی که طواف را رها کرده شـروع کنـد و بعـداً شک، عارض شـده، حکم به صـحّت نماید و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور، محل اشکال است.

سؤال«۳۶۵»- شخصـی در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت، چنـد گام به جلو رانـده شده است، پس از آن به جای این که همان مقـدار را جبران کنـد، دور دیگری به جا آورده که مجموعاً هفت دور تمام و یک دور ناقص می شود؛ آیا این طواف صـحیح است؟

ج- طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

سؤال«۳۶۶»- شخصی بعد از اتمام طواف، سهواً یک دور زیاد کرده است و بعد مردد است که سه یا

چهـار دور دیگر به جـا آورده است و سـپس همه اعمـال عمره را نیز انجـام داده است؛ آیا طواف او باطل است؟ آیا تردیـد در عدد اشواط اضافی، مضر نیست؟

ج- مضر است و باید طواف و نماز را اعاده کند، هم چنین سعی و تقصیر را نیز اعاده نماید، اگر بعد از این دو، ملتفت شد.

سؤال«۳۶۷»- شخصـی بر اثر شـلوغی، مقـداری از طواف را در خـارج از مُطـاف انجـام داد و بعـد نیز بقیه اعمـال را انجام داده است؛ تکلیف او چیست؟

ج- اگر ممکن نبوده ولو در وقت دیگر که در حـد، طواف کنـد، اشـکال نـدارد واگر ممکن باشـد، بایـد طواف و نمـاز اعاده شود.

سؤال«۳۶۸»- شخصـی دور اول طواف را خارج از مُطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجّه شده است که طواف باید در محـدوده معینی باشـد؛ لـذا مجـدداً طواف را در مُطـاف آغـاز نموده و بعـد از آن، اعمال دیگر را انجام داده است؛ آیا اشـکال دارد؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۳۶۹»- کسی که اشتباهاً طواف را از رُکن یَمانی شروع و به همان جا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجّه شده، حکمش چیست؟ چنان چه در اثناء طواف متوجّه شد و طوافش را به حجرالاسود ختم کرد، مقدار زیادی مضر به طوافش می باشد یا خیر؟

ج- طواف و نماز را باید اعاده کند و فرقی بین دو صورت نیست.

سؤال« ۳۷۰»- کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد، یعنی جمعیت، او را می برند، آیا می تواند از اول، نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می برند، نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج- باید طواف را شروع کند و اگر در اثناء، بدون اختیار، او را بردند، همان مقدار را جبران کند و

طواف را ادامه دهد.

سؤال«۳۷۱»- مواردی که بایـد احتیاطاً طواف را تمام کنـد و نماز طواف بخوانـد و طواف را با نمازش اعاده کند، آیا اگر یک طواف به قصـد اعم از اتمـام یـا تمام (یعنی: چنان چه آن مقـدار انجام شـده، باطل بوده، تمام هفت دور را قصـد طواف داشـته باشد و چنان چه صحیح بوده، به متمم آن، قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج- کفایت می کند و عمل، صحیح است.

سؤال«۳۷۲»- شخصـی در عمره تمتّع، بعـد از تقصـیر، فهمید که طواف و سـعی او باطل بوده، مجدداً طواف و سـعی را با لباس دوخته انجام داد؛ آیا مُجزی و صحیح است یا نه؟ در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج- طواف و سعی او صحیح است و اعاده تقصیر، لازم است.

ص: ۱۹۰

سؤال«۳۷۳»- شخصی چند متری از یک دور را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک دور کامل از حجرالاسود شروع و به آن جا ختم می کند، به قصد این که آن چه خراب شده، به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد؛ آیا این طواف صحیح است؟

ج- صحیح است مگر آن که بعد از خراب شدن آن قسمت، طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف، اشکال دارد.

سؤال«۳۷۴»- کسی که به حدود مُطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغت از طواف، شک می کند که در مُطاف بوده است یا نه، طوافش صحیح است یا نه؟

ج- اگر از اول، در مُطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است و اگر از اول، شک دارد، با جهل مذکور در سؤال، نمی تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

سؤال«۳۷۵»- شخصی در دور اول طواف بود که

نماز جماعت شروع شد. طواف را قطع کرد و مشغول نماز شد و پس از نماز، طواف را از سر گرفت و هفت دور کامل به جا آورده است؛ آیا طواف او صحیح است؟

ج- اشکال ندارد، اگر چه احوط، اعاده است.

سؤال«۳۷۶»- شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف، از روی شهوت با بدن زنی برخورد می کند و از این تماس لذّت می برد؛ آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- مضر به طواف نیست و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده، باید کفاره بدهد.

سؤال«۳۷۷»- اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می تواند در ماه های غیر حجّ، انجام دهد؟

ج- مانعی ندارد، اگر متذکر شدنش در ماه های غیر حجّ باشد و إلّا باید در ماه ذی الحجّه باشد و تاخیر نیاندازد، گرچه در صورت تأخیر، گناه

کرده، ولی کفایت می کند.

سؤال«۳۷۸»- شخصی دور اول طواف را در حالی که ناقص بوده، رها می کند و پس از آن شش دور دیگر به جا می آورد و بعد از آن نقیصه ی دور اول را به جا می آورد؛ آیا طواف او صحیح است؟

ج- صحیح نیست.

سؤال«۳۷۹»- اگر کسی در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگ های رَمی، به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج- اگر اطمینان به عدد پیدا کند، مانعی ندارد.

سؤال«۳۸۰»- شخصی به علّت مریضی یا مُسِن بودن، در دور اول طواف، خسته شده و از مُطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می کند؛ طوافش چه حکمی دارد؟

ج- اگر موالات، به هم نخورده باشد، صحیح است.

سؤال«۳۸۱»- آیا واجب است برای درک خلوتی مُطاف و طواف در محدوده ی بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا رجحان دارد؛ خصوصاً اگر پس از ایّام تشریق، مطاف خلوت نشود؟

ج- در صورت امکان، طواف در حدّ، ولو در وقت خلوت باید در حدّ، طواف کند ولو با تأخیر.

سؤال«۳۸۲»- آیا مُحرِم، قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حجّ و چه طواف نساء، می تواند همین طواف ها را برای معذور، نیابت کند؟

ج- در صورت عدم ضرورت، احتیاط آن است که بعد از اداء مَناسِک خود باشد.

سؤال«۳۸۳»- شخصی در طواف عمره تمتّع در اثر فشار، احساس می کند که لُنگ اِحرامش خیس و نجس شده است، ولی اعتنا نمی کند و با همان حال، طواف را تمام می کند و نماز طواف و سعی و تقصیر

را انجام می دهـد و به منزل می رود. بعد از بررسـی، می بیند که مقداری نجاست، خارج شده و احرامش را نجس کرده است. یقین پیـدا می کنـد که در همان حال طواف، چنین شـده است. بعد از اعمال حجّ و مراجعت به وطن، به او می گویند که باطل است. با توجّه به این که نماز و سـعی را هم با همان حال انجام داده، درباره این شخص بفرمایید که اعمالش باطل است یا نه و آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج- اگر در حال طواف، شُـبهه داشـته و یقین نداشـته که نجس شـده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است و فقط بایـد طواف و نمـاز را اعـاده کنـد، بلکه سـعی و تقصـیر را هم بایـد اعـاده کنـد، اگر در عمره بوده؛ ولی اگر گمـان یا یقین به نجـاست داشـته و اعتنـا نکرده است، خروج او از اِحرام در این صورت، خـالی از اشـکال نیست و اعمـالش باطل است. اگر می تواند، باید خودِ اعمال را دوباره انجام دهد و اگر نه، نایب بگیرد که طواف و نماز و سعی و تقصیر را دوباره

انجام دهـد و او را از احرام خارج سازد. پس اگر با همان حال، مُحرِم به اِحرام حـجّ شـده است، حجّ تمتّع واقع نمی شود، بلکه حجّش مبدل به اِفراد شده و باید یک عمره مفرده، بعد از حجّ انجام دهد و سال دیگر احتیاطاً حجّ تمتّع به جا آورد؛ به هر حال در وطن، به حال اِحرام نیست.

سؤال«۳۸۴»- آیا کسـی که یقین دارد که در حین طواف، هُلَش داده اند، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مُجوز برای تجاوز به غیر این محدوده می شود یا خیر ؟

ج- شامل نیست.

سؤال«۳۸۵»- در صـورتی که یقین دارد که در حـال طواف، در محـدوده معین، بـا اجنبی یـا اجنـبیه، برخورد می کنـد، بـازهم واجب است که در محدوده معین، طواف کند؟

ج- آن چه ذکر شده است، عذر نیست.

سؤال«۳۸۶»- اگر زن، در عمره تمتّع بعد از سه

دور و نیم و قبل از چهار دور، حائض شود و تا قبل از رفتن به عرفات، پاک نشود، وظیفه او چیست؟

ج- مورد عدول به اِفراد است.

سؤال«۳۸۷»- اگر زنی بعد از دور چهارم در طواف عمره تمتّع، حائض شد و تا وقت وقوف به عرفه، پاک نشد، وظیفه اش چیست؟

ج- باید سعی و تقصیر عمره تمتّع را انجام دهد و مُحرم شود برای حجّ تمتّع و قبل از انجام طواف حجّ، قضای طواف عمره تمتّع و نماز آن را هم به جا آورد.

سؤال«۳۸۸»- زنی عمره تمتّع را انجام داد، سپس متوجّه شد که طواف او باطل بوده است، پس از این که متوجّه شد، ملاحظه نمود و دید که عذر زنانه دارد؛ تکلیف او چیست؟

ج- هر وقت عذر او مُرتَفَع شد، طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر قبل از وقوف، پاک نمی شود، برای حجّ، مُحرِم شود و پس از

ص: ۱۹۷

آمدن به مکّه و رفع عذر، به تفصیلی که در جواب سؤال قبل گفته شد، عمل نماید.

سؤال«۳۸۹»- آیا مُستَحاضه ی کثیره، باید برای طواف، یک غسل و برای نماز طواف، غسل دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج- غسل برای هر یک، لازم است، مگر آن که از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز، خون قطع باشد.

سؤال«۳۹۰»- آیا نماز و طواف برای زن مستحاضه، یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟

ج- هرکدام مستقل هستند.

سؤال«۳۹۱»- زنی بعد از وقوفین، حیض می شود، با مصرف قرص، خونریزی قطع می گردد و اعمال را انجام می دهد، ولی بعد از آن، لَک می بیند؛ وظیفه او چیست؟

ص: ۱۹۸

ج- اگر خون، سه روز مستمر نبوده و حتّی در باطن فرج هم قطع شده، حیض نبوده است و با انجام وظیفه مستحاضه، عمل او صحیح است.

سؤال«۳۹۲»- زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود؛ وظیفه اش چیست؟

ج- اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده است، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و اگر قبلاً بوده است، می تواند بقیه طواف را تمام کند و احتیاطاً یک طواف کامل به قصد وظیفه فعلیه از تمام یا اتمام انجام دهد.

سؤال«۳۹۳»- زن مستحاضه، بعد از غسل و وضو، مشغول طواف می شود. در اثناء طواف، لک می بیند؛ وظیفه چیست؟

ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه، عمل کرده است، با حفاظت از خروجی خون، چیزی بر او نیست و در غیر این صورت، حکم حَدَث جدید را دارد.

سؤال«۳۹۴»- زنی به تصور این که پاک شده است، طواف انجام می دهد و در اثناء سعی، متوجّه می شود که هنوز پاک نشده است؛ آیا سعی او باطل است و اگر بعد از سعی، متوجّه شود، چگونه است؟

ج- در فرض اول، سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را تمام و اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز و سعی، لازم است.

سؤال«۳۹۵»- زن مستحاضه ای که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار، فاصله ای بین اعمال، پیش می آید که شاید طولانی هم شود، مثلاً به منزل برود و غسل کند و برگردد؛ آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج- اگر خونریزی قطع نمی شود، برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو،

مبادرت به عمل نماید. بنابراین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد. اگر باز هم مشکل است و نمی تواند، احتیاطاً در موقع ورود به مسجدالحرام تیمّم بدل از غسل نماید و وضو بگیرد، اگر وضو هم میسر نیست، دو تیمّم، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو نماید.

سؤال«۳۹۶»- زن مستحاضه ای که باید برای هر نماز و طواف، غسل کند، طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد. بین طواف، نماز ظهر شروع شد. نماز را خواند و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد؛ آیا طوافش صحیح است؟

ج- اگر از هنگام غسل تا آخر طواف، خونریزی قطع بوده، طواف صحیح است و در غیر این صورت، احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل، اعاده نماید، با نیّت انجام وظیفه از تمام یا اتمام، خصوصاً اگر این حادثه

در دور های قبل از چهارم بوده و برای نماز ظهر، غسل دیگری لازم است و باید اعاده شود.

سؤال«۳۹۷»- هر گاه زن قُرَشیه، پس از شصت سال و غیر قُرَشیه، پس از پنجاه سال، چند روز متوالی، خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد، در طواف ها و نماز چه کند؟

ج- حکم مستحاضه را دارد و حکم حیض، بر خون مزبور مُترتب نیست، حتّی در صورت توالی یا داشتن صفات حیض.

سؤال«۳۹۸»- زن هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده کنند به خاطر این که در موقع طواف، گرفتار حیض نشوند و در ایّام عادت، ممکن است یک یا دو لکه ی کم رنگ ببیند، آیا این خون استحاضه حساب می شود یا خون قروح و جروح و در هر صورت، به طواف ضرر می زند یا خیر؟

ج- حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه

ص: ۲۰۲

مستحاضه عمل کنند و اگر در اثناء طواف، لک دیده است، تفصیلی بین قبل از تمام شدن دور چهارم و بعد آن هست که در مَناسِک، ذکر شده است.

سؤال«۳۹۹»- مُحرِمی است که مبتلا به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او خارج می شود و در عرض سال، شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا می کند؛ ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه، وضویش باطل می شود. تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج- حکم مبطون را دارد و حال اگر چنان چه نتواند در اثناء طواف، وضو بگیرد یا حَرَجی باشد، اِکتفا به یک وضو برای طواف، کافی است؛ ولی اگر بتواند، ولو به حمل آب، در اثناء طواف، وضو بگیرد، واجب است که تجدید وضو کند و احتیاطاً نایب بگیرد و در نماز طواف هم همین طور عمل کند.

ص: ۲۰۳

سؤال«۴۰۰»- کسی نیّت طواف را دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می کند، مقداری که گذشت گمان می کند که نیّت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی گردد و نیّت را به زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند؛ آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج- احتیاطاً طواف را اعاده نماید، به نیّت تمام یا اتمام که قبلًا اشاره شد، ولی صحّت طواف از سر گرفته شده، خالی از وجه نیست.

سؤال«۴۰۱»- به خاطر اهمیّت زیادی که در اعمال حجّ داده می شود و به خصوص در طواف ها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجا، چندین بار به جا می آورند، ولو این که عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حدّ وسواس هم نمی رسد؛ آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکال دارد یا نه؟

ج- وسواس همین است و نباید به وسوسه، اعتنا شود، ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه

مانعی ندارد.

سؤال«۴۰۲»- کسی که به جهتی طواف یا سعی را قطع کند و به جلو برود، میخواهد از همان جا که قطع شده است شروع کند، ولی در اثر ازدحام جمعیت، نمی توانـد خود را به آن جا برساند و در مُحاذی آن جا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد؛ آیا می تواند از مُحاذی جایی که قطع شده است، شروع کند یا باید از همان نقطه باشد؟

ج- لازم نیست که از همان نقطه باشد، بلکه مُحاذات کافی است و باید طواف تکمیل شود.

سؤال«۴۰۳»- قِران که در طواف، حرام است، آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟

ج- اگر از اول یا در اثناء طواف اول، قصد قِران داشته، احتیاط در اعاده طواف است و اگر بعد از اتمام طواف اول، قصد قِران کرده، اظهر بطلان طواف است، اگر در طواف واجب باشد نه مستحب.

سؤال«۴۰۴»- آیا یک دور و دو دور طواف هم استحباب دارد یا باید طواف هفت دور باشد و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت دور طواف واجب، یکی یا دو دور طواف مستحبی به جا آورد و بعد نماز طواف را خواند، آیا طوافش صحیح است؟

ج- استحباب آن ثابت نیست ولی طواف مزبور صحیح است.

سؤال«۴۰۵»- معیار در کثیرالشک بودن در طواف چیست؟

ج- عرفی است.

سؤال«۴۰۶»- طواف کردن در محدوده ۲۶/۵ ذراع و نماز خواندن پشت مقام، هر چه نزدیک تر به مقام، آن طوری که در مَناسِک بیان شده است، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حدّ، طواف می کنند و دور از مقام، نماز می خوانند انجام شود؟

ج- چنین چیزی نیست و باید به وظیفه عمل شود.

سؤال«۴۰۷»- این که فرموده اید: «در بعضی موارد باید طواف و سعی را تمام و اعاده کرده» بفرمایید: که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج- بله، احتیاط این است که اول، طواف را تمام کند و نماز بخواند و سپس اعاده نماید.

سؤال«۴۰۸»- کسی که در سعی یا طواف عمره تمتّع یا عمره مفرده نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که مُحرِم است، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم اِحرام، باید با لباس اِحرام، طواف کند یا در لباس مخیط هم جایز است؟

ج- هیچ یک از اِحرام یا لباس اِحرام در نایب، لازم نیست.

سؤال«۴۰۹»- شخصی مسلوس است. برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج- اگر وقتی دارد که بتواند طواف و نماز را با

وضو انجام بدهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک، به جا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن، اتیان نماید و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که مَشَقت نداشته باشد، برای هر بار که حَدَث از او صادر شود، یک وضو بگیرد و اگر مَشَقت دارد، برای طواف، یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد.

سؤال«۴۱۰»- آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است با لباس اِحرام باشد؟

ج- لازم نیست.

سؤال«۴۱۱»- هر گاه مُحرِم، لباس احرام را کنار بگذارد وعمداً یا جهلاً با لباس دوخته شده، اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، آیا طواف و سعی او صحیح است؟ عمره او مُجزی است یا نه؟

ج- طواف و سعی مزبور، صحیح و عمره مذکور، مُجزی است؛ ولی مرتکب گناه شده است و باید

یک گوسفند، کفاره بدهد.

سؤال«۴۱۲»- هر گاه مُحرِم با اِحرام عمره تمتّع، جنب باشد و آب برای او ضرر دارد، یا آب ندارد و یا وقت عمره می گذرد، آیا طواف و نماز با تیمّم کافی و مجزی است یا باید نایب هم بگیرد؟

ج- نایب گرفتن لازم نیست، گرچه احتیاط در گرفتن نایب است.

سؤال«۴۱۳»- آیا حجاب زن در طواف مانند حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟

ج- تنها فرقی که دارد این است که در طواف، نباید با نقاب، صورت را بپوشاند.

سؤال«۴۱۴»- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف، بپوشاند ظاهر شود، آیا به طواف او ضرر می رساند یا نه؟

ج- اگر عمدی باشد، طواف او صحیح نیست و در غیر عَمد، صحیح است و حکم جاهل مقصر هم چنین است.

سؤال«۴۱۵»- شخصی در عمره تمتّع، طواف را تمام کرده است، ولی می گوید که دل چسب نشد؛ لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول به جا آورده و سپس نماز و سعی به جا آورده و تقصیر می کند؛ آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج- اگر صدق قِران بکند، صحّت عمل، مشکل است، مگر آن که صدق قِران نکند.

سؤال«۴۱۶»- اَکل و شُرب در حال طواف، جایز است یا نه؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۴۱۷»- کسی که در حال طواف، شخصی را از روی زمین بلند کند و ممکن است در این صورت، گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجّه به طواف ندارد، در نتیجه نمی داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را احتیاطاً دوباره انجام دهد.

سؤال«۴۱۸»- کسی که در دور ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد و دیگری به جای او بقیه را به جا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجّه شده است که استراحت در خلال طواف به طواف ضرر نمی رساند و او با استراحت می توانسته که خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج- بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

سؤال«۴۱۹»- شخصی طواف خود را به هم می زند و طواف دوم را شروع می کند؛ آن را نیز به هم می زند و طواف سوم را آغاز و به تمام کرده است؛ وظیفه او چیست؟

ج- بعید نیست که اشکال نداشته باشد، ولی احتیاطاً طواف و نماز را اعاده نماید.

سؤال«۴۲۰»- اگر شخصی رکن مُستجار (رکن یَمانی) را یقین کرد که رکن حجرالاسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالاسود شروع کرد

ص: ۲۱۱

و هفت دور کامل به جا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج- طواف مزبور باطل است و باید آن را اعاده کند.

سؤال«۴۲۱»- گاهی انسان شک می کند که این دور طوافش به هم خورد یا نه؟ آیا می شود بعد از طواف، یک دور هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت دور به جا آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج- به وسوسه نباید اعتنا کرد و اگر قسمتی از طواف، اشکال پیدا کند، همان قسمت باید تصحیح شود و ادامه بعد از آن به قصد طواف بدون تصحیح آن قسمت موجب اشکال در طواف می شود و با به جا آوردن یک دور احتیاطی بعد از طواف، اشکال رفع نمی شود.

سؤال«۴۲۲»- شخص در حالی که مشغول طواف است، در دور پنجم یقین کرد که ۵ متر در دور اول و ۵ متر در دور سوم بی اختیار طواف کرده است؛ تکلیف او چیست؟

ج- شاید این گونه بی اختیار بودن که از جهت ازدحام است، موجب بطلان نباشد؛ به هر تقدیر اعاده نماید، موافق به احتیاط است.

سؤال«۴۲۳»- شرایطی که در طواف واجب لازم است رعایت شود، آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج- ظاهر آن است که آن چه در مَناسِک، استثناء نکرده معتبر است.

سؤال«۴۲۴»- در طواف مستحبی، زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج- اگر اختیاراً نگاه به نامَحرَم نکنند، اشکال ندارد، ولی در ازدحام، بهتر است که مراعات کنند و در هر صورت، طواف صحیح است.

سؤال«۴۲۵»- آیا در طواف های مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ص: ۲۱۳

ج- بله، شرط است.

سؤال«۴۲۶»- مُحرِمی وارد مکّه شد. آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتّع، یا قبل از اعمال عمره مفرده، هم چنین پس از مُحرِم شدن به اِحرام حجّ تمتّع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی به جا آورد یا خیر؟ و اگر به جا آورد به عمره و حجّش ضرر می زند یا نه؟

ج- احتیاط، ترک طواف مستحبی است؛ ولی به عمره و حجّ، ضرر نمی زند و بنابر احتیاط اگر طواف نمود، بعد از طواف، تلبیه را تجدید کند.

سؤال«۴۲۷»- آیا می شود هر دور از طواف مستحب را به نیّت یکی از مؤمنین به جا آورد یا باید مجموع هفت دور را برای یک نفر به جا آورد؟

ج- نیابت در یک دور صحیح نیست، ولی می تواند مجموع را به نیّت چند نفر انجام دهد.

سؤال«۴۲۸»- آیا جایز است که طواف مستحبی را خارج از حدّ طواف واجب به جا آورد یا نه؟

ص: ۲۱۴

ج- جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

سؤال«۴۲۹»- اگر حاجی از مِنی برگشته و هنوز طواف واجب را به جا نیاورده است، آیا می تواند طواف مستحبی به جا آورد یا نه؟

ج- احوط آن است که تا اعمال واجب را انجام نداده است، طواف مستحبی انجام ندهد.

سؤال«۴۳۰»- آیا می توان نیّت طواف را قبل از رسیدن به حجرالاسود، نیّت طواف کرد و تا زمانی که به رکن می رسد، نیّت را در نظر داشت یا حتماً باید هنگام رسیدن به رکن، نیّت را کند؟

ج- می تواند نیّت کند که طواف را از حجرالاسود شروع کند و لازم نیست که صبر کند تا حتماً به رکن برسد و سپس نیّت کند.

سؤال«۴۳۱»- در طواف چنان چه به رکن یَمانی برسد و خیال کند که به حَجَر رسیده و نیّت دور دوم کند، تا به حجرالاسود رسید، فهیمد که اشتباه کرده، بر می گردد و از رکن یَمانی تا حَجَر، طواف را ادامه

می دهد و بقیه را تکمیل می کند؛ آیا مقدار زیادی مضر به طوافش می باشد؟

ج- مضر به طواف است و باید دوباره طواف را به جا آورد.

سؤال«۴۳۲»- افراد بیمار و معلولی که نمی توانند بدن و لباس اِحرام خود را پاک نگه دارند، برای طواف و نماز طواف چه باید بکنند؟

ج- اگر امکان تعویض و یا شستن لباس اِحرام برای آن ها باشد، باید این کار را انجام دهند و إلّا اعمال خود را با همان حالت به اتمام رسانند و احتیاطاً نایب هم بگیرند.

سؤال«۴۳۳»- حائض در میقات به اِحرام عمره مفرده مُحرِم می شود. بعد از ورود به مکّه و یک روز قبل از عزیمت کاروان به وطن، پاک می شود، بعد از غسل و طهارت، اعمال عمره مفرده را انجام می دهد و پدرش احتیاطاً طواف عمره مفرده و طواف نساء را به نیابت او انجام می دهد. روز بعد که به وطن

برمی گردد، لک می بیند، چون قبل از ده روز، لک دیده است، آیا طواف و نماز نیابتی که پدرش احتیاطاً برایش انجام داده است، کفایت می کند؟

ج- طواف و نماز نیابتی پدر برای او کفایت می کند.

سؤال«۴۳۴»- اگر در اثنای طواف ساتر، طواف کننده، کنار رفت و متوجّه نشد و به همان حال، مقداری طواف را انجام داد؛ وظیفه اش چیست؟ اگر بعد از طواف، متوجّه شد، حکمش چیست؟

ج- تا زمانی که متوجّه نبوده است، طواف او صحیح است امّا به محض متوجّه شدن باید ساتر برای خود تهیه کند و اگر بعد از طواف، متوجّه شود، طواف او صحیح است.

سؤال«۴۳۵»- برخی در اثنای طواف، بر اثر خستگی یا فشار جمعیت، از ادامه طواف، صرف نظر کرده و به قصد خارج شدن از مُطاف، چند قدم می روند، پس از آن احساس می کنند که می تواند طواف را ادامه داده و تمام کنند، لذا به طواف خود

ادامه می دهند؛ طواف آن ها چه صورتی دارد؟

ج- باید مقداری را که بدون قصد طواف رفته است، اعاده کند؛ یعنی بازگردد و از محلی که صرف نظر کرده است، با قصد طواف، به جا آورد و اگر نمی تواند، باید این دور را بدون قصد طواف برود و وقتی به محل قطع رسید، نیّت طواف کند و طواف او صحیح است.

سؤال«۴۳۶»- کسی که سه یا چهار دور از طواف را انجام داده و از انجام بقیه آن، عاجز شده است، وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از رفع عذر بتواند خودش آن را به جا آورد، باید خودش طواف را اعاده کند (اگر قبل از چهار دور طواف را قطع کرده است) و یا آن را تمام کند، (اگر بعد از چهار دور، آن را قطع کرده است) و اگر به هیچ وجه نمی تواند خودش آن را به جا آورد، نایب بگیرد که او طواف را تکمیل کند و یا یک طواف کامل به جا آورد.

سؤال«۴۳۷»- شخصی در شمارش دور های طواف

ص: ۲۱۸

به گفته همراهش اعتماد کرده است، ولی در اثنای سعی یا بعد از آن، به شک می افتد که شاید کم و زیاد شده باشد، وظیفه اش چیست؟

ج- به شک خود اعتناء نکند.

سؤال«۴۳۸»- زن و شوهری که باهم طواف نساء انجام می دهند، در پایان یکی از دور ها شوهر یقین دارد که هفت دور تمام شده، ولی زن یقین دارد که شش دور انجام داده است؛ وظیفه چیست؟

ج- اگر هر کدام بر اساس یقین خود عمل می کند و کاری به دیگری نداشته است، طواف هر دو صحیح است. زن باید یک دور دیگر به جا آورد، امّا اگر اختلاف آن دو باعث تردید شود، باید هر دو طواف را مجدداً انجام دهند.

سؤال«۴۳۹»- در فرض سابق، با توجّه به این که هر کدام عمل دیگری را به نظر خود صحیح نمی دانند، آیا پس از نماز طواف نساء، به یکدیگر حلال می شوند؟

ص: ۲۱۹

ج- باید هر دو طواف را مجدداً به جا آورند، تا پس از اعمال، به یکدیگر حلال شوند.

سؤال« ۴۴۰»- کسی که به جهت شک در دور ها، طوافش باطل شود، آیا می تواند بلافاصله طواف را از سر بگیرد یا باید از مُطاف خارج شده و مجدداً طواف را شروع کند؟

ج- می تواند بلافاصله نیّت طواف مجدد نماید و از حجرالاسود طواف را آغاز کند.

سؤال« ۴۴۱»- شخصی در اثنای طواف، شک در صحّت آن می کند. مثلاً شک می کند که پشت او به کعبه شده یا خیر؛ وظیفه چیست؟

ج- به شک خود اعتنا نکند، مگر آن که در عدد دور های طواف شک کند، باید طواف را مجدداً به جا آورد.

سؤال« ۴۴۲»- مُحرِم پس از ورود به مکّه، لباس اِحرام را در آورده و طواف واجب را با لباس دوخته شده انجام داده است. پس از طواف، متوجّه اشتباه

خود شده است؛ فعلًا چه وظیفه ای دارد؟

ج- طواف او صحیح است، ولی باید به خاطر پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند، کفاره بدهد.

سؤال«۴۴۳»- کسی که با چرخ، طواف می کند، چنان چه در هیچ یک از ساعات شبانه روز نتواند در صحن مسجدالحرام طواف کند، طواف او در طبقه اول یا پشت بام مسجدالحرام چه صورتی دارد؟

ج- اگر در هیچ شرایطی طواف در صحن برای او امکان ندارد، طواف در طبقه اول یا پشت بام مسجد مانعی ندارد.

سؤال«۴۴۴»- خانم ها در هنگام زیادی جمعیت، اگر بخواهند طواف را در محدوده بیست و شش و نیم ذراع به جا آورند، نامَحرَم به آن ها تنه می زند؛ تکلیف آن ها چیست؟

ج- باید در این محدوده، طواف کنند و این موضوع عذر محسوب نمی شود.

سؤال«۴۴۵»- در مَناسِک آمـده است که در طواف، موالات عرفیه رعایت شود. سؤال این است که به چه مقدار فاصـله موالات به هم می خورد و اگر کسی به هر جهت بخواهد طواف را از ابتدا انجام دهد، چه مقدار صبر کند؟

ج- ملاک در موالات، نظر عرف است و غالباً فاصـله پنـج تا ده دقیقه، مُخل به موالات نیست و اگر بیشتر از این مقـدار شود، احتیاطاً طواف را از سر بگیرد.

سؤال«۴۴۶»- کسـی که طواف می کند، ناچار می شود که به دیوار حِجر اسـماعیل برخورد کند؛ آیا طواف او اشـکال پیدا می کند؟

ج- اگر بر روی دیوار نرود و دست را بر روی آن نگذارد و صرفاً بدن او به دیوار حِجر اسماعیل بخورد، مانعی ندارد.

سؤال«۴۴۷»- در مَناسِک آمده است که طواف مستحبی، بدون وضو صحیح است؛ حال آیا طواف

عمره و حجّ مستحبی از طواف های مستحب محسوب می شود که بدون وضو هم صحیح باشد؟

ج- طواف در عمره و حجّ مستحبی، جزء طواف های مستحب نیست و لذا حتماً باید با وضو باشد.

سؤال«۴۴۸»- در عمره مفرده مستحبی، آیا طواف و سعی و تقصیر را باید به قصد وجوب انجام داد یا به قصد استحباب؟

ج- باید به قصد وجوب، طواف و سعی و تقصیر را بیاورد، گرچه همین قدر که قصد انجام عمره را دارد، کفایت می کند و قصد وجوب به خصوص برای طواف و امثال آن لازم نیست.

سؤال«۴۴۹»- چنان چه انجام طواف مستحبی، مُستلزم تماس با بدن نامحرم شود، آیا انجام چنین طوافی جایز است؟

ج- استحباب دارد و انجام آن مانعی ندارد.

سؤال« ۴۵۰»- کسی عمره مفرده به جا آورده و بدون

ص: ۲۲۳

انجام طواف نساء به مدینه آمده است. فعلاً می خواهد برای عمره تمتّع مُحرم شود؛ آیا جایز است بدون انجام طواف نساء، مُحرم شود و بعد از انجام عمره تمتّع، طواف نساء را به جا آورد؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۴۵۱»- آیا طواف در عمره مفرده استحبابی، حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن پشت مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجدالحرام می توان نماز آن را خواند؟

ج- حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، پشت مقام باشد.

سؤال«۴۵۲»- شخصی پس از مراجعت از مکّه، شک می کند که طواف نساء حجّ یا عمره مفرده را به جا آورده یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

ج- اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد و هم چنین است در صورت التفات، بنابر احتیاط واجب؛ بلکه

خالی از قوت نیست.

سؤال«۴۵۳»- اگر کسی بعد از دور چهارم طواف نساء عمره مفرده با زوجه خود، مواقعه نماید، آیا مانند طواف نساء حجّ است که به حجّ، لطمه ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج- بله، عمل صحیح است و کفاره ندارد، هرچند احتیاط در دادن کفاره است، اگرچه حرام مرتکب شده است.

سؤال«۴۵۴»- به جا نیاوردن طواف نساء از روی جهل همانند طواف حجّ و عمره است که باید حجّ را اعاده کند و شتر قربانی نماید؟

ج- ترک طواف نساء، حجّ را باطل نمی کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نساء، بدون آن باقی است و ارتکاب آن عالماً عامداً کفاره دارد.

سؤال«۴۵۵»- شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود، ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج- کفاره دارد مگر در صورت جهل.

سؤال«۴۵۶»- شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتّع، مُحرِم شده است. آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره تمتّع، به جا آورد یا قبل از آن؟

ج- می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتّع، به جا آورد.

سؤال«۴۵۷»- کسی که طواف نساء عمره مفرده را به جا نیاورده و بعد از آن، حجّ اِفراد به جا می آورد؛ آیا طواف نساء حجّ افراد، کفایت می کند؟

ج- کفایت نمی کند.

سؤال«۴۵۸»- پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی کنند و نیز کسی که عنّین است، آیا اگر طواف نساء را به جا نیاورند اشکال دارد؟

ج- گرچه طواف نساء جز اعمال نیست، ولی عمل

ص: ۲۲۶

واجبی است که باید انجام داده شود.

سؤال«۴۵۹»- کسی که از مِنی برگشته و هنوز اعمال واجب مکّه را انجام نداده است یا در حال اِحرام عمره تمتّع و یا قبل از انجام عمره، می تواند طواف مستحبی انجام دهد؟

ج- احتیاط آن است که انجام ندهد.

سؤال«۴۶۰»- آیا تأخیر طواف نساء از سعی تا چند روز، جایز است یا خیر؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۴۶۱»- شخصی بعد از حجّ، ازدواج کرد و دارای اولاد شد. بعداً متوجّه می شود که در حجّ، طواف نساء را به جا نیاورده است. حال که متوجّه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج- با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد، ولی عقد ازدواج باطل است و باید طواف نساء

را انجام دهد و اگر بخواهد، باید بعد از آن تجدید عقد نماید.

سؤال«۴۶۲»- مردی به زنش گفت که وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال به جا آوری! زن به جای طواف نساء طواف رجال ذکر کرد؛ آیا کافی است یا نه؟

ج- اگر منظورش اَداء وظیفه است، مانعی ندارد.

سؤال«۴۶۳»- آیا به جز غسل مستحبی برای رفتن به مسجد الحرام، غسل دیگری برای طواف، مستحب است و در صورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیّت هر دو کافی است؟

ج- غسل به خصوصی برای طواف نداریم، مگر منظور، غسل زیارت بیت اللّه باشد که استحباب دارد، به هر تقدیر اگر هم ثابت باشد، یک غسل به نیّت هر دو کفایت می کند.

سؤال«۴۶۴»- شخصی در پایان یکی از دورهای طواف، آن را رها کرده و لحظه ای استراحت می کند و

هنگامی که برای تکمیل آن بر می گردد، شک می کند که دور پنجم بوده یا ششم؛ تکلیفش چیست؟

ج- در فرض مزبور، طوافش باطل است و احتیاط آن است که به قصد رجاء، تمامش نموده و طواف را با نماز آن، بعد از خواندن نماز طواف اول، اعاده کند.

سؤال«۴۶۵»- شخصی در یکی از اشواط، گام هایی را در اثر فشار جمعیت، بی اختیار پیموده و به همان نحو، ادامه داده و طواف را پایان برده است. اکنون که مسأله را فراگرفته، نه جای آن مقدار را می داند و نه دور را؛ تکلیف او چیست؟

ج- اگر حقیقتاً اختیاری نداشته، باید طواف نماز را اِعاده نماید، ولی اگر فی الجمله قصد و اختیار داشته و با جمعیت، طواف کرده، طواف او صحیح است.

سؤال«۴۶۶»- اگر در بین طواف، نداند که چند دور به جا آورده است، وظیفه اش چیست؟

ج- در این صورت باید طواف را از سر بگیرد.

ص: ۲۳۰

استفتائات نماز طواف

سؤال«۴۶۷»- کسی که قرائت او صحیح نیست، چنان چه در تصحیح نکردن قرائت، مقصّر باشد، تکلیفش نسبت به نماز طواف چیست؟

ج- اگر امکان دارد، باید با تلقین شخص دیگری، نماز را به طور صحیح به جا آورد و إلّا خودش نماز را بخواند و دیگری را هم نایب بگیرد تا نماز را برایش بخواند.

سؤال«۴۶۸»- مستحاضه برای طواف، تطهیر کرده است و پس از طواف نمی داند که خون، خارج شده یا نه؟ آیا لازم است برای نماز طواف، خود را وارسی کند؟

ص: ۲۳۱

ج- اگر احتمال ضعيف مى دهد، وارسى لازم نيست و إلّا بايد خود را وارسى كند.

سؤال«۴۶۹»- شخصى جهلاً نماز طواف را قبل از طواف، خوانده است؛ وظيفه او چيست؟

ج- بعد از طواف، بايد مجدداً نماز طواف را بخواند.

سؤال« ۴۷۰»- در توضيح المسائل فرموده ايد: «اگر زن در كنار مرد يا جلوتر بايستد و با هم وارد نماز شوند، نماز هر دو باطل است»، آيا اين حكم در مسجدالحرام يا نماز طواف با زنان اهل سنت هم جارى مى شود؟

ج- اگر فاصله بين زنان و مردان به اندازه يک وجب باشد، نماز، صحيح است و مراعات اين مقدار فاصله در مسجدالحرام مقدور است.

سؤال« ۴۷۱»- بعضى از حجّاج در پشت مقام، دست به دست همديگر مى دهند تا برخى ديگر نماز طواف بخوانند، آيا اين عمل، جايز است؟

ج- بهتر است از این گونه کارها اجتناب شود.

سؤال«۴۷۲»- در شب های ماه مبارک رمضان هنگام خواندن نماز تراویح، از خواندن نماز طواف در پشت مقام، در صحن مسجد ممانعت می کنند. آیا می توان نماز طواف را در ایوان های مسجد به جا آورد؟

ج- اگر امکان نماز در صحن مسجدالحرام نیست، خواندن نماز طواف در ایوان مسجد مانعی ندارد و بهتر است حتّی المقدور مُحاذی پشت مقام در ایوان باشد.

سؤال«۴۷۳»- برای عمل به احتیاط آیا می توان نماز طواف واجب را به نماز طواف مستحب، اقتدا کرد؟

ج- اقتدا مانعی ندارد، امّا اکتفاء به آن نباید کرد و خودش نیز نماز را بخواند و اگر قرائت را به طور صحیح نمی داند، نایب نیز بگیرد تا عمل به احتیاط شده باشد.

سؤال«۴۷۴»- شخصی برای نماز طواف، نایب می گیرد. آیا قبل از سعی، نایب بگیرد یا بعد از سعی هم صحیح است؟

ج- باید نماز طواف، قبل از سعی باشد و لذا باید قبل از سعی، نایب بگیرد و نایب نیز باید قبل از سعی، منوب عنه آن را انجام دهد.

سؤال«۴۷۵»- کسی نماز طواف عمره را در داخل حِجر اسماعیل به جا آورده و بعد از تقصیر، متوجّه شده است؛ وظیفه او چیست؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

سؤال«۴۷۶»- شخصی بعد از طواف، وضویش باطل شده و خجالت کشدیده که بگوید، نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و مُحلّ شده است؛ وظیفه او چیست ؟

ج- باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

سؤال«۴۷۷»- زنی نماز طواف خود را در حِجر

اسماعیل خوانده و چون به منزل آمده، ملتفت شده که حائض شده است و تا وقوف به عرفات، پاک نمی شود؛ وظیفه او نسبت به نماز چیست و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج- عمره او صحیح است و باید برای حجّ تمتّع مُحرِم شود و قبل از انجام طواف حجّ باید قضای طواف و نماز عمره تمتّع را به جا آورد.

سؤال«۴۷۸»- کسی که هر چه سعی کرده که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند، نتوانسته و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد، وظیفه اش چیست؟

ج- به هر نحو که قدرت دارد، بخواند و به جماعت خواندن، حتّی در فرض امکان، واجب نیست، ولی نایب بگیرد، بعد از خواندن خودش.

سؤال«۴۷۹»- در موقعی که شخص، طواف می کرده، جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام نتوانسته است که نزدیک مقام، نماز بخواند و در آن

وقت، چاره ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته است؛ آیا نماز او صحیح است یا خیر ؟

ج- اگر امکان نداشته با فرض اضطرار، مانعی ندارد.

سؤال« ۴۸۰»- آیا در صورت ازدحام که نشود پشت مقام یا دو طرف آن، نماز طواف را خواند تا حدود منبر، و نماز در قسمت راست یا چپ منبر خوانده شد، باز هم نماز در مقام در صورت امکان همان روز یا روزهای دیگر لازم است؟

ج- در صورتی که تا بعد از فوات موالات عرفیه، بین طواف و نماز آن، عذر باقی بوده است، اعاده واجب نیست.

سؤال« ۴۸۱»- در مسأله شش نماز طواف در تحریر الوسیله فرموده اید: «الاحوط الاقتداء به شخص عادل» و در مسأله اول نماز جماعت همان کتاب فرموده اید: «بل مشروعیه الجماعه فی صلاه الطواف و کذا صلاه الا حتیاط محل اشکال» بفرمایید: منظور

چیست؟

ج- منظور از مشروعیت، صحّت است و احتیاط مزبور، استحبابی است و نباید به جماعت اکتفا شود.

سؤال«۴۸۲»- برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می توانند نماز طواف حجّ را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس، اقتدا کنند یا نه؟

ج- اکتفا به جماعت نباید بکنند و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می شود.

سؤال«۴۸۳»- افرادی با این که قرائتشان درست نیست و کلمات نماز را نمی توانند درست بگویند، در حجّ نایب می شوند و عمره را به نیّت منوب عنه انجام می دهند، بعد متوجّه می شوند که نمی توانند نایب شوند، چگونه از اِحرام خارج می شوند و برای حجّ چه

وظیفه دارند؟

ج- در صورت امکان بایـد قرائت خود را درست کننـد و عمل نیابی خود را تصـحیح نمایند تا از اِحرام خارج شوند، ولی اگر ممکن نیست و معذور هستند، اِحرام آن ها صحیح و از اِحرام، خارج هستند، ولی صحّت حجّ از منوبٌ عنه و کفایت از آن، محل اشکال است و نسبت به اُجرت، باید مصالحه نماید؛ زیرا مستحقّ آن نیست و حجّ را احتیاطاً به نیّت منوبٌ عنه تمام کند.

سؤال«۴۸۴»- کسی که مطمئن باشد که قرائتش یا ذکری که در نماز می گوید درست است، نماز طواف را اعم از طواف زیارت و نساء، همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است؛ حالا باید چه کند؟

ج- اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، حجّش صحیح است، ولی نماز را باید اعاده نماید همان طور که در مسأله ۷۸۵ در کتاب مَناسِک حجّ بیان شد.

ص: ۲۳۸

سؤال«۴۸۵»- چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم می آید و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست، مگر این که چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید که آیا حتماً نماز باید پشت مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت یا دورتر تا هر جا که می تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج- اگر امکان دارد و محذوری که در بین نیست، باید پشت و نزدیک مقام، نماز بخواند و در مورد ضرورت، تأخیر، مانعی ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

سؤال«۴۸۶»- در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود، او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد؛ آیا مانعی ندارد؟

ج- اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته است، مانعی ندارد و در غیر این صورت

تکرار نکند مگر به قصد احتیاط به شرط آن که وسوسه نباشد.

سؤال«۴۸۷»- آیا حمل کردن نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز مثل نمازهای یومیه، معفو است یا نه؟

ج- محمول مُتُنَجِس در طواف و نماز، معفو است.

سؤال«۴۸۸»- آیا نجاست معفو در نماز، در طواف نیز معفو است؟ حکم محمول متنجس در طواف چیست؟

ج- احتیاط واجب آن است که در طواف، از نجاساتی که در نماز، بخشوده شده، اجتناب شود؛ ولی به همراه داشتن محمول متنجس که نمی شود با آن نماز بخواند، مانعی ندارد.

سؤال«۴۸۹»- این طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر به جا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج- احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف

است.

سؤال« ۴۹۰»- گـاهی در پشت مقـام ابراهیم، جمعیت زیـاد است، چـون زن و مرد، کنـار هم قرار می گیرنـد. احیانـاً مورد فشـار ازدحام واقع می شوند، بدون این که رَیبه و فسادی در بین باشد. آیا به نماز طواف ضرر نمی رساند؟

ج- برای نماز ضرر ندارد، در صورتی که اگر ممکن است رعایت عدم تقدم زن بر مرد و عدم مجازات غیر معفو بشود.

سؤال« ۴۹۱»- احیاناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شـروع کند، طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند و جابه جا می کنند، در عین حال نماز را شروع می کند؛ آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج- اگر صحیحاً تمام کند، مانعی ندارد.

سؤال« ۴۹۲»- در مَناسِک فرموده اید: «بر هر

مُکلّفی واجب است که قرائت نمازهای یومیه اش را یاد بگیرد، خصوصاً برای حجّ»، حال اگر کوتاهی کرد و برای تعلم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل، کفایت می کند یا باید نایب بگیرد؟ در صورتی که نیابت را لازم نمی دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج- اگر وقت، ضیق شود به طوری که اگر بعد از طواف بخواهید نماز را یاد بگیرید، موالات بین نماز و طواف فوت می شود، خودش هر طور می تواند بخواند. احتیاطاً نایب هم بگیرد.

سؤال«۴۹۳»- زنی مُحرِم به اِحرام عمره تمتّع شده و پس از ورود به مکّه و انجام طواف، قبل از این که نماز طواف بخواند، حائض گردیده است؛ چه وظیفه ای دارد؟

ج- اگر وقت زیاد دارد، صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد، چنان چه وقت تنگ باشد، سعی و تقصیر عمره

ص: ۲۴۲

تمتّع را انجام دهـد و مُحرِم شود به حجّ تمتّع و باید قبل از طواف حجّ، نماز طواف عمره را بخواند و سـپس بقیه اعمال را انجام دهد.

سؤال«۴۹۴»- کسـی که نمازش را غلط می خوانـد و وقت تصـحیح آن را ندارد، می فرمایید که نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند. آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی به جا بیاورد؟

ج- اشکال ندارد و بنابر احتیاط، نایب هم بگیرد.

سؤال«۴۹۵»- شخصی طواف عمره را به جا آورده و بدون نماز، سعی وتقصیر کرده است؛ تکلیف او چیست؟

ج- باید نماز و سعی را به جا آورد و با فرض جهل یا نسیان، اعاده تقصیر، لازم است، ولی کفاره ندارد.

سؤال«۴۹۶»- آیا مقصود از نماز طواف، نزد مقام، پشت مقام است، یا شامل دو طرف مقام نیز می شود؟

ج- اگر ممکن است، باید پشت مقام باشد و اگر ممکن نیست، در دو طرف او هر طرف که باشد.

سؤال«۴۹۷»- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحّت آن، بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج- فقط نماز را باید اعاده کند.

سؤال«۴۹۸»- اگر پشت مقام ابراهیم، دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج- در صورتی که اِحراز نشود، پشت مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

سؤال«۴۹۹»- شخصی نماز طواف را به اعتقاد این که حِجر اسماعیل، مقام ابراهیم است، در حِجر اسماعیل خوانده؛ چه باید بکند؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

سؤال«۵۰۰»- آیا نماز طواف واجب را می توان با

نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

ج- اکتفا به آن بنابر احتیاط، مشکل است.

سؤال«۵۰۱»- پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است، آیا حدّ معینی نمی توان برای آن فرض کرد؟

ج- عرفی است.

سؤال«۵۰۲»- آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، اصولاً چه مقدار فاصله مُخل است؟

ج- مانعی ندارد، ولی احتیاط در ترک آن است، خصوصاً اگر احتمال دهد که مخل به مبادرت عرفیه باشد و میزان مبادرت عرفیه است، در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده نماز لازم نیست.

سؤال«۵۰۳»- گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می رسد. آیا در این صورت می شود، نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان به جا آورد و یا آیا صدق پشت مقام می نماید؟

ص: ۲۴۵

ج- صدق پشت مقام، به نظر عرف است، در صورت عدم امکان در پشت مقام و در اطراف آن خواندن نماز در آن جا اشکال ندارد.

سؤال«۵۰۴»- شخص مُحرِم به احرام عمره تمتّع، وارد مکّه شده است و مثلاً هفت روز در مکّه توقف دارد و نماز او غلط های زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ج- اگر صبر نمودن او موجب عُسر و حَرج نمی گردد، باید صبر کند و إلّا اگر بعد از طواف تا قبل از فوت موالات عرفیه، بین طواف و نماز نتواند غلط های خود را درست کند، به هر نحو می تواند نماز را بخواند.

سؤال«۵۰۵»- نماز طواف نساء و نماز طواف برای هر دو طواف واجب را که یکی عمره مفرده و دیگری حجّ می باشد، نخوانده ام و در تعداد دور های دوم هم در شک می باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ص: ۲۴۶

ج- اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد دورها کرده اید، به شک اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده اید، اگر نمی توانید به مکّه یا حرم بروید، در محل خود بخوانید. اگر نایب گرفته شود، در مقام، خوانده شود بهتر است و تا نخوانده اید حرمت نساء باقی است.

ص: ۲۴۷

استفتائات سعی

سؤال«۵۰۶»- کسی که در اثنای سعی، متوجّه شود که طواف او بیش از هفت دور بوده است، تکلیف او چیست؟

ج- می تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین دور زاید طواف و مقدار باقیمانده تا ۱۴ دور، طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد، تقصیر نماید.

سؤال«۵۰۷»- اگر از مَروِه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست، به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج- باید سعی را اعاده کند و در هر صورت، تقصیر

ص: ۲۴۸

كند.

سؤال«۵۰۸»- كسى بعد از اتمام دور ششم سعى در صفا، گمان تمام شدن هفت دور را كرد و تقصير نمود، ولى فوراً به او گفته اند كه بايد يك دور ديگر به جا بياورى، او هم انجام داد و بعد بار ديگر تقصير نمود. آيا عمل او صحيح است يا خير؟ و كفاره دارد يا نه؟

ج- عمل، صحيح است و كفاره او يك گاو است بنابر احوط بلكه اظهر در عمره تمتّع.

سؤال«۵۰۹»- كسى در اثناء سعى، براى آب خوردن از مسير منحرف شده و پس از خوردن آب، ادامه داده است. چه صورتى دارد؟

ج- اگر سعى را قطع نكرده و به نيّت سعى، حركت را ادامه داده است و در بين راه، آب خورده يا اگر قطع كرده، از جايى كه سعى را قطع كرده يا مُحاذى آن سعى را تمام كرده، صحيح است.

سؤال« ۵۱۰»- كسى كه طواف و نماز آن را انجام

داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج- لازم نیست، ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد، تأخیر بیندازد.

سؤال«۵۱۱»- آیا زن هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف، نایب می گیرند، در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟

ج- محل سعی، مسجد نیست و سعی را باید خودشان به جا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

سؤال«۵۱۲»- اگر کسی یقین کند که هفت دور سعی بین صفا و مروه را تمام کرده، ولی بعد از تقصیر، متوجّه می شود که پنج دور بوده است، اولاً: آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو دوری را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ ثانیاً: آیا تقصیر هم باید بکند یا تقصیر اول کافی است؟

ج- باید سعی را تمام کند و احتیاط واجب آن است

ص: ۲۵۰

که تقصیر را اعاده نماید و اگر در عمره تمتّع بوده، کفاره او یک گاو است.

سؤال«۵۱۳»- شخصی بعد از طواف عمره تمتّع، گم شده و بعد از پیاده شدن به رفقایش گفته که سعی صفا و مروه را به جا آورده ام و تقصیر نموده و مُحرِم شده برای حجّ تمتّع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و مِنی و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حجّ، اظهار کرده است که مثل این که من در اعمال عمره، به صفا نیامده ام؛ همین طور گفته اند که ان شاءاللّه آمده ای. بعد از مراجعت به ایران، چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده و قبل از فوتش وصیّت نموده است، برای او نایب بگیرند. اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد، وراث او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال حجّ او را انجام بدهم؛ نظر حضرت عالی چیست؟

ج- ورثه لازم است، شما را نایب بگیرند برای عمل حجّ تمتّع، ولی باید نایب، اول به عنوان عمره

مفرده عمل را تمام کند، سپس حجّ را انجام دهد.

سؤال«۵۱۴»- بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می روند و از طرف دیگر آن برمی گردند، یعنی بین رفت و برگشت، دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود، اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

سؤال«۵۱۵»- شخصی در حال سعی کردن بود، ناگهان دید مقداری را که برای هروله، علامت گذاری کرده اند، به طور عادی سیر کرده است، گمان می کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد؛ آیا سعی او اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد، اگر به قصد انجام وظیفه واقعیه باشد.

ص: ۲۵۲

سؤال«۵۱۶»- شخصی در سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید، برای دور بعدی شروع نمی کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می آید و شروع می کند، و در این مقدار، متوجّه نیست که با نیّت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می کنی جواب می دهد سعی می کنم، آیا مضر نیست؟

ج- راه رفتن مزبور روی کوه، مضر به سعی نیست، و در فرض مسأله، سعی، صحیح است.

سؤال«۵۱۷»- آیا سعی کردن از همان جا که مریض ها را با چرخ، می برند و بر می گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سراشیبی شروع می کنند.) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مَروه هم به سنگ های سیاه بعد از سنگ های صاف که بقایای کوه است، برسند؟

ج- سعی باید بین دو کوه باشد و اِحراز شود، لازم نیست بالا برود.

ص: ۲۵۳

سؤال«۵۱۸»- در مَناسِک فرموده اید: «کسی که بین صفا و مروه، سعی می کند، واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است، توجهش به مروه باشد، و بالعکس»، آیا این وجوب توجّه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج- وضعی است.

سؤال«۵۱۹»- گاهی انسان در اثر ازدحام، جهت رفتن برای سعی، ناچار است که از مسجدالحرام عبور کند. در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست؟ آیا برای سعی هم مثل طواف، نایب بگیرند؟

ج- اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند، باید تأخیر بیندازند، اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می رسد و بر فرض مخالفت، چنان چه از آن راه رفت و خودش سعی را انجام داد، سعیش صحیح است، اگر چه گناه کرده است.

سؤال« ۵۲۰»- زیادی در سعی، جهلاً، آیا حکم

زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج- بنابر اظهر، سعی باطل نمی شود، هر چند احتیاط در اعاده است.

سؤال«۵۲۱»- کسی که نمی تواند بدون سوار شدن در چرخ های معمولی در مسیر، سعی کند، لکن تمکّن مالی ندارد، چون ارز خود را صَرف سوغات کرده است، وظیفه اش چیست؟

ج- اگر می تواند با چرخ، سعی کند، ولو با فروش چیزی یا قرض، باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست، مگر آن که مَشَقت و حَرَج در کار باشد.

سؤال«۵۲۲»- شخصی دور سوم سعی را به هم زد و با فاصله اندکی، هفت دور دیگر به جا آورد و تقصیر نمود؛ آیا این سعی صحیح است؟

ج- احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده نماید.

سؤال«۵۲۳»- شخصی به اعتقاد این که هر دور

سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع می کند و در دور سوم متوجّه مسأله می شود و سعی خود را به هفت دور خاتمه می دهد؛ سعی او چه حکمی دارد؟

ج- سعی او صحیح است.

سؤال«۵۲۴»- شخصی در حال سعی، گاهی عقب عقب به طرف مَروه و یا صفا رفته است؛ تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را دوباره انجام دهد و اگر از آن محل، گذشته است، سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

سؤال«۵۲۵»- سعی از طبقه دوم فعلی که بالاتر از کوه صفا و مروه می باشد، جایز است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

سؤال«۵۲۶»- شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی، گاهی به عقب برمی گشته و بدون

توجّه، مجدداً همان مسافت را طی می کرده، آیا سعی او صحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

سؤال«۵۲۷»- شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده دور می شود، انجام داده است، آن گاه که متوجّه مسأله شد، سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد؛ تکلیف چیست؟

ج- در فرض سؤال، احوط، اعاده سعی و تقصیر است.

سؤال«۵۲۸»- شخصی به تصور این که رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته، لذا برای اعاده آن مقدار وارد سعی شده و بعد به نیّت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوباره طی کرده است؛ آیا سعی او درست است؟

ج- اگر به نیّت احتیاط عمل کرده باشد، ضرر ندارد.

ص: ۲۵۷

سؤال«۵۲۹»- شخصی به تصور این که سعی نیز نیاز به وضو دارد، بعد از یک دور و نیم، سعی خود را قطع می کند و وضو می گیرد و هفت دور دیگر سعی می نماید، تکلیف او چیست؟

ج- باید احتیاطاً سعی را اعاده نماید.

سؤال«۵۳۰»- کسی که قدر متیقن عدد اشواط را می داند، امّا تردید دارد که دور بعدی را انجام داده یا نه، مثلاً می داند که پنج دور انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- فرض مزبور، شک در ادوار، مبطل است.

سؤال«۵۳۱»- اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج- از اِحرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی و تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد، اگر در عمره تمتّع باشد.

سؤال«۵۳۲»- اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در

به جا آوردن هفت و نه، شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج- مبطل است، و باید سعی را اعاده کند.

سؤال«۵۳۳»- آیا موالات در تمام دورهای سعی، معتبر است، و یا اختصاص به بعض دارد؟

ج- بنابر احتیاط لازم، موالات، معتبر است در تمام دورها خصوصاً در دور اول.

سؤال«۵۳۴»- اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن، غیر از وجه و کَفِین، پیدا باشد، آیا به سعی او ضرر می زند یا نه؟

ج- ضرر نمی رساند.

سؤال«۵۳۵»- شخصی در حال سعی، در عدد دورها شک می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آن که صد متر، سعی کرده یا وارد دور بعدی شده است، یقین به عدد، حاصل می شود و با

یقین، باقی سعی را هم انجام می دهد؛ آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج- صحیح است.

سؤال«۵۳۶»- شخصی سعی خود را نیّت کرده و در هنگام سعی، شخص بیماری را نیز حمل کرده و مقداری هم با چرخ، او را سعی داده و برده است و در بین سعی، معطّل شده است؛ آیا اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد، مگر معطّلی او به حدّی زیاد باشد که سعی او و موالات عرفیه به هم بخورد.

سؤال«۵۳۷»- آیا می توان بین طواف و سعی، چهار الی پنج ساعت، بدون عذر، فاصله انداخت؟

ج- مانعی ندارد، البته احتیاط واجب آن است که بدون عذر تا شب، سعی را به تأخیر نیندازد.

سؤال«۵۳۸»- اگر کسی در سعی به استحباب هروله عمل نکرد و پس از رد شدن از محل هروله، به فکر جبران افتاد و به محل هروله مراجعت کرد، آیا

این زیادی، مُخلّ در سعی است؟

ج- چون قصد عمل به استحباب را دارد، زیادی مُخلّ در سعی نیست.

سؤال«۵۳۹»- شخصی در عمره مفرده، سعی را پنج دور انجام داده و بقیه اعمال را تمام نموده و بعد از مدّتی مجدداً مُحرِم به عمره تمتّع شده و پس از تمام شدن آن، متوجّه شده که سعی قبلی ناقص انجام شده است؛ وظیفه اوچیست؟

ج- اگر سهواً دو دور سعی را ناقص به جا آورده است، باید مقدار ناقص از سعی را تمام کند و بعد مجدداً تقصیر کند و یک گاو کفاره بدهد، بنابر احوط، و عمره تمتّع او صحیح است، امّا اگر از روی جهل به مسأله بوده است، باید سعی و تقصیر را انجام دهد و مجدداً مُحرِم به عمره تمتّع شود.

سؤال«۵۴۰»- کسی که سه یا چهار دور از سعی را انجام داده و از انجام بقیه آن، عاجز شده است؛

وظیفه او چیست؟

ج- باید نایب بگیرد تا او یک سعی کامل به نیّت ما فی الذمه به جا بیاورد.

سؤال«۵۴۱»- اگر کسی بعد از وقوف در عرفات بفهمد که طواف و سعی او در عمره تمتّع، باطل بوده است، چه حکمی دارد؟

ج- حجّ او صحیح است و باید بعد از بازگشت از مِنی، ابتدا قضای طواف و سعی عمره را انجام دهد و سپس اعمال حجّ را تمام کند.

سؤال«۵۴۲»- بعضی از حجّاج با این که قدرت بر پیاده روی دارند، در سعی سوار چرخ های موجود می شوند؛ آیا سعی آن ها صحیح است؟

ج- سعی صحیح است.

سؤال«۵۴۳»- اگر بدون ذکر و دعا سعی کند، مثلاً ساکت باشد یا با کسی حرف بزند، چه حکمی دارد؟

ج- مانعی ندارد، امّا بهتر است که در هنگام سعی،

با خضوع و خشوع و ذکر الهی باشد.

سؤال«۵۴۴»- شخصی در عمره مفرده، سعی را ناقص انجام داده و تقصیر کرده و پس از آن عمره تمتّع به جا آورده است؛ وظیفه او چیست؟

ج- اگر سهواً سعی را ناقص به جا آورده است، عمره تمتّع او صحیح است، امّا باید سعی و تقصیر را مجدد به جا آورد و یک گاو، کفاره بدهد و اگر از روی جهل به مسأله بوده است، اِحرام عمره تمتّع، باطل است و باید سعی و تقصیر را اعاده کند و یک گاو کفاره بدهد احتیاطاً و بعد مُحرِم به اِحرام عمره تمتّع شود.

سؤال«۵۴۵»- شخصی در اثناء عمره مفرده، در دور پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است که عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته است به مکّه بیاید؛ فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح، آن که کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از اِحرام

خارج می کند، به جا آورد.

ج- با فرض این که خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب‌عنه از اِحرام، سعی را تمام و آن را اعاده نماید، به قصد آن چه در ذِمّه منوب‌عنه و به منوب‌عنه خبر می دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر، برای طواف نساء نایب بگیرد. توضیح، آن که مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض، فعلاً خوب شده و این که نمی تواند به مکّه بیاید، از جهت مرض نیست.

استفتائات تقصیر و حَلق

سؤال«۵۴۶»- آیا کسی که تقصیر او محکوم به بُطلان است و بعد از آن، مُحرَمات اِحرام را به جا آورده و جاهل به مسأله بوده است، کفاره دارد یا خیر؟

ج- با جهل، کفاره ندارد، مگر در صید و بعضی دیگر از آن مُحَرَمات اِحرام به تفصیلی که در جای خود ذکر شده است.

سؤال«۵۴۷»- کسی که بعد از سعی، در عمره تمتّع، تقصیر کرد، بعد به شک افتاد، آیا تقصیری که انجام داده، صحیح است یا نه؟

ص: ۲۶۵

ج- اگر در حال عمل، عالم به مسأله و مُلتَفِت بوده است، اشکال ندارد.

سؤال«۵۴۸»- یکی از خدمه کاروان ها با اِحرام عمره مفرده از میقات، مُحرِم می شود و به مکّه می آید و طواف و نماز آن و سپس سعی بین صفا و مروه را به همان عنوان به جا می آورد، ولی برای تقصیر، گمان می کند که نتف (یعنی: کندن مو) کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر، کَند و به حساب خودش از اِحرام خارج شد، سپس برای عمره تمتّع که وظیفه اش بوده، به میقات رفت و مُحرِم شد و به مکّه آمد و کلیه اعمال، از طواف تا تقصیر را، انجام داد، اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه اش چیست؟

ج- کَندن مو در تقصیر، کافی نیست، و عمره تمتّع او صحیح نیست، مگر آن که قبل از اِحرام برای آن، از اِحرام عمره مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.

سؤال«۵۴۹»- اگر کسی تقصیر عمره مفرده را

فراموش کرد، آیا می تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج--تقصیر را در هر جا می تواند، انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند، اگر خودش نمی تواند برود، نایب بگیرد.

سؤال« ۵۵۰»- هرگاه یک فرد سُنی برای شیعه، تقصیر نماید، چه حکمی دارد؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال« ۵۵۱»- شخصی در حجّ، به عوض تقصیر در عمره تمتّع یک مو از بدن کَنده است و الآن که متوجّه شده است، آیا حجّ او اشکال دارد یا نه؟ و در صورتی که مرتکب خلاف شده باشد، تکلیف چیست؟

ج- اگر حجّ را انجام داده، با عمل مزبور از اِحرام، فعلاً خارج شده است، چنان چه حجّ واجب بوده، واجب است که یک عمره مفرده به جا آورد و بعد از آن احتیاطاً در سال بعد، حجّ تمتّع را اعاده

نماید.

سؤال«۵۵۲»- شخصی بعد از طواف و نماز طواف، تقصیر کرد و سپس سعی را به جا آورد و دوباره تقصیر کرد؛ وظیفه اش چیست؟

ج- اگر در عمره تمتّع بوده است، باید یک گاو کفاره بدهد.

سؤال«۵۵۳»- کسانی که اعمال حجّ را بر وُقوفین، مقدم می دارند، اگر بعد از سعی، تقصیر نمودند، آیا مُحلّ می شود یا باید کفاره بدهد؟

ج- محل کفاره نمی شوند، و اگر جاهل یا ساهی بوده اند، کفاره ندارد.

سؤال«۵۵۴»- اگر کسی به جای تقصیر، حلق نمود، آیا کفایت می کند؟

ج- در عمره تمتّع، کفایت نمی کند و کفاره او یک گوسفند است، در صورت عمد و در غیرش بنابر احتیاط واجب است.

سؤال«۵۵۵»- کسی که بعد از انجام اعمال عمره، در منزل، تقصیر کرده است، وظیفه اش چیست؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۵۵۶»- حضرت عالی در مسأله دوم تقصیر می فرمایید: «اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد، عمره اش باطل است»، مقصود از بطلان عمره چیست؟ وظیفه او چه می شود؟

ج- مقصود این است که در تقصیر، ریا کند و بدون این که مجدداً تقصیر کند، برای حجّ، مُحرِم شود و حجّ انجام دهد، که در این صورت، حکم کسی را دارد، که بدون تقصیر، وارد اعمال حجّ شده است و در هر صورت لازم است، حجّ تمتّع را در سال بعد به جا آورد.

سؤال«۵۵۷»- کسی که در اثناء سعی، تقصیر نمود است، وظیفه او چیست؟

ج- باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، ولی اگر از روی نسیان یا جهل، تقصیر کرده،

تقصیر را اعاده کند و اگر در عمره تمتّع است، یک گاو کفاره بدهد، و اگر از اول سعی، قصد هفت دور نداشته است، سعی اعاده دارد.

سؤال«۵۵۸»- اگر کسی از روی جهل، تقصیر را ترک نمود، چه حکمی دارد؟

ج--در این مسأله، جهل، حکم عمد را دارد.

سؤال«۵۵۹»- در عمره مفرده، اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟

ج- باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید و فرقی بین صُوَر عمد و سهو و علم و جهل نیست بنابر احتیاط، مگر در صورت حاجت، در حالی که مُحرِمند به اِحرام حجّ.

سؤال« ۵۶۰»- زنی که حیض بوده و نمی دانسته و اعمال عمره را کلاً به جا آورده، بفرمایید که باید دوباره به جا آورد یا کافی است؟

ج- اگر در وسعت وقت است، باید طواف و نماز و

سعی و تقصیر را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد، وظیفه اش مُبَدّل به حجّ اِفراد می شود، سپس عمره مفرده را به جا آورد.

سؤال«۵۶۱»- هم چنان که تراشیدن سر، بعد از عمره تمتّع و قبل از اِحرام حجّ، حرام است؛ آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را داراست؟

ج- غیر از حکم تراشیدن ریش در غیر این مورد، حکم خاصی ندارد.

سؤال«۵۶۲»- آیا زن و شوهر می توانند برای یکدیگر تقصیر کنند؟

ج- باید ابتدا یکی از آن دو برای خود تقصیر کند و سپس برای دیگری تقصیر نماید.

سؤال«۵۶۳»- اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً ـ یا نسیاناً به جا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره و برای عمره تمتّع مُحرم شده و عمره تمتّع را به جا آورده و بعد متوجّه نقض کار خود شده است؛ تکلیف این شخص با

داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتّع و نداشتن فرصت چیست؟

ج- در فرض مرقوم چنان چه عمره مفرده را در ماه های حجّ آورده چه حجّ مستحبی چه حجّ واجب می تواند عدول به عمره تمتّع کند، چه وقت برای اعاده عمره تمتّع داشته باشد یا نه.

سؤال«۵۶۴»- کسی که سفر اول حجّ او است، در وقتی که سَلمانی، سر او را برای حَلق می تراشیده، مشغول گرفتن ناخن های خود بوده و غافل بوده که نباید این کار را بکند، آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج- چیزی بر او نیست.

سؤال«۵۶۵»- کسی که در غیر مِنی، حلق نموده و اعمال مُتَرتبه را انجام داده و پس از آن، عمره مفرده انجام داده، آیا مُحلّ شده است یا نه؟ عمره مفرده او صحیح است یا نه؟

ج- اگر از روی جهل یا غفلت، در غیر مِنی، حلق کرده باشد، خروج از اِحرام ظاهراً حاصل شده و

عمره او محکوم به صحّت است، گر چه وظیفه، در صورت امکان، برگشتن به مِنی و اعاده آن می باشد.

سؤال«۵۶۶»- گفته می شود که مسلخ جدید در مِنی نیست و اشخاص، پس از قربانی در آن جا و بیرون آمدن، پشت همان جا حلق و تقصیر کرده اند؛ وظیفه آنان چیست؟

ج- اگر ذبح و حلق و تقصیر در مِنی نبوده و از روی جهل یا غفلت و یا عدم امکان ذبح در مِنی صورت گرفته است، اعاده لازم ندارد، گر چه در صورت امکان برگشتن به مِنی و اعاده آن می باشد.

سؤال«۵۶۷»- در مسأله سابق، کسانی که بعد از حلق و تقصیر مزبور به مکّه آمده اند و اعمال مکّه از قبیل طواف و سعی و طواف نساء را انجام داده اند و بعد متوجّه شده اند که حلق و تقصیر در مِنی نبوده، آیا اعمال مکّه آنان صحیح است؟

ص: ۲۷۳

ج- در فرض مزبور، صحیح است، مگر آن که از روی علم انجام داده که باید بر گردد و اعمال مِنی را انجام دهد و بقیه اعمال را بعداً به جا آورد.

سؤال«۵۶۸»- کسی که سال قبل هم به حجّ مشرف شده و حلق را در خارج مِنی انجام داده است و امسال هم حلق را در خارج مِنی نموده، چه وظیفه ای دارد، اگر اعمال مکّه را انجام داده، صحیح است یا خیر؟

ج- حلق را در مِنی اعاده کند و یک حلق، کافی است و بعد، طواف و نماز و سعی سال قبل را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را نیز به جا آورد و بعد، یک طواف نساء و نماز انجام دهد و کفایت می کند، گر چه ظاهر این است که اِحرام برای عمره و حجّ امسال صحیح نبوده است.

سؤال«۵۶۹»- اگر در موردی که حاجی باید حلق کند به جای حلق، تقصیر کرده است، وظیفه اش

چیست؟ آیا کفاره دارد یا نه؟

ج- اگر جاهل به مسأله بوده، کفاره نـدارد و در فرض علم، احوط است و در فرض مسأله بنابر احتیاط بایـد حلق را انجام دهد و چنان چه اعمال مکّه را به جا آورده، اعاده کند.

سؤال« ۵۷۰»- کسـی که سال دوم حجّ او است و سال قبل برای خودش حجّ نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری، حجّ به جا می آورد، آیا در سفر دوم، حکم صروره را دارد که باید حلق کند یا تقصیر، کافی است؟

ج- تقصیر، کفایت می کند.

سؤال« ۵۷۱»- شخصی در سال ۶۰، نایب شـخص دیگری شد، و برای اولین بار آمد مکّه و در مرز بین وادی محشر و مِنی، حلق نمود، به اعتقاد این که این جا جزء مِنی است. یک سال بعد باز به مکّه مشـرف شد، برای خودش به عنوان حَجّهالاسـلام، و در مِنی تقصیر نمود، به خیال این که حلق قبلی و اعمال

حجّ گذشته او صحیح بوده است. سال ۶۵، باز به مکّه مشرف شد و به عنوان ما فی الذِمه، مُحرِم شد، در این بین، متوجّه شد که حلق سال اول در خارج مِنی بوده است؛ به نظر شما کافی نیست که امسال حلق را در مِنی به قصد ما فی الذمه، انجام دهد و بقیه اعمال را نیز به قصد ما فی الذمه، به جا آورد، آیا این کار کافی است یا نه؟

ج- کفایت می کند و از منوبٌ عنه واقع می شود، و باید حَجَّهالاسلام را اعاده کند بنابر احتیاط واجب.

سؤال«۵۷۲»- اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند، آیا جایز است و حلق صدق می کند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز می تراشد.

ج- تا حلق تمام نشده است، کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است.

سؤال«۵۷۳»- کسی که فقط می تواند وقوفین اضطراری را درک کند و برای بقیه اعمال خود، نایب می گیرد، آیا می تواند حلق را در غیر از مِنی انجام دهد؟

ج- باید در مِنی، حلق کند و حلق در غیر مِنی کافی نیست، مگر آن که نتواند به مِنی برود.

سؤال«۵۷۴»- شخصی دو موضع در سرش شکسته است. ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد، اگر تقصیر نماید، مُجزی است یا وظیفه دیگری دارد؟

ج- اگر امید خوب شدن در حدّی که بتواند حلق را تمام نماید، تا آخر ایّام تشریق دارد، تأخیر بیندازد، و هم چنین اعمال مترتبه را و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر، خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را می تواند بتراشد و حلق را مقدم بدارد و تقصیر هم بکند.

سؤال«۵۷۵»- شخصی سال گذشته، قربانی و حلق

را در غیر مِنی (خارج از منی) انجام داده و پس از خاتمه اعمال، به ایران برگشته است و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حجّ دارد؛ بفرمایید که وظیفه او چیست؟ و آیا می تواند برای خود یا دیگری حجّ به جا آورد یا نه؟

ج- بعید نیست که از اِحرام خارج شده و حجّ سابق، صحیح باشد، ولی باید اعمال مترتبه را قبلاً انجام دهد شخصاً یا نایب بگیرد سپس حجّ را به جا بیاورد.

سؤال«۵۷۶»- در روز عید قربان که حاجی باید حلق کند و از طرفی تراشیدن و کَندن مو بر مُحرِم حرام است، آیا حجّاج باید بعد از تقصیر افرادی که مُخَیَر بین حلق و تقصیر هستند، از وجودشان برای حلق استفاده کنند یا در آن وقت برای شخص، جایز است که سر خود را بتراشد، آیا فرق است بین تراشیدن سر خود و تراشیدن سر دیگری، در هر حال تکلیف شرعی او چیست؟

ج- خودش می تواند خود را حلق کند و می تواند به کسی که از اِحرام به حلق یا تقصیر خارج شده است، واگذار کند که او را حلق نماید، اگر کسی که از اِحرام خارج نشده باشد، او را حلق کند، کفایت کردن آن خالی از اشکال نیست.

سؤال«۵۷۷»- کسی که در حجّ، وظیفه اش سر تراشیدن است و از اول می داند که با تیغ کشیدن، سرش خون می آید، بفرمایید که آیا سرش را باید بتراشد یا نه؟

ج- باید سر را بتراشد.

سؤال«۵۷۸»- در مَناسِك آمده است: «کسی که سال اول حجّ او باشد، بنابر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد»، آیا می توان در این احتیاط واجب به دیگری رجوع کرد؟

ج- حکم سایر احتیاطات را دارد، لکن چون امر مهمی است، این احتیاط را مراعات کنید.

سؤال«۵۷۹»- کسی که حلق را فراموش کرده و به

ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟

ج- بایـد حلق و اعمال مکّه مترتبه بر حلق را انجام دهـد، و اگر نمی توانـد، خودش به مکّه برود، در محل خودش حلق کند و لازم است که موی خود را به مِنی بفرستد و برای اعاده اعمال مکّه، نایب بگیرد.

سؤال« ۵۸۰»- کسی که وظیفه او حلق است، ولی از حلق، معذور است، وظیفه او چیست؟

ج- در این مورد لزوم و کفایت تقصیر، بعید نیست.

سؤال« ۵۸۱»- اگر کسـی قربانی را از روی عمـد تأخیر بیندازد، آیا می تواند حلق و یا تقصـیر نماید و یا باید حتماً بعد از قربانی باشد؟

ج- باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد، بنابر احتیاط.

سؤال« ۵۸۲»- شخصـی در روز عید قربان در حال رَمیِ جَمَره عَقَبه، پول خود را گم کرد و چون پول برای هدی نداشت، آن را مبدل به روزه کرد و تصمیم دارد

ص: ۲۸۰

بعد از ایّام تشریق، شروع به سه روز روزه نماید؛ آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را سه روز روزه انجام دهد یا همان روز عید، حلق یا تقصیر نماید؟

ج- می تواند روز عید، حلق یا تقصیر نماید.

سؤال«۵۸۳»- شخصی که صروره نیست و می تواند تقصیر کند، آیا اگر ریش بتراشد، صرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر می کند یا نه؟

ج- کفایت نمی کند.

سؤال«۵۸۴»- عصر عید قربان بعد از هدی که دوستان، سر می تراشیدند و من هم به این فکر که باید سر را بتراشیم، رفتم و سر خود را تراشیدم، و نگفتم که سر می تراشم برای حجّ تمتّع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟

ج- اگر سر را به عنوان این که وظیفه شما سر تراشی است و از اعمال حجّ است، تراشیده اید، صحیح است هرچند نیّت را نگفته باشید.

سؤال«۵۸۵»- چون من از سر تراشیدن بدم می آید، آیا می توانم به جای سر تراشیدن، تقصیر کنم و آیا آن کار گناهی هم دارد یا نه؟

ج- در سفر اول در مِنی باید سر بتراشد علی الاقوی و اگر نتراشید، گناه کرده اید، ولی خروج از اِحرام با تقصیر، خالی از وجه نیست.

سؤال«۵۸۶»- حاجی در محل ذبح، بعد از قربانی، فوراً تقصیر کرده که دچار تطهیر نجاست بدن و لباس اِحرام نگردد و بعد از رسیدن به چادر، حلق کند، از یک طرف صروره است و از طرفی در حلق، قصد اِحلال نکرده است، تکلیفش چیست؟

ج- تقصیر در صورت جهل، کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال، انجام داده، کافی است وگرنه باز هم حلق لازم است، ولی اگر نکرد، خروج از اِحرام بواسطه تقصیر، بعید به نظر نمی رسد.

سؤال«۵۸۷»- شخصی که در حجّ، مُخیر بین حلق

و تقصیر بوده است، حلق را انتخاب کرده و مشغول حلق می شود. بعد از این که مقداری از سر را حلق کرد، پشیمان می شود و می خواهد که حلق را قطع کرده و با تقصیر، از اِحرام خارج شود. بفرمایید که آیا در این صورت باز هم تَخییر باقی است و این مرد با تقصیر، از اِحرام خارج می شود یا این که حلق، متعین شده و باید حلق را تمام کند؟

ج- تخییر باقی است و می تواند با تقصیر از اِحرام خارج شود.

سؤال«۵۸۸»- شخصی در حجّ، مُخیر بین حلق و تقصیر بود و حلق را اختیار کرد، ولی به جای تیغ، سرش را با ماشین ته زن، ماشین کرد. آیا کفایت می کند؟

ج- حلق کردن با ماشین ته زن، کفایت از حلق نمی کند.

سؤال«۵۸۹»- کسی که در حجّ، نایب دیگری است، گرچه نایب سال اول او نیست، ولی منوبٌ عنه

تاکنون حجّی به جا نیاورده است، آیا باید حلق کند؟

ج- نایب باید طبق وظیفه خود عمل کند و تقصیر هم کفایت می کند، گرچه احتیاط در حلق است.

سؤال«۵۹۰»- کسی که واجب است حلق را اعاده کند، چه تکلیفی دارد؟

ج- تیغ را به سر بکشد، کفایت می کند.

سؤال«۵۹۱»- کسی که عمره مفرده انجام می داد، بدون این که تقصیر کند، طواف نساء را به جا آورد؛ وظیفه او چیست؟ آیا عمره او باطل است یا نه؟

ج- عمره باطل نمی شود، ولکن باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده نماید و بدون آن حرمت نساء باقی است.

سؤال«۵۹۲»- اینجانب حدود شانزده سال قبل، نیابتاً به مکّه معظمه مشرف شده و در مِنی چون سفر اول بوده است و می دانسته ام که طبق تقلید حضرت عالی باید در سفر اول، حلق کنم و نمی دانستم

که ماشین ته زن با تیغ فرق دارد و به جای تیغ با ماشین ته زن، سر خود را تراشیدم و بعد از آن سفر هم دو سفر دیگر مشرف شدم و در سفرهای بعدی سر خود را ماشین نموده و ناخن هم گرفته ام، لطفاً بفرمایید که در سفر اول که به جای تیغ با ماشین، سرم را تراشیدم، در مقابل این کار وظیفه ام چیست؟ آیا این عمل سفر اول در سفرهای بعدی خللی وارد آورده یا ذِمِه ام بَری شده است؟

ج- شما در صورت امکان باید به مکّه بروید و در مِنی حلق کنید و بعد از آن طواف و نماز و سعی نساء و نماز آن را به جا آورید و در این اعمال، نیّت اتمام حجّ سفر اول را بکنید و بعد از آن چیزی بر شما نیست، اگر خودتان نمی توانید بروید یا رفتن برای شما حَرَجی است، در محل خود حلق کنید و در صورت امکان باید موی آن را به مِنی بفرستید و در بقیه اعمال فوق، نایب بگیرید و نسبت به دو سفر دیگر که آیا صحیح و کافی بوده یا نه احتیاط را مراعات نمایید.

سؤال«۵۹۳»- آیا شخص، قبل از ذبح قربانی به صِرف خرید آن می تواند حلق کند؟

ج- تا قبل از انجام قربانی، حلق کردن جایز نیست.

سؤال«۵۹۴»- شخصی برای ذبح، نایب گرفته است؛ آیا بعد از آن که اطمینان پیدا کرد که ذبح انجام شده است، می تواند حلق کند یا باید صبر کند تا نایب بیاید و به او خبر ذبح شدن را بدهد؟

ج- اگر اطمینان پیدا کند که نایب، ذبح را انجام داده است، حلق مانعی ندارد.

سؤال«۵۹۵»- کسی که قبل از ذبح قربانی به گمان این که قربانی را ذبح کرده اند، حلق کرده است، چه حکمی دارد؟

ج- اگر اطمینان به ذبح پیدا کرد و حلق را انجام داد و سپس خلاف آن آشکار شد، حلق او صحیح است و نیازی به اعاده نیست.

سؤال«۵۹۶»- چند سالی است که دولت عربستان

با همکاری بانک توسعه اسلامی، مَسلَخ های جدیدی در خارج از مِنی احداث نموده که در نتیجه مذبوحات حجّاج در آن ها انجام و با روش های جدید، منجمد می شود و گوشت آن ها جهت استفاده مسلمانان فقیر و کشورهای محروم اسلامی ارسال می گردد. ولی شیعیان به جهت محدود بودن این مَسلَخ ها و فراهم نبودن شرایط و لزوم مراعات ترتیب بین اعمال روز عید، به ناچار در همان مَسلَخ های قدیمی که آن ها نیز خارج از مِنی می باشند، ذبح می کنند، در نتیجه گوشت بسیاری از این قربانی ها تلف می شود (سوازانده و از بین می رود). علاوه بر این، عَرضه حیوان های دارای شرایط در مَسلخ های قدیم، بسیار کمتر از مَسلَخ های جدید است و نیز به دلیل ازدحام زیاد آن جا در عصر روز عید، بسیاری از شیعیان عمداً ذبح را تا روز یازدهم تأخیر می اندازند. حال با این توصیف، چنان چه زائران مُلزَم به رعایت ترتیب در اعمال مِنی نباشند، بدین معنی که بتوانند قبل از

رَمی، قربانی و سپس حلق و تقصیر کنند، از اِحرام خارج شوند و یا سازمان حجّ و زیارت به نیابت آنان از صبح روز دهم، ذبح را انجام دهد، با توافق به عمل آمده با کشور عربستان می توان گوشت های قربانی را به ایران حمل و میان فقرا توزیع نمود. مستدعیست که نظر مبارک خود را در این خصوص مرقوم فرمایید؟

ج- بنابر احتیاط باید ذبح، بعد از رَمی انجام گیرد و باید حلق نیز بعد از قربانی باشد و تخلّف عمدی این ترتیب، جایز نیست و اگر قربانی در روز عید انجام نگیرد، در روز عید، حلق کنند و از اِحرام خارج شوند و سپس روز یازدهم، قربانی کنند.

سؤال«۵۹۷»- حلق یا تقصیر در شب، چه حکمی دارد؟

ج- بنابر احتیاط واجب باید حلق در روز باشد و در شب، جایز نیست و تأخیر آن از روز عید، خلاف احتیاط است.

ص: ۲۸۸

سؤال«۵۹۸»- کسی که خارج از مِنی، حلق کرده است، آیا می شود در غیر ماه ذی الحجّه اعاده کرد و آیا پوشیدن اِحرام لازم است؟

ج- اگر حلق در خارج مِنی از روی جهل یا غفلت و یا عدم امکان ذبح و حلق در مِنی بوده باشد، نیازی به اعاده ندارد، گرچه اگر امکان دارد، برگردد به مِنی و اعاده کند و لازم نیست در ماه ذی الحجّه باشد و پوشیدن اِحرام نیز ضرورت ندارد.

سؤال«۵۹۹»- اَفضل، حلق است یا تقصیر؟

ج- حلق، اَفضل است.

سؤال«۶۰۰»- کسانی که مو را روی سر خود کاشته اند، در مورد حلق چه وظیفه ای دارند؟ در وضو و غسل وظیفه آن ها چیست؟

ج- در صورتی که حلق برای او موجب حَرَج نباشد، باید حلق کند و إلّا باید تقصیر کند و یک گوسفند کفاره بدهد و در وضو نیز فرق خود را باز کند و

بیخ مو را مسح بکشد و در غسل هم موها را بشوید به گونه ای که پوست سر، خیس شود.

سؤال«۶۰۱»- گاهی مشاهده می شود که بانوان، پس از سعی، برای تقصیر، موی خود را می چینند و بدین سبب موهای آن ها ظاهر می شود و نامَحرَم می بینند. لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید و آیا به اعمال آن ها ضرر می زند؟

ج- به صحّت اعمال آنان ضرری نمی رساند، امّا نشان دادن مو به نامَحرَم، حرام است و باید ترک شود.

ص: ۲۹۰

احکام بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع

سؤال«۶۰۲»- کسی که در فاصله کمتر از یک ماه، که عمره مفرده انجام داده و به مدینه برگشته و بار دیگر قصد رفتن به مکّه دارد، آیا می تواند بدون اِحرام از میقات بگذرد و عمره مفرده ای نیز به جا نیاورد؟

ج- بله می تواند.

سؤال«۶۰۳»- شخصی بعد از انجام عمره تمتّع مریض و از انجام حجّ، منصرف شد و به ایران رفت و در مکّه کسی را وکیل کرد که برای فراغ ذِمّه او اقدام نماید. وظیفه در این مورد چیست؟ آیا مُحَرَمات اِحرام برای چنین شخصی حرام است؟

ص: ۲۹۱

ج- در فرض مسأله چنان چه سال اوّل استطاعت او بوده است و در اثر مرض از قـدرت انجام حـجّ مباشـرتاً یا بِالاستنابه افتاده باشـد، در این صـورت وجـوب حـجّ بر او موقـوف است، به بقـاء اسـتطاعت تـا سـال هـای بعـد؛ ولی در صـورتی که سـال اول استطاعت نبوده و حـجّ بر او از قبـل واجب بوده است، چنان چه مأیوس از خوب شـدن باشـد، بایـد در همان سال و اگر خوب نشـد، سال بعـد برای حجّ و عمره تمتّع نایب بگیرد، در صورتی که مأیوس از خوب شدن نباشد، نایب نمی تواند، بگیرد و باید خودش حجّ و عمره تمتّع را مجدداً انجام دهد، و در هر صورت فعلاً از اِحرام خارج و مُحَرَمات اِحرام بر او حلال شده است.

سؤال«۶۰۴»- شخصی که بعد از عمره تمتّع، دیوانه شده، آیا لازم است که او را برای حجّ، مُحرِم کنند و وظیفه چیست؟

ج- لازم نیست و بر دیوانه تکلیفی نیست.

ص: ۲۹۲

سؤال«۶۰۵»- اگر فاصله بین دو عمره، کمتر از ده روز باشد فرموده اید: «باید عمره دوم را به قصد رجاء به جا آورد»، آیا فرقی هست بین دو عمره مفرده از خود شخص و بین دو عمره مفرده ای که هر دو یا یکی از به نیابت از دیگران باشد یا نه؟

ج- برای خود اگر باشد، رعایت فاصله لازم است و إلّا اگر یکی برای دیگری یا هر دو چنین باشد، رعایت این شرط لازم نیست، البته در سابق، ذکر شده است که اگر مقدار فاصله کمتر از ده روز است نه یک ماه، باید به قصد رجاء آورده شود.

سؤال«۶۰۶»- مراد شما از ده روز که باید بین دو عمره فاصله باشد، ده روز کامل است، یعنی این که اگر روز اول در میان ظهر، عمره تمام شده، باید عمره بعدی روز یازدهم بعد از ظهر انجام شود و یا آن که روز دهم می تواند، عمره دوم را انجام دهد؟

ج- احتیاطاً ده روز که تمام شد، عمره بعدی را

شروع کند.

سؤال«۶۰۷»- اگر بین دو عمره کمتر از ده روز فاصله باشد، باید عمره دوم را به قصد رجاء انجام دهد. چنان چه عمره دوم، نیابت باشد، نایب می تواند برای آن اُجرت بگیرد یا خیر و چنان چه بر منوبٌ عنه انجام عمره مفرده، واجب باشد، کفایت می کند یا خیر؟

ج- لازم نیست و اُجرت گرفتن او بلا اشکال است.

سؤال«۶۰۸»- انجام عمره در ماه های حجّ، پیش از عمره تمتّع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین صروره و غیر صروره هست یا نه؟

ج- مانعی ندارد و فرق نمی کند، اگر رعایت فصل به ده روز را بنماید.

سؤال«۶۰۹»- شخصی اعمال عمره تمتّع را به پایان برده است و اکنون نمی تواند حجّ تمتّع به جا آورد؛ مثلاً برای خدمت به حجّاج، از سوی سازمان

حجّ و زیارت به حجّ آمده و اکنون سازمان مذکور، او را مأمور کرده است که در ایّام تشریق در مکّه بماند؛ وظیفه اش چیست؟

ج--تا مُضطَر نشده است، باید به حجّ ادامه دهد و ولی در صورت اضطرار، عمره تمتّع او مبدل به مفرده می شود و باید طواف نساء را هم انجام دهد و اگر حجّ تمتّع واجب بر ذِمِه اش بوده، لازم است که در سال های آینده به جا آورد.

سؤال«۶۱۰»- هم چنان که عمره مفرده را قبل از عمره تمتّع ولو با کمتر از فاصله شدن ده روز، تجویز فرموده اید، آیا بعد از عمره تمتّع هم با کمتر از ده روز فاصله تجویز می فرمایید، یا باید رجاءً انجام شود؟

ج- قصد رجاء، در این مقدار لازم نیست.

سؤال«۶۱۱»- بعضی از مراجع معظم فرموده اند: «خدمه ای که می خواهند به مکّه بروند و از مکّه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکّه، اگر فقط به جَدّه می روند، برای ورود به مکّه در مرتبه دوم و سوم

و بعد از آن اِحرام، واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و از آن جا بخواهند به مکّه بروند، باید در مسجد شجره، مُحرِم شوند برای عمره مفرده دیگر چنان چه میسر است»، نکته علمی فرق میان جَدّه و مدینه را بیان فرمایید؟

ج- در این جا فرق ندارد.

سؤال«۶۱۲»- خدمه کاروان ها که پس از انجام عمره تمتّع باید به عرفات و مِنی بروند، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر برگردند به مکّه، وظیفه آنان چیست؟

ج- جایز نیست که از مکّه خارج شوند مگر در مورد ضرورت و در این صورت باید برای حجّ، مُحرِم شوند و بیرون بروند، ولی اگر اِحرام برای آنان حَرَجی باشد و رفتن عرفات و مِنی بر آنان ضرورت دارد، می توانند بدون اِحرام به آن جا بروند.

سؤال«۶۱۳»- آیا بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع،

ص: ۲۹۶

ماشین کردن سر جایز است؟

ج- ماشـین کردن مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط، نباید سـر را بتراشد، و از ماشـین کردنی که مثل تراشیدن است، باید اجتناب شود.

سؤال«۶۱۴»- بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع که جایز نیست سر را بتراشد، آیا سر تراشیدن، کفاره دارد یا خیر؟

ج- کفاره، یک گوسفند ثابت است و بنابر احتیاط در جاهل یا ساهی نیز لازم است

سؤال«۶۱۵»- کسی که از کارمندان سازمان حجّ است و به ناچار باید بعد از عمره تمتّع و قبل از حجّ از مکّه خارج و به عرفات برود، با توجّه به این که حجّ او نیابتی است، آیا لطمه به حجّ او نمی زند؟

ج- ضرر به حجّ و نیابت نمی زند، ولی در صورت امکان باید مُحرِم شود به اِحرام حجّ و از مکّه خارج شود، علی الاحوط.

سؤال«۶۱۶»- بعضی از حجّاج، منزلشان از مکّه

خارج است، بعد از عمره تمتّع و قبل از اِحرام به حجّ تمتّع، خارج شدن آنان از مکّه چه حکمی دارد؟

ج- برای این اشخاص، خارج شدن از مکّه اشکال ندارد، چون منزلشان عرفاً یا جزء مکّه یا از توابع و نواحی آن است.

سؤال«۶۱۷»- اخیراً خط کمربندی در اطراف مکّه از پای جبل النور و جبل ثور می گذرد، که غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حجّ رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس، چه حکمی دارد؟

ج- حکم کلی مسأله معلوم است که اشکال ندارد، همان گونه که در مسأله قبل نیز بیان شد.

سؤال«۶۱۸»- خروج از مکّه برای کسی که عمره تمتّع انجام داده، برای کار غیر ضروری جایز است یا نه، و ملاک ضرورت چیست؟

ج- جایز نیست، ملاک ضرورت، عرف است.

سؤال«۶۱۹»- در عمره تمتّع استحبابی، آیا می توان

حجّ را انجام نداد؟

ج- لازم است که بعد از عمره تمتّع، حجّ تمتّع نیز به جا آورده شود.

سؤال«۶۲۰»- یکی از کارمندان سازمان حجّ و زیارت که بیش از یک ماه در مکّه بوده و همین مدّت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جَدّه می رود و در برگشت، بدون اِحرام وارد مکّه می شود؛ وظیفه اش چیست؟

ج- اگر جاهل مقصر باشد، مرتکب گناه شده است، که نوعاً چنین است و نسبت به اعمال بعد، به وظیفه خود عمل نماید.

استفتائات حجّ إفراد

سؤال«۶۲۱»- کسی که حجّش بدل به اِفراد شده است و باید بعد از حجّ، عمره مفرده به جا آورد، اگر سال بعد که به حجّ برود، بعد از اعمال حجّ، عمره مفرده را به جا آورد، کافی و مُجزی است یا نه؟

ج- احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده، برای عمره و حجّ دیگر مُحرِم نشود، هرچند اگر خلاف کرد، ضرر به صحّت عمره و حجّ او نمی زند.

سؤال«۶۲۲»- تأخیر عمره مفرده در حجّ اِفراد تا چه وقتی بلاعذر، جایز است؟

ج- عرفاً باید مبادرت نماید، علی الاحوط تأخیر نشود.

سؤال«۶۲۳»- در مواردی که حجّ تمتّع بدل به اِفراد می شود، چنان چه شخص، بعد از اعمال مِنی به جهت بیماری یا عذر دیگر یا از روی مسامحه، عمره مفرده را انجام ندهد و به وطن خود بازگردد، چه وظیفه ای دارد؟ آیا حجّ او کفایت می کند؟

ج- حجّ او صحیح است، امّا از حَجَّه الاسلام، کفایت نمی کند مگر این که بعد از حجّ، عمره مفرده را به جا آورد و اگر خودش نتوانست انجام دهد، نایب بگیرد.

ص: ۳۰۱

استفتائات وقوف

سؤال«۶۲۴»- حدودی که برای عرفات و مُزْدَلَفه و مِنی مشخص شده است، جهت انجام مَناسِک، اعتبار دارد یا نه؟

ج- چنان چه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد، معتبر است.

سؤال«۶۲۵»- کراهت صُعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیّت وقوف به عرفات است یا بعد از آن؟

ج- در وقت وقوف، کراهت دارد که از جبل بالا رود.

سؤال«۶۲۶»- شخصی وقوف اختیاری عرفات را

درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، به حال اِغماء رفته است. بفرمایید که اگر به همین حال تا آخر اعمال، باقی باشد، وظیفه او چیست؟ و اگر بعد از اِغماء، او را به ایران آورده باشند، چه حکمی دارد؟ و نیز اگر بعد از ایّام تشریق در ماه ذی الحجّه به هوش بیاید، در مکّه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج- با فرض این که عذر او فقط، اغما است، پس از به هوش آمدن اگر ممکن است، اعمال حجّ را اتمام کند، ولی در هر صورت، سال بعد، حجّ را اعاده کند، و برای اِحراز خروج از اِحرام، بعد از اتمام حجّ، عمره مفرده ای اتیان نماید.

سؤال«۶۲۷»- زنی که عادت ماهانه اش مثلاً- شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتّع مُحرِم می شود، و در روز هشتم ذی الحجّه که روز ششم عادت او است پاک می گردد و غسل می کند و اعمال عمره تمتّع را انجام می دهد و برای حجّ تمتّع، مُحرِم می شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه، لَک می بیند و

نمی دانـد که آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا اسـتحاضه حساب شود و اعمال قبلی او صـحیح باشـد، یا قبل از تمام شـدن ده روز از اول، عادت قطع می شود تا حکم حیض را داشـته باشـد، وظیفه او چیست؟ در همین فرض اگر در مَشـعَر، لک دید، چه کند؟

ج- عمل به احتیاط کنـد، راه احتیاط انجام اعمال بـدون قصـد تمتّع و اِفراد بلکه به قصـد ما فی الذمه، با قربانی در مِنی و اتیان عمره مفرده بعـد از آن است، چنـان چه قصـد تمتّع کرده و بعـد از انجـام بعضـی اعمال، کشف خلاف شـده، اکتفا به این حجّ نکند.

سؤال«۶۲۸»- در فرض مسأله فوق اگر در عرفـات یا مَشـعَر، لک دیـد و همان وقت یقین پیـدا کرد که خون حیض است و قبلاً پـاک نبوده است، بایـد چه کنـد، با توجّه به این که وقت وقوفین اختیاری و یا اضـطراری آن باقی است، ولی وقت برگشـتن به مکّه و

انجام اعمال عمره تمتّع را ندارد؟

ج- مورد عدول به اِفراد است.

سؤال« ۶۲۹»- وقوف اضطراری عرفه آیا از اول شب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج- وقوف اضطراری عرفه در شب عید است، (شب تا طلوع فجر است.)

سؤال« ۶۳۰»- بنده چون مسئول گروه حجّ بودم به استناد وظیفه ام که مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود، وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی اینجانب را بیان فرمایید؟

ج- همراه عاجز بوده اید که لازم بوده با آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند، برای شما هم اشکالی نداشته، ولی اگر نایب کسی شده اید، نیابت شما درست نبوده است. مگر آن که عذری عارض شده باشد که در این صورت اگر به وظیفه عمل کنید، نیابتش هم صحیح است.

سؤال« ۶۳۱»- زنی در عرفات، در روز نهم، دیوانه

شـد، او را به بیمارسـتان بردنـد و تـا آخرین وقـتی که می توانسـتند همراهـان او در مکّه بماننـد بـاقی ماندنـد، خوب نشـد؛ آیا شوهرش که با او است می تواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش بقیه اعمال را انجام دهد؟

ج- مجنون تکلیف ندارد و نمی توانند برای او نایب بگیرند و اگر عاقل شد، حکم اشخاص مُحرِم را دارد.

سؤال«۶۳۲»- اگر کسـی نیّت وقوف نکنـد، امّا همراه مردم باشـد و اگر از او بپرسـند چه کار می کنی؟ بگویـد: مناسک حجّ را قربه الی اللّه انجام می دهم، چه حکمی دارد؟

ج- اگر قصـد او این باشـد که اعمال و مناسک حـجّ را طبق آن چه که وظیفه است و همه مردم انجام می دهنـد، انجام دهـد، صحیح است.

سؤال«۶۳۳»- اگر کسی بعد از ظهر روز عرفه به عرفات برسد و به مقدار یک ساعت یا دو ساعت

تأخیر داشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج- تأخیر به مقدار یک ساعت از زوال ظهر روز نهم مانعی ندارد، امّا بیشتر نباید تأخیر بیفتد.

سؤال«۶۳۴»- عـدّه ای در شب دهم ذی الحجّه عـازم مَشـعَر بودنـد، از افرادی که آن جـا بودنـد، سـؤال نمودنـد که مَشـعَر کجا است؟ جواب دادند این جا است. اطمینان پیدا کردند که مَشـعَر است، نیّت بیتوته و قصد وقوف کردند. بعد که وقت اضطراری مَشعَر هم گذشته بود، معلوم شد که مشعر نبوده است. نسبت به باقی اعمال حجّ امسال و سال آینده وظیفه چیست؟

ج- احتیاطاً این حجّ را اتمام کنند، و بعد از آن اعمال عمره مفرده انجام دهند، ولی در صورت اسـتقرار حجّ یا بقاء استطاعت، سال بعد، حجّ را اعاده کنند.

سؤال«۶۳۵»- اگر به گفته مدیر گروه که می گوید: درک وقوف اختیاری مَشعَر برای او مشکل است و نمی تواند آن را درک نماید، اعتماد کند و وقوف

اختیاری را ترک نماید، آیا اشکالی ندارد؟

ج- اگر برای خود شخص، یقین یا اطمینان از گفته مدیر حاصل شده است، کفایت می کند.

سؤال«۶۳۶»- خدمه ای که با زن ها، قبل از طلوع فجر به مِنی می روند، ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مَشعَر می رسانند و وقوف رُکنی مَشعَر را درک می کنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟

ج- اگر از ذوی الاعذار که عارض شده بر او عذر، صدق کند، حجّ نیابی او صحیح است و هم چنین حجّ از ذِمّه منوب عنه ساقط می شود، ولی در اُجرت باید مصالحه شود، گر چه احتیاط در مورد دوم که اعاده حجّ بر منوب عنه باشد، مطلوب است.

سؤال«۶۳۷»- کسی که نمی دانسته وقوف اختیاری مَشعَر بین طلوعین است، پس از آن، وقوف اضطراری را درک کرد، وظیفه او چیست؟

ج- اگر جهل او قصوری و عذری باشد نه تقصیری،

و ترک وقوف اختیاری از روی عذر شده باشد، مانعی ندارد.

سؤال«۶۳۸»- شخصـی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درک کرده و عمداً قبل از طلوع فجر رفته است به مِنی، برای بردن اثاث و کار دیگری، و قصـد داشـته است که مجـدداً به مَشـعَر برگردد، ولی در مِنی خوابش برده است، وظیفه چنین حاجی چیست؟

ج- با فرض این که ترک اختیاری مشـعر، عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضـطراری کافی است و نیابت هم صـحیح است اگر شب نیّت وقوف کرده باشد.

ص: ۳۰۹

استفتائات قربانی

سؤال«۶۳۹»- جمعی از حجّاج، پول روی هم می گذارند و کسی با پول مشترک برای همه آنان تعدادی گوسفند می خرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر، قصد می کند و قربانی می کند. آیا این ترتیب ذبح، اشکال دارد یا خیر؟ آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت، با این که همه به یک اندازه پول داده اند، چه وضعی پیدا می شود؟

ج- اگر صاحبان پول راضی باشند، اشکال ندارد.

سؤال«۶۴۰»- کسانی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده اند و او ذبح نموده است و بعد، حلق و

ص: ۳۱۰

اعمال مترتبه را انجام داده اند و بعد متوجّه شده اند، وظیفه آنان چیست؟

ج- اعاده لزومی ندارد، ولی حلق و اعمال مترتبه صحیح است.

سؤال«۶۴۱»- کسی قربانی را به غیر مؤمن داده و او کشته است و بعد متوجّه شده و در عین توجّه عمداً بدون تجدید قربانی، حلق کرده و اعمال مترتبه بر حلق را انجام داده، آیا محل شده است یا نه؟ آیا باید قربانی بکند یا همه اعمال را اعاده نماید؟

ج- به نظر ما ذابح باید مسلمان باشد و لذا ذبح، کفایت می کند و اعمال مترتبه هم صحیح است.

سؤال«۶۴۲»- آیا ذبح در مَسلَخ جدید، کفایت می کند؟

ج- ذبح در مسلخ جدید، مُجزی است.

سؤال«۶۴۳»- آیا در شرایط قربانی، تحقّیق لازم است که یقین به بودن شرایط، حاصل شود یا لازم

نیست؟

ج- در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان، بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن حیوان، تفحص لازم نیست و در صورت شک، می تواند بدون تحقّیق ذبح کند، ولی در شرایطی مثل سن حیوان یا مسلمان بودن ذابح، لازم است که یقین حاصل شود.

سؤال«۶۴۴»- در مکّه، جیب کسی را زدند و پولش را بردند. شکایت کرد و بعد از طیّ مراحل قانونی، حاکم آن جا حکم کرد که پولش را از دزد بگیرند و به او بدهند؛ آیا جایز است پول را بگیرد و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج- اگر می داند که پول خود او است، مانعی ندارد.

سؤال«۶۴۵»- شخصی بدون گرفتن وکالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری، قربانی می نماید، به این خیال که اذن فحوی از او دارد و

مطمئن است که وقتی به عیالش یا رفیقش بگوید، من در قربانگاه برای تو قربانی کرده ام، او راضی است و خوشحال هم می شود، این نحو قربانی کافیست یا نه؟

ج- کافی نیست مگر او را وکیل کرده باشد.

سؤال«۶۴۶»- روز عید، بعضی اشخاص به قربانگاه می روند و بدون این که در قربانی، نیابت داشته باشند، خودشان برای رفقایشان قربانی می کنند. آیا این قربانی کافی است یا نه؟ اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج- کفایت نمی کند، پول از مال کسی خارج می شود که خرج کرده است، مگر آن که غروری در بین باشد.

سؤال«۶۴۷»- در قربانگاه، حجّاج و صاحب گوسفند، یک قراری با هم می گذارند که هر چند رأس گوسفندی که می خواهند، هر یکی به فلان مبلغ و نام می برد، حاجی هم قبول می کند و یکی یکی را به نیّت

افرادی که وکالت دارد می کشد، بعد می رود با صاحب گوسفند حساب می کند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

ج- اشکال ندارد.

سؤال«۶۴۸»- در قربانگاه، ده نفر حاجی با صاحب گوسفند، قرار می گذارند که ده گوسفند را جدا می کنیم و قربانی می کنیم از قرارِ یکی دویست ریال سعودی مثلاً؛ در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان می آیند و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند، قربانی می کنند و بنا دارند که بعد از قربانی، طبق قرار داد سایر افراد، به صاحب گوسفند، پول بدهند؛ آیا قربانی های آنان درست است یا خیر؟

ج- اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند دارند، مانعی ندارد.

سؤال«۶۴۹»- غیر مؤمنی مشغول سر بریدن قربانی بود. شخصی که برای او قربانی می شد، دست

گذاشت روی دست ذابح و فشار می داد در بردن و آوردن چاقو، به نحوی که بریدن سر گوسفند به هر دو اسناد داده می شد؛ آیا این قربانی صحیح است؟

ج- صحیح است چون به نظر ما مسلمان بودن ذابح کافی است.

سؤال«۶۵۰»- در روز عید قربان، معمولاً ـ در هر کاروانی چند نفر برای قربانی، از طرف دیگران نایب می شوند و می آیند قربانگاه؛ اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کردم یا نه، وظیفه نایب چیست؟

ج- باید قربانی کند.

سؤال«۶۵۱»- آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است ؟

ج- با هر فلز برنده ای صحیح است.

سؤال«۶۵۲»- اگر انسان مریض نتواند که در حجّ تمتّع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و

وکیل هم فراموش کند و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه اش چیست؟

ج- بر حجّ او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذِمِه اش باقی است. باید در سال آینده در مِنی انجام دهد، و اگر در ماه ذی الحجّه فهمید، باید در صورت امکان در همان ماه، قربانی کند.

سؤال«۶۵۳»- شخصی برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و ده رأس گوسفند خرید و قربانی کرد. بعد از رسیدن به منزل، یقین پیدا کرد که پول ۹ رأس گوسفند را داده است. وظیفه اش نسبت به پول یک رأسی که نداده چیست؟ ضمناً با مراجعه به قربانگاه، صاحب گوسفند را پیدا نکرد، آیا جایز است که در آن پول تَصرف کند و بعد از مراجعت به ایران، پول ایرانی به حاکم شَرع بدهد و یا صدقه بدهد یانه؟ و در صورتی که تصرف در آن جایز باشد، اکنون که به ایران برگشته، آیا باید ریال سعودی یا قیمت آن را به ارز دولتی یا ارز آزاد بدهد؟

ج- احتیاط واجب آن است که آن را به حاکم شرع داده و حاکم شرع آن را صدقه دهد و قیمت آن را باید به ارز آزاد، به ریال پرداخت نماید.

سؤال«۶۵۴»- شخصی قربانی نمی کند به اعتقاد این که گوشت گوسفند، تلف می شود و از آنان استفاده نمی شود و با همین کیفیت، تقصیر کرده است و اعمال حجّ را انجام می دهد؛ وظیفه او چیست؟

ج- اگر جاهل بوده و فکر می کرده که عملش صحیح است، از اِحرام خارج شده، ولی قربانی بر ذِمّه او است و طواف و نماز را اعاده نماید علی الأحوط.

سؤال«۶۵۵»- آیا مُحرِم می تواند که قبل از ذبح گوسفند خود، برای دیگری ذبح نماید؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۶۵۶»- اگر کسی مؤمن بودن ذابح را قبل از ذبح، اِحراز کرد و بعداً معلوم شد که خلاف بوده است، آیا آن قربانی کفایت می کند؟

ص: ۳۱۷

ج- کفایت می کند.

سؤال«۶۵۷»- در صورت عدم وجود گوسفند سالم، آیا می توان گوسفند مرضوض الخصیتین (گوسفندی که تخم های آن را کوبیده اند) را ذبح نمود؟

ج- اگر غیر خصی و مرضوض، یافت نشود، ذبح خصی و مرضوض کافی است.

سؤال«۶۵۸»- شخصی به اعتماد نایب خود در رَمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رَمی ننموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟

ج- کفایت نمی کند.

سؤال«۶۵۹»- شخصی در قربانی، کسی را نایب خود کرد و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اولی، ذبح نمود؛ آیا صحیح است؟

ج- اگر اولی را از وکالت، عزل نکرده، کافی است، مجردِ نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت

نیست.

سؤال« ۶۶۰»- شخصی با جهل به اشتراط مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده که ذبح نماید. بعد از ذبح، متوجّه مسأله شده است؛ وظیفه او چیست؟

ج- لازم نیست که دوباره قربانی کند، چون مؤمن بودن ذابح شرط نیست.

سؤال« ۶۶۱»- کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل می تواند به دیگری وکالت دهد؟

ج- اگر وکالت داده است که وکیل، خودش قربانی کند، نمی تواند به دیگری وکالت بدهد.

سؤال« ۶۶۲»- اگر ذبح قربانی شخصی توسط غیر مؤمن صورت گرفته باشد، آیا تکرار آن باید در ایّام تشریق باشد؟

ج- ایمان شرطیت ندارد، فلذا تکرار قربانی، لازم نیست.

سؤال«۶۶۳»- مُحرِمی که لباس اِحرامش بر اثر ذبح، نجس شده است، می تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می کند، در لباس اِحرام نجس، باشد؟

ج- در صورت امکان بنابر احتیاط واجب، لباس خود را تطهیر کند، اگر نکرد، ضرری به احرام یا ذبح نمی زند.

سؤال«۶۶۴»- در مَناسِك نوشته که: «واجب است احتیاطاً که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند»، حالا اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، به غیر از حرمت تکلیفی، عواقب دیگری هم دارد؟

ج- قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکّه مراعات شود.

سؤال«۶۶۵»- بعد از قطع کردن رگ های چهار گانه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است، قطع نمود، چه صورتی دارد؟

ج- کار حرامی است، لکن ذبیحه، حلال است و کفایت از قربانی می کند.

ص: ۳۲۰

سؤال«۶۶۶»- می فرمایید: «اگر ذبح در مِنی تا آخر ذی الحجّه ممکن شود، باید ذبح را تأخیر بیندازد»، آیا اجازه می دهید که حلق را همان روز عید انجام دهد، یا باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد، هر چند ده روز طول بکشد؟

ج- بنابر احتیاط باید ترتیب، مراعات شود.

سؤال«۶۶۷»- آیا حکم گوسفندی که تخم های آن را کوبیده اند، با گوسفندی که تخم هایش را تابیده اند یکی است یا نه؟ و در هر صورت اگر تخم های گوسفندی را تابیده باشند، آیا برای هدی مُجزی است یا نه؟ لطفاً نظر خودتان را بیان فرمایید.

ج- اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از آن استفاده نشود.

سؤال«۶۶۸»- حیوانی را که برای هدی ذبح می کنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند و آن را رها نمایند و حیوان به خودی خود، پشت به قبله شود و یا بعد از اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حیوان را روی

بقیه اجساد حیوانات ذبح شده، پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج- رو به قبله بودن، در حال قطع اوداج اربعه، کافی است.

سؤال«۶۶۹»- اگر کسی پس از ذبح قربانی و انجام باقی مَناسِک و یا قبل از آن متوجّه شود که سن هدی کمتر از حدّ نصاب است، وظیفه چیست؟

ج- اعاده لازم است.

سؤال«۶۷۰»- اگر روحانی کاروان می داند که اِحرام او در روز عید، در مَسلخ، به خون آلوده می شود و به جهت این که روحانی است و باید بر اعمال حجّاج نظارت داشته باشد، مدّت چند ساعت، لباس اِحرام او خون آلود است. آیا با علم به نجس و طولانی بودن آن، تکلیف او چیست؟

ج- اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است، اشکال ندارد.

ص: ۳۲۲

سؤال«۶۷۱»- بعضی از محله های جدید مکّه، در مِنی ساخته شده است. آیا در آن جا می شود قربانی نمود یا خیر؟

ج- - اگر مِنی است، مانعی ندارد، ولی بدون احراز این که در مِنی است، صحیح نیست.

سؤال«۶۷۲»- انسان شک می کند که در سال یا سال های گذشته، ذابح قربانی اش مؤمن بوده یا نه، الآن وظیفه اش چیست؟

ج- ایمان شرطیت ندارد، فلذا اعاده لازم نیست.

سؤال«۶۷۳»- بعضی از مدیران کاروان ها یا اشخاص دیگر که برای قربانی از اشخاص، پول می گیرند و احیاناً خودشان سر بریدن را یاد ندارند، لذا قربانی ها را غیر مؤمن ذبح می کند؛ اولاً: آیا از منوبٌ عنه مُجزی است یا نه، ثانیاً: آیا نایب، ضامن است یا خیر؟

ج- کفایت می کند و نایب، ضامن نمی باشد.

سؤال«۶۷۴»- قربانی در شب، برای کسی که در روز عید، موفق به قربانی نشده است، چه حکمی دارد؟

ج- قربانی در شب اشکال ندارد.

سؤال«۶۷۵»- قربانگاه فعلی در منطقه معیصم ساخته شده و خارج از مِنی تلقی می گردد. آیا جایز است که مُحرِم برای ذبح قربانی خود و یا دیگران با ماشین مُسَقَف به آن جا رفت و آمد نماید؟

ج- ذبح در مکان فعلی، مُجزی است و رفتن به آن مکان، اگر خارج از مِنی باشد، با ماشین مُسَقَف اشکال دارد.

سؤال«۶۷۶»- فُقَهای عظام فرموده اند: «باید قربانی در مِنی ذبح شود و اگر نشد، نزدیک مِنی ذبح شود»، سؤال این است که با توجّه به وضع فعلی که گوشت قربانی در مِنی ضایع و اکثراً سوزانده می شود و نوعی اسراف و تبذیر به حساب می آید، آیا تکلیف حجّاج نسبت به قربانی و محل آن عوض نمی شود؟

ص: ۳۲۴

ج- تکلیف آن است که قربـانی، در مِنی ذبـح شود و حتی المقـدور توسـط دولت های اسـلامی، برنامه ای برای جلوگیری از اسراف ریخته شود، امّا در صورت تضییع هم باید در همان مکان، قربانی شود.

سؤال«۶۷۷»- قربانی صـحیح و کامل خریـداری شده، ولی بعد از خرید و قبل از ذبح، معیوب شده، مثلاً: دُم او جدا شده است؛ آیا ذبح آن کفایت می کند؟

ج- ذبح قربانی معیوب، کفایت نمی کند و مُجزی نیست.

سؤال«۶۷۸»- چنان چه بِیضَتَین گوسـفند را بسـته باشـند که در نتیجه از تولیـد مثل، عاجز شده و بیضه های او کمی کوچکتر از معمول است، آیا برای قربانی، کفایت می کند؟

ج- اگر صدق کوبیده شدن یا تابیده شدن بیضتین نکند، برای قربانی، کفایت می کند وإلّا باید

قربانی سالم را ذبح کرد.

سؤال« ۶۷۹»- شخصی گوسفند قربانی خود را خریده و صاحب گوسفند گفته است که سال او کامل است. پس از ذبح، شک می کند که کامل بوده یا خیر؟ وظیفه چیست؟

ج- به شک خود اعتنا نکند و قربانی، صحیح است.

سؤال« ۶۸۰»- دو نفر پول داده اند و نایب آن ها دو گوسفند خریده و بدون این که تعیین کند که کدام را برای چه کسی می خرد و برای چه کسی ذبح می کند، هر دو را ذبح کرده است. آ یا کفایت می کند؟

ج- اگر در ابتدا نیّت کرده که مثلاً- گوسفند اول برای نفر اول و دومی برای نفر دوم باشد، امّا در هنگام ذبح، توجّه نکند، کفایت می کند و إلّا کفایت آن بعید است.

سؤال« ۶۸۱»- شخصی برای قربانی، نایب بوده و روز عید، قربانی را خریده و برای ذبح آن تا شب

معطّل شـده و از جهت جهل به مسأله، قربانی را شب ذبـح کرده است؛ بفرماییـد که آیا قربانی در شب، بَریء الـذِمه می باشد؟ اگر باید اعاده شود، چه کسی ضامن است؟ اعمالی را که بعد از آن قربانی انجام داده، آیا صحیح است؟

ج- ذبح در شب، کفایت نمی کند و باید اعاده شود و همان کسـی ضامن است که در این مسأله، جهل داشـته است و در این فرض، نایب، ضامن است و بنابر احتیاط باید اعمالی را که انجام داده است، دوباره اعاده شود.

سؤال«۶۸۲»- اگر ذابح به علت جهل به مسأله یا سهواً شرایط ذبح را رعایت نکرد و قربانی، حرام شد، آیا کفایت می کند؟

ج- اگر رعایت شرایط نشود، کفایت نمی کند و باید قربانی اعاده شود.

سؤال«۶۸۳»- در فرض قبل اگر ذابح، نایب بوده و تَبَرُعاً یا با اَخذ اُجرت، ذبح را صحیح انجام نداده،

آیا ضامن است؟

ج- نایب، ضامن است و اگر اُجرت گرفته است، باید آن را پس دهد و یا قربانی را به طور صحیح انجام دهد.

سؤال«۶۸۴»- اگر ولیّ کودک، او را مُحرِم به اِحرام حجّ تمتّع کرد، خود نیز مُحرِم شد و تمکّن از دو قربانی نداشت، تکلیفش چیست؟

ج- برای کودک، قربانی کند و خودش روزه بگیرد.

سؤال«۶۸۵»- آیا جایز است که حاجی، پول قربانی خود را مصرف خرید سوغات کند و به جای قربانی، روزه بگیرد؟

ج- جایز نیست و با این فرض، روزه کفایت از قربانی نمی کند.

سؤال«۶۸۶»- بعضی از کاردها و چاقوها دندانه دارند، آیا ذبح با آن ها صحیح است؟

ج- اگر تیز باشد و از جنس استیل و یا فولاد و یا

فلز دیگر باشد، کفایت می کند.

ص: ۳۲۹

استفتائات اعمال بعد از مِنی و طواف نساء

سؤال«۶۸۷»- در مَناسِک فرموده اید: «وقت انجام اعمال حجّ تا روز یازدهم است و بعید نیست که تا آخر ماه ذی الحجّه، نیّت کند، درصورتی که وقت انجام مناسک حجّ تا روز یازدهم باشد، اگر تأخیر انداخت، چون مُحتَمل است ظرف وجوب منقضی شده باشد» آیا معصیت نموده است؟

ج- معصیت نیست.

سؤال«۶۸۸»- آیا بعد از انجام اعمال مِنی، قبل از انجام اعمال مکّه می توان از مکّه خارج شد یا خیر؟

ج- احتیاط واجب آن است که تا اعمال حجّ تمام نشده است، از مکّه خارج نشود.

سؤال«۶۸۹»- آیا پیش از به جا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی، تمام انواع تلذذ و تمتّع از زن، حرام است و یا اختصاص به جِماع دارد؟

ج- از مَثَل جِماع و بوسیدن و لمس، باید اجتناب کرد، ولی از مطلق تَلَذُّذ به احتیاط صحبت، اجتناب نماید.

ص: ۳۳۱

استفتائات تقدیم اعمال مکّه بر وُقوفین

سؤال«۶۹۰»- شخصی در اثر سالمندی و ضعف، بعد از مراجعت از مِنی، قدرت بر طواف ندارد و باید او را با تخت، طواف دهند، امّا قبل از وقوفین، خودش می تواند در مُطاف، طواف کند. آیا جایز است که اعمال را مقدم دارد؟

ج- بنابر احتیاط باید جمع کند بین طواف قبل از وقوفین و انجام طواف با تخت بعد از وقوفین.

سؤال«۶۹۱»- اگر اعمال مکّه را بر وقوفین، مقدم داشت و پس از بازگشت از مِنی، عذر او برطرف شد، آیا اعاده آن اعمال واجب است؟

ج- بنابر احتیاط واجب اعاده لازم است.

ص: ۳۳۲

سؤال«۶۹۲»- اشـخاص معـذوری که می توانند اعمال مکّه را بر وقوفین مقدم بدارند، اگر جهلاً بدون اِحرام، اعمال مکّه را قبل از وقوفین انجام دادند، چه صورتی دارد؟

ج- کفایت نمی کند و باید یا قبل از وقوفین، آن ها را با اِحرام اعاده کنند یا بعد از وقوفین و اعمال، آن ها را به جا آورند.

سؤال«۶۹۳»- اگر کسـی تنها این ترس را داشـته باشـد که بعد از برگشت از مِنی در اثر ازدحام، نتواند طواف کند یا به مشـقت بیفتد، آیا می تواند اعمال حجّ را مقدم دارد یا نه؟

ج- مورد جواز تقدیم نیست و نمی تواند مقدم بدارد.

سؤال«۶۹۴»- شخصـی اعمال حـجّ را به جهت خوف حیض بر اعمال مِنی مقـدم داشت، ولی چون طواف یا سـعی را قطع کرده بود، به طوری که می باید اتمام و اعاده کند و چنین کرد، آیا بعد از اعمال مِنی بر او چیزی نیست؟

ج- اگر وظیفه را انجام داده است، چیزی بر او نیست.

سؤال«۶۹۵»- آیا نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد، می تواند اعمال حجّ را بر وقوفین و اعمال مِنی مقدم بدارد یا نه؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۶۹۶»- کسانی که اعمال حجّ را قبل از اعمال مِنی انجام می دهند، آیا می توانند سعی را بعد از برگشتن از مِنی انجام دهند و باقی اعمال را قبل؟

ج- احوط آن است که سعی را نیز مقدم داشته و در وقتش هم اعاده نمایند.

سؤال«۶۹۷»- آیا می تواند اعمال مکّه را به نایب واگذارد، درصورتی که می تواند تأخیر بیندازد تا خود به جا آورد؟

ج- با فرض این که می تواند خودش به جا آورد ولو با تأخیر تا آخر وقت، نمی تواند نایب بگیرد.

سؤال«۶۹۸»- زنی که اعمال حجّ خود را بر وقوفین مقدم داشته است، بعد از سعی، حائض می شود. شوهرش در همان وقت به نیابت او طواف نساء را انجام می دهد. آیا این نیابت صحیح است؟

ج- صحیح نیست و تقدیم برای کسی که خودش طواف می کند، احتیاط آن است که اکتفاء به آن چه مقدم داشته هم نکند.

سؤال«۶۹۹»- تقدیم اعمال مکّه برای کسی که عذز دارد، جایز یا لازم است؟

ج- جایز است و لازم نیست مگر این که بدانند یا اطمینان داشته باشند؛ چنان چه اعمال مکّه را بر وقوفین مقدم نکنند و بعد نیز امکان انجام آن را ندارند که در این صورت تقدیم واجب است.

سؤال«۷۰۰»- کسانی که اعمال حجّ را مقدم بر وقوفین می نمایند، آیا باید اقرب زمان به وقوفین را رعایت کنند؟

ج- لازم نیست.

ص: ۳۳۵

سؤال«۷۰۱»- تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حجّ را مقدم می دارند، برعهده خود آنان است یا برعهده مسئولین؟

ج--تشخیص با خود مکلّف است.

سؤال«۷۰۲»- کسی که او را به وسیله تخت، طواف می دهند، آیا می تواند اعمال حجّ خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟

ج- اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری نیست، نمی تواند مقدم بدارد.

سؤال«۷۰۳»- کسی که اعمال حجّ را بر وقوفین مقدم می دارد، آیا می تواند طواف نساء را بعد از وقوفین و اعمال دیگر انجام دهد؟

ج- بنابر احتیاط در موردی تقدیم را بدارند که هر سه عمل را مقدماً انجام دهند، گرچه احوط، اعاده سعی است بعد از اعمال مِنی.

سؤال«۷۰۴»- شخصی که می تواند اعمال مکّه را

بر وقوفین مقدم بدارد، اگر جهلاً بدون اِحرام، اعمال مکّه را انجام داد، چه حکمی دارد؟

ج- کفایت نمی کند و باید یا قبل از وقوفین آن ها را با اِحرام اعاده کند و یا بعد از وقوفین و اعمال مِنی، آن ها را به جا آورد.

ص: ۳۳۷

استفتائات بیتوته در مِنی

سؤال«۷۰۵»- بیتوته در مِنی اگر در غیر مِنی انجام شود، چه صورتی دارد؟ آیا اشخاص جاهل به موضوع، معذورند یا خیر؟

ج- باید قربانی کنند بنابر احتیاط واجب در غیر صورت علم و عهد، و در صورت علم و عهد، قطعی است.

سؤال«۷۰۶»- کسانی که مقداری از اول شب، با عذر یا بدون عذر در خارج مِنی بودند یا قبل از نصف شب خارج شدند، در مناسک، احتیاط استحبابی است نسبت به کفاره، و در تحریر احتیاط وجوبی، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج- این احتیاط وجوبی است و ترک نشود.

سؤال«۷۰۷»- فرموده اید: «کسی که بدون عذر، نصف اول شب را در مِنی نبود، واجب است که نصف دوم را در مِنی بماند»، آیا کفاره ترک مبیت را نیز باید بدهد؟

ج- کفاره لازم نیست.

سؤال«۷۰۸»- کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در مِنی باشد یا در مسجدالحرام، مشغول عبادت گردد، در مسجدالحرام مشغول عبادت می شود، ولی در بین آن، از خستگی مرتب چُرت می زند و بیدار می شود؛ وظیفه او چیست؟ سؤال دیگر در این رابطه که اخیراً پشت بامی وسیع برای مسجدالحرام (زاده اللّه شرفاً) درست کرده اند. آیا شب هایی که باید یا در مِنی بماند و یا در مسجدالحرام مشغول عبادت باشد، ماندن در آن جا و عبادت کردن کافی است یا نه؟

ج- اگر به قدری خواب می رود که صدق نمی کند که تمام شب مشغول به عبادت بوده، کافی نیست و

باید کفاره بدهد و عبادت در هر جای مکّه کافی است.

سؤال«۷۰۹»- اینجانب شغلم حَمله داری است. چندین سال قبل، جایی را که یقین داشتم جزء مِنی است، با حاجی ها بیتوته نموده ام و سال های بعد فهمیدم و برایم یقین حاصل شد جایی که سال های قبل بیتوته نموده ایم، خارج از مِنی است؛ آیا کفاره بر این جانب و همه حجّاج واجب است یا نه؟ و آیا ابلاغ به حجّاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج- کفاره ترک بیتوته خود شما بر شما واجب است، کفاره دیگران بر شما واجب نیست و لازم نیست به آنان اعلام نمایید، اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است، در این صورت وجوب تحصیل رضایت آنان خالی از وجه نیست، ولی اگر أجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده، تفاوتی دارد، نسبت به تفاوت، باید رضایت

حجّاج تحصیل شود.

سؤال«۷۱۰»- علامت گذاری حدود مِنی در سال های قبل با علامت گذاری الان که به وسیله حکومت انجام گرفته است، فرق می کند. اینجانب که شغلم حَمله داری است، در سال های قبل با حجّاج در قطعه زمینی بیتوته کرده ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته ما در خارج از مِنی بوده است، اگر تعیین قبلی صحیح، باشد که ما یقین به آن داریم طبق علمیّت قبلی و نظر پیروان اهل مکّه بیتوته ما صحیح است. حال بنابر این که تعیین حکومت صحیح باشد، تکلیف ما نسبت به بیتوته سال های قبل چیست و در صورت وجوب کفاره، آیا ابلاغ به همه حجّاج لازم است یا نه؟ و آیا با توجّه به این که در فرض مسأله، بیتوته ترک نشده بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجّاج ضامن می باشم یا نه؟

ج- اگر در محلی بیتوته کرده اید که یقین به مِنی بودن آن داشته اید، تا یقین پیدا نکنید که خارج

مِنی بوده است، قربانی لازم نیست و در این صورت ابلاغ و اعلام، لازم نیست.

سؤال«۷۱۱»- مقـدار شب برای کسـی که در مکّه به جـای بیتوته در مِنی به عبادت مشـغول می شود، چقـدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است یا تا طلوع آفتاب؟

ج- تا طلوع فجر حساب می شود.

سؤال«۷۱۲»- شخصـی بعد از اعمال ثلاثه روز عید، می خواهد برای طواف ها به مکّه برود، ولی می داند که اگر به مکّه برود، سه ساعت از مَبیت اول شب را درک نمی کند، آیا برود یا نه؟ اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج- رفتن از مِنی به مکّه در فرض مرقوم، مانعی نـدارد، ولی برای تأخیر، باید کفاره بدهد، اگر بیتوته نیمه دوم شب را در مِنی درک نکند.

سؤال«۷۱۳»- شخصی مدّت زمان بیتوته را در مِنی بوده، ولی متوجّه نبوده که بیتوته یکی از اعمال

حجّ است و نيّت نكرده يا بعد از گذشت چند ساعت از وقت بيتوته متوجّه شده است؛ وظيفه اش چيست؟

ج- اگر قصد داشته است كه بر اساس وظيفه اى كه تمام حجّاج انجام مى دهند عمل كند و بيتوته

را انجام داده است، عمل او صحيح است.

سؤال«۷۱۴»- زمان بيتوته در مِنى در شب هاى ۱۱و ۱۲، چه مقدار است؟

ج- مى تواند از سر شب تا بعد از نيمه شب و يا قبل از نيمه شب تا طلوع فجر بيتوته كند.

سؤال«۷۱۵»- شخصى بنا دارد تا مقدارى از اول شب را در مِنى بيتوته كند و قبل از نصف شب (مثلاً ساعت ۱۰ شب) به مكّه بيايد و مشغول عبادت شود يا شب در مكّه مشغول عبادت باشد و قبل از نصف شب يا مقدارى بعد از نصف شب، برگردد و در مِنى بيتوته كند. آيا جايز است و كفاره ندارد؟

ج- مانعى ندارد و بهتر است كه اگر از اول شب بيتوته كرده است تا نيمه شب خارج نشود و

کفاره ندارد.

سؤال«۷۱۶»- آیا برای زنان و بیماران مسمّای بیتوته به مِنی کفایت می کند؟

ج- اگر بیتوته برای آنان مشکل است و معذور هستند، مانعی ندارد.

سؤال«۷۱۷»- شخصی دو ساعت اول شب را در مِنی بوده و بعد از آن خارج شده و دو ساعت بعد از نصف شب، مجدداً برای بیتوته مراجعت کرده که جمعاً به مقدار یک نیمه شب در مِنی بیتوته کرده است. آیا کفایت می کند؟

ج- باید یا از اول شب تا بعد از نیمه شب و یا از نیمه شب تا طلوع فجر به طور کامل بمانند و به نحو گفته شده، کفایت نمی کند و باید یک گوسفند کفاره بدهند.

سؤال«۷۱۸»- شخصی بعد از ظهر روز دوازدهم از مِنی کوچ کرده و پس از آن برای نماز در مسجد خیف یا برای اعاده رَمی جَمَرات به عنوان احتیاط یا برای

پیدا کردن گم شده و امثال این ها به مِنی بازگشت و اتفاقاً در مِنی بود که آفتاب شب سیزدهم غروب کرد؛ آیا بیتوته شب سیزدهم بر او واجب می شود؟

ج- در صورتی که توقف او زیاد باشد، به گونه ای که مَبیت، صدق کند، باید شب سیزدهم را هم بماند؛ امّا اگر به صورت عبوری برگشته است و اتفاقاً درک غروب سیزدهم را کرده است، بیتوته بر او واجب نیست.

سؤال«۷۱۹»- بعضی از حجّاج در شب یازدهم یا دوازدهم، بعد از اعمال مکّه به علّت راه بندان و یا در اثر اضطرار یا سهل انگاری، کمی بعد از نیمه شب وارد مِنی می شوند؛ آیا باید کفاره بدهند؟

ج- کفاره لازم است، ولی چون از روی عذر بوده است، گناه نکرده اند.

سؤال«۷۲۰»- نیمه اول شب یا نیمه دوم شب از چه وقت و تا چه وقت، محاسبه شود؟

ج- نیمه اول یا دوم شب را از غروب آفتاب تا

طلوع آفتاب حساب کنند و تنصیف شود و احتیاط آن است که از مغرب شرعی حساب شود.

سؤال«۷۲۱»- آیا اشتغال به عبادت، شامل مطلق عبادت است، که شامل نگاه کردن به کعبه یا برآوردن حاجت مؤمن یا مؤعظه کردن هم بشود؟ آیا لازم است حتماً در مسجدالحرام باشد یا در کل شهر مکّه کفایت می کند؟

ج- اشتغال به عبادت در کل مکّه کفایت می کند و شامل اموری می شود که در عرف مردم، عبادت، صدق کند و لذا احتیاط آن است که به صِرف نگاه به کعبه به طور ممتد و امثال آن اکتفاء نشود.

سؤال«۷۲۲»- آیا بیتوته در مِنی، افضل است یا اشتغال به عبادت در مکّه مکرّمه؟

ج- بیتوته در مِنی، افضل است.

سؤال«۷۲۳»- گروهی به جای بیتوته در مِنی، جهت انجام اعمال و عبادت به مکّه آمدند و در

مسجدالحرام مشغول انجام اعمال مکّه شدند. بعضی زودتر اعمال خود را انجام داده و منتظر تمام شدن اعمال دوستان و همراهان خود هستند؛ تکلیف این افراد چیست؟

ج- باید در این مدّت مشغول عبادت شوند و یا سریعاً به مِنی بروند تا نیمه دوم شب را در مِنی درک کنند و إلّا باید کفاره بدهند.

سؤال«۷۲۴»- روحانیون و مراقبینی که به عنوان وظیفه، حجّاج را در طواف و سعی، همراهی می کنند و قهراً بیتوته نیمه اول یا دوّم شب را درک نمی کنند، آیا باید کفّاره بدهند؟

ج- اگر در مکّه مشغول عبادت در ضمن همراهی دیگران نباشند و نیمه اول یا دوم شب را هم در مِنی درک نکنند، کفاره بر آنان واجب می شود.

سؤال«۷۲۵»- قبل از بیتوته شب دوازدهم و رَمی جَمَرات روز دوازدهم، پس از خروج از اِحرام و انجام اعمال حجّ، آیا می توان عمره مفرده و طواف مستحبّی

انجام داد؟

ج- بهتر است طواف مستحبی را انجام ندهد؛ چراکه ماندن روز یازدهم و دوازدهم هم در مِنی، استحباب دارد و احتیاط در آن است که عمره مفرده هم انجام ندهد.

ص: ۳۴۸

استفتائات کوچ

سؤال«۷۲۶»- آیا در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم از مِنی، قصد قربت و اطاعت امر الهی لازم است؟

ج- قصد قربت لازم نیست؛ گرچه اگر به قصد قربت باشد، بهتر است و موجب ثواب است.

سؤال«۷۲۷»- شخصی قبل از ظهر روز دوازدهم از مِنی خارج شده و قصد داشته است که برای نفر مراجعت کند؛ ولی عمداً یا به جهت عذری، مراجعه نکرده است. آیا وظیفه خاصی دارد؟

ج- اگر عمداً باشد، معصیت کرده اند؛ امّا در هر دو

صورت کفاره ندارد.

سؤال«۷۲۸»- آیا کسانی که عـذر دارند از رَمی در روز، می توانند که شب دوازدهم برای روز دوازدهم رَمی کنند و از مِنی به مکّه بیایند و دیگر برنگردند به مِنی یا باید صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند؟

ج- نمی توانند و باید صبر کنند، مگر از ماندن معذور باشند.

سؤال«۷۲۹»- مـدیر کـاروانی، زن هـا را قبـل از ظهر دوازدهم، از مِنی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشـتند و یا اگر متوجّه مسأله بودند، نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در مِنی بمانند، چیست؟

ج- با فرض این که عذر داشته اند، مانعی ندارد.

سؤال« ۷۳۰»- حاجی، شب دوازدهم، بعد از نصف شب از مِنی خارج و به مکّه می رود. روز بعد برای

رَمی به مِنی می آیـد؛ آیا لازم است که قبل از ظهر به مِنی بیاید، یا چون وظیفه ای غیر از رَمی ندارد، بعد از ظهر هم می تواند بیاید؟

ج- برای تحقیق نفر باید پیش از ظهر برگردد تا این که بعد از ظهر، کوچ نماید.

سؤال«۷۳۱»- آیا افراد ضعیف و بیمار و همراهان آنان می تواند قبل از غروب، از عرفات کوچ کنند؟

ج- تا مجبور نشـده انـد، نبایـد قبل از غروب از عرفات کوچ کنند؛ امّا اگر بدون عذر هم کوچ کردند، چنانچه اصل وقوف را درک کنند، به حجّ آنان آسیبی نمی رسد و صِرفاً معصیت کرده اند.

سؤال«۷۳۲»- آیا برای پیرمردها و زن ها و بیماران و همراهان آنان جایز است که قبل از طلوع فجر از مَشعَر حرکت کنند؟

ج- مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب حرکت نکنند.

ص: ۳۵۱

سؤال«۷۳۳»- پس از کوچ از عرفات و قبل از طلوع فجر که زمان شروع وقوف اختیاری مَشعَر است، آیا حاجی وظیفه ای دارد؟

ج- وظیفه ای جز نیّت وقوف در مَشعَر ندارد؛ امّا مستحب است که این مدّت را به نماز و قرآن و دعا و عبادات بگذراند و واجب است که نیّت کند وقوف به مَشعَر را از ابتدای طلوع فجر تا طلوع آفتاب به قصد قربت.

سؤال«۷۳۴»- کسی که قبل از طلوع فجر روز عید، عمداً یا از روی جهل، مَشعَر را ترک کند و به مِنی برود، چه حکمی دارد ؟

ج- اگر عمداً مَشعَر را ترک کند و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفات را انجام داده است، باید حجّ را تمام کند و یک گوسفند کفاره بدهد بنابر احتیاط واجب، و سال دیگر حجّ را دوباره به جا آورد؛ امّا در مورد جاهل به مسأله چنان چه بتواند، برگردد ولو تا ظهر روز عید باید این کار را بکند و اگر نمی تواند برگردد،

باید یک گوسفند قربانی بدهد و حجّ او صحیح است.

ص: ۳۵۳

استفتائات رَمی جَمَرات ثلاث

سؤال«۷۳۵»- کسانی که با عـذر در روز، می تواننـد که در شب رَمی کننـد، آیا لازم است شب رَمی کننـد یا می تواننـد همان روز نایب بگیرند؟

ج- نمی توانند نایب بگیرند.

سؤال«۷۳۶»- چنان چه کسانی صـبح روز دهم از رَمی کردن معـذور باشـند، ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر، خلوت است و قادر به رَمی هستند، بفرمایید که از صبح می توانند نایب بگیرند یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رَمی نمایند؟

ج- اگر می توانند در روز رَمی کنند، نمی توانند نایب

بگیرند.

سؤال«۷۳۷»- آیـا بـدون عـذر می توان در شب، رَمی کرد یـا کـافی نیست؛ اگر در شب، صـحیح است، آیا گناهی هم مرتکب شده است و هم چنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هرچند صحیح است، ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج- بـدون عـذر، رَمی در شـب واقـع نمی شـود و اگر بـدون عـذر، رَمی در روز را ترک نمایـد، گنـاه کرده اسـت؛ هـم چنین معصیت نموده است، بنابر احتیاط اگر ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد، هرچند ذبح صحیح است.

سؤال«۷۳۸»- کسـی که در رَمی جَمَرات، نایب شده است، آیا می تواند شب، رَمی کند یا نه؛ هم چنین کسی که در اصل حجّ، نایب باشـد و از ابتـدا می دانسـته که نمی توانـد رَمی کنـد، یا نمی توانـد در روز، رَمی کند و یا در روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟

ج- نایب بایـد اعمال اختیاری حـجّ را انجام دهـد و اگر معـذور باشـد، نمی توانـد نایب شود و کسـی که در رَمی، نایب شده است، بایـد در روز، رَمی کنـد. مسامحه و اهمال، موجب بطلان نیابت نیست هرچند در فرض سؤال جایز نیست اگرعذر کاری نباشد، و در صورتی که نایب، خلاف وظیفه انجام داد، مستحقّ أجرت نمی باشد، مگر از مستأجر رضایت بطلبد.

سؤال«۷۳۹»- شخصـی که خود، معـذور است و نمی تواند رَمی جَمَرات نماید، آیا می تواند شـخص دیگری را که برای او هم رَمی در روز مقـدور نیست، نـایب قرار دهـد تـا در شب رَمی نمایـد؟ آیـا در صورت بودن و یا نبودن شـخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رَمی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج- در صـورت امکـان بایـد کسـی را نـایب بگیرد که در روز رَمی نمایـد. اگر ممکن نباشـد، بنـابر احتیـاط واجب روز بعـد، خودش قضا کند؛ اگر در قضاء هم امکان مباشرت نیست، نایب

بگیرد.

سؤال«۷۴۰»- در رَمی جَمَرات اگر سنگ ریزه، اوّل به دیوار مُجاور و بعد به جَمره بخورد، کافی است یا باید سنگ ریزه ی دیگری بزند؟

ج- کفایت در فرض مذکور، مشکل است.

سؤال«۷۴۱»- شخصی وقت رَمی جَمَرات، شک کرد که چند سنگ زده ام؛ پس آن مقدار را رها کرد و دوباره از اوّل شروع نمود. آیا رَمی او اشکال دارد یا نه؟

ج- اشکال ندارد، هرچند رها نمی شود.

سؤال«۷۴۲»- این که فرموده اید: «کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مَشعَر و رَمی در شب دهم برای زنان جایز است و نفسِ زن بودن عذر است» آیا با این حال زنان می تواند نایب شوند؟

ج- می توانند نایب باشند برای امثال خودشان که معذورند.

سؤال«۷۴۳»- در زمان قـدیم که جَمَرات به صورت فعلی نبوده است و یقیناً بعداً بلندتر و قطورتر درست شده است، بنابراین در جَمَره عَقَبه، چرا رَمی کردن مخصوص به آن سـنگ چین وسـط دیوار سـیمانی است و رَمی به دیوار سـیمانی جایز نیست؟ اگر جایز می دانیـد، بفرمایید؛ زیرا که اکثر مردم در جَمَره عقبه، اکتفاء به دیوار سیمانی دو طرف سـنگ چین می کنند و خلاصه، ملاک رَمی در جمرات چیست؟

ج- دیوار سیمانی پشت جمره، از جمره نیست و رَمی آن کافی نیست.

سؤال«۷۴۴»- اگر مردی که می توانـد در روز رَمی نمایـد، برای رَمی زنی، نـایب شود، آیا می توانـد رَمی زن را در شب انجام دهد؟

ج- نمی تواند و باید رَمی را در روز انجام دهد.

سؤال«۷۴۵»- افرادی که معذورنـد از واجباتی که تَرک آن ولو عمـداً، مضـر به حجّ نیست، مثل رَمی جَمَرات در روز یازدهم و دوازدهم و مَبیت به مِنی در

ص: ۳۵۸

شب های یازدهم و دوازدهم، آیا می تواند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمی توانند؟

ج- کسی که عذر دارد، نمی توانند نایب شوند، حتّی اگر از مثل مذکورات، عذر داشته باشند.

سؤال«۷۴۶»- کسی که به نیابت دیگری، رَمی جَمَره می کند، آیا کافی است که اول برای خودش هر جَمَره ای را رَمی کند، پس از آن به نیابت دیگران ولو ده نفر باشند یک جا رَمی کند، هر سه جَمَره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی، و هم چنین نسبت به دیگران رَمی نماید؟

ج- هر دو صورت صحیح است.

سؤال«۷۴۷»- کسی که نمی تواند در روز عید، رَمی کند، آیا می تواند قبل از رَمی، حلق نماید و روز دیگر رَمی کند؟

ج- اگر می تواند، نایب بگیرد و روز عید، رَمی نماید، سپس حلق کند و فردا خودش قضا کند؛ اگر نیابت ممکن نشد، روز عید، حلق نماید و

رَمی را برای شب آن روز و یا فردا بگذارد.

سؤال«۷۴۸»- آیا جَمَره عَقَبه را از هر طرف، می توان رَمی نمود؟

ج- اگر به جَمَره بزنند، کافی است؛ ولی رَمی دیوار کفایت نمی کند.

سؤال«۷۴۹»- سنگ ریزه هایی که در مَشعَر موجود است و معلوم است که از خارج از مَشعَر آورده اند و معلوم نیست که از حرم است یا از خارج از حرم، آیا می توان از آن ها برای رَمی استفاده نمود؟

ج- اگر معلوم است که از خارج آورده اند، در مورد سؤال، استفاده نکنند، مگر آن که طوری باشد که جزء مَشعَر محسوب شود.

سؤال« ۷۵۰»- شخصی رَمی جَمَره عَقَبه را در روز عید، غلط انجام داده است و در روز سیزدهم متوجّه می شود. آیا بعد از قضای جَمَره عَقَبه باید رَمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

ج- لازم نیست.

سؤال«۷۵۱»- آیا زیاده از هفت رَمی، مُخلّ به رَمی است؟

ج- اگر از اول قصد زیادتر از هفت داشته باشد، صحیح نیست و باید رَمی را اعاده کند؛ ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ ریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده است، ضرر ندارد.

سؤال«۷۵۲»- کسی که نتوانسته ذبح کند، حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا می تواند رَمی روز یازدهم را انجام دهد؟

ج- مانعی ندارد.

سؤال«۷۵۳»- زنی که احتمال بدهد رَمی، باعث قاعدگی او می شود، آیا کافی است در رَمی، نایب بگیرد؟

ج- اگر در اثر آن به مَشَقَت می افتد، عذر محسوب می شود و می تواند نایب بگیرد.

سؤال«۷۵۴»- آیا می شود که زن ها را شب دهم، بعد از نصف شب از مَشعَر به مِنی بیاورند و همان شب آنان را به جَمَره عَقَبه ببرند و رَمی کنند و بعد به خیمه برگردانند و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جَمَرات ببرند، تا شب دوازدهم هم رَمی روز یازدهم را انجام دهند و رَمی روز دوازدهم را، با توجّه به ازدحام و خطرهای احتمالی، انجام دهند؟

ج- برای زن ها رَمی جَمَره عَقَبه پس از وقوف به مَشعَر و آمدن به مِنی در همان شب عید قربان مانعی ندارد، ولی رَمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رَمی روز، معذور باشند.

سؤال«۷۵۵»- اگر کسی می داند که یک روز رَمی را ترک کرده است، ولی نمی داند که روز دهم بوده یا یازدهم یا دوازدهم، وظیفه اش چیست؟

ج- احوط وجوبی، آن است که رَمی سه جَمَره را به ترتیب به قصد ما فی الذِمه انجام دهد، اگرچه در

صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد، بیش از قضای رَمی جَمَره عَقَبه واجب نیست.

سؤال«۷۵۶»- شخصی در رَمی جَمَرات چنین تصور می کرده است که باید سنگ ریزه به خود سنگ های نصب شده جَمَرات بخورد، نه به ملات لای سنگ ها که به وسیله آن ملات بندکشی شده است؛ لذا برای اطمینان که به خود سنگ ها بخورد، یازده سنگ ریزه انداخته و هفت عدد از آن ها را رَمی صحیح محسوب داشته است. آیا این رَمی صحیح است یا نه؟

ج- اگر مواردی را که شک داشته، احتیاطاً زده است، مانعی ندارد و چنان چه شک نداشته و قصد زیاده هم نداشته، صحیح است هرچند در این صورت احتیاط مطلوب است.

سؤال«۷۵۷»- شخصی روز عید قربان برای رَمی جَمَره عَقَبه رفته و انجام داده است؛ ولی دو روز بعد در اثر کسالت، وکالت داده و روز سیزدهم خودش

برای قضای رَمی جَمَرات رفته، ولی اول، رَمی جَمَره عَقَبه نموده و بعداً برگشته و از جَمَره اولی شروع کرده است و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه، چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره وسطی را هم چنین دوازده سنگ زده و جَمَره عَقَبه را نیز دوازده سنگ زده است، والآن به ایران برگشته است. وظیفه او چیست؟

ج- اگر کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده، عمل او صحیح است و نیاز به تکرار نداشته است و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم، صحیح نیست.

سؤال«۷۵۸»- آیا خدمه کاروان ها هم که برای پذیرایی از معذورین از رَمی در روز به همراه آنان در شب می روند و رَمی هم می کنند، آیا این رَمی کفایت می کند و یا آن که باید برگردند و در روز رَمی کنند؟

ج- باید برگردند و رَمی شب در این صورت کفایت نمی کند و برای تحقّق نفر اگر بتواند باید پیش

ص: ۳۶۴

از ظهر بر گردد تا این که بعد از ظهر کوچ نمایند.

سؤال«۷۵۹»- آیـا بـانوان می توانـد در شب، رَمی کننـد؟ در صورت جواز آیـا این امر اختصاص به بانوانی دارد که از رَمی در روز معذورند یا به طور مطلق برای بانوان رَمی در شب جایز است؟ آیا اختصاص به رَمی روز دهم دارد؟

ج- زن ها به طور مطلق می تواننـد رَمی روز دهم را در شب قبل انجام دهنـد، امّا در مورد رَمی روز یازدهم و دوازدهم، چنان چه رَمی در روز برای آن ها مقدور نباشد، رَمی در شب قبل مانعی ندارد.

سؤال« ۷۶۰»- در صورت جواز رَمی، آیا شب قبل باید انجام دهند و یا شب بعد هم می توانند انجام دهند؟

ج- مختار هستند و در شب قبل یا بعد از آن می توانند رَمی را انجام دهند.

سؤال« ۷۶۱»- کسی که از رَمی جَمَره عَقَبه در روز

عیـد و شب یازدهم معـذور است، ولی ظاهراً روز یازدهم بتواند رَمی کند، آیا برای رَمی روز عید، اسـتنابه کند، یا روز یازدهم خودش قضا کند؟

ج- باید نایب بگیرد که در روز عید، رَمی کند و سپس خود او هم در روز یازدهم قضایش را به جا آورد.

سؤال«۷۶۲»- چنان چه بتوانـد رَمی روز قبل و بعـد را در یک شب انجام دهـد، آیا می توانـد هر دو را قبل از نصف شب انجام دهد؛ مثلاً رَمی روز یازدهم و دوازدهم را در شب دوازدهم قبل از نصف شب انجام دهد؟

ج- در صورتی که از رَمی در روز، معذور است، می تواند رَمی هر دو روز را در شب یازدهم انجام دهد.

سؤال«۷۶۳»- اگر کسی قبل از طلوع خورشید در روز عید، رَمی کند، چه حکمی دارد؟

ج- اگر جزء معذورین است و یا از زن ها باشد،

مانعی ندارد والّا صحیح نیست و باید در روز عید، رَمی کند.

سؤال«۷۶۴»- شخصی رَمی روز عید را باید قضا کند. آیا باید بین قضا و رَمی آن روز که اَدا است، فاصله بیندازد یا می تواند بلافاصله انجام دهد؟

ج- باید قضا را مقدم کند و لازم است بین رَمی قضا و اَدا آن روز یک ساعت فاصله بیندازد به احتیاط واجب.

سؤال«۷۶۵»- اگر در اصابت تمام هفت سنگ به جَمَره شک کند، چه حکمی دارد؟

ج- باید به مقداری سنگ بیندازد تا یقین کند که هفت سنگ را انداخته است.

سؤال«۷۶۶»- آیا صحیح است که شخصی مثلاً یک مُشت ریگ را یک مرتبه بزند تا یقین پیدا کند که یکی از آن ها اصابت کرده و قصدش هم این باشد که اگر بیش از یکی اصابت کرد، فقط یکی از آن ها مأمور به او باشد؟

ص: ۳۶۷

ج- اگر قصد او این باشد که این مُشت ریگ، فقط یک سنگ محسوب شود، مانعی ندارد.

سؤال«۷۶۷»- آیا فاصله زمانی در رَمی هفت سنگ، مضر به رَمی جَمَره است؟

ج- مضرّ به رَمی نیست.

سؤال«۷۶۸»- آیا ریگهایی که دیگری برای خودش جمع کرده است را می شود برای رَمی استفاده کرد؟

ج- اگر با اجازه صاحب ریگ ها باشد، اشکال ندارد و إلّا صحیح نیست.

سؤال«۷۶۹»- اگر یکی از جَمَرات را به خیال این که جَمَره عَقَبه است، در روز عید، رَمی کند و روز یازدهم یا دوازدهم متوجّه شود، چه حکمی دارد؟

ج- باید ابتدا جَمَره عَقَبه را به نیّت قضا رَمی کند و سپس رَمی روز یازدهم یا دوازدهم را انجام دهد.

سؤال«۷۷۰»- شخصی در روز عید از رَمی جَمَره

عَقَبه معذور است، ولی شب یازدهم می تواند رَمی کند، در این فرض آیا می تواند همان روز عید، قربانی کند؟

ج- باید صبر کند تا روز یازدهم رَمی جَمَره عَقَبه کند و سپس قربانی کند.

سؤال«۷۷۱»- شخصی مسامحه کرده و با این که قدرت بر رَمی داشته است، استنابه کرده است و بعد ذبح و تقصیر کرد. آیا کفایت می کند؟

ج- اگر عمداً و با علم به این که باید خودش رَمی کند، نایب گرفته است، باید خودش رَمی را انجام دهد و بعد ذبح و تقصیر را اعاده کند و در صورت جهل و یا سهو، کفایت می کند.

سؤال«۷۷۲»- شخصی روز دهم رَمی جَمَره عَقَبه را عمداً ترک کرده است. حکم حجّ او چگونه است؟

ج- اگر تا روز سیزدهم، قضای رَمی را انجام دهد، حجّ او صحیح است و احتیاطاً باید مجدّداً حلق یا تقصیر را انجام دهد و إلّا بعید نیست که حجّ

ص: ۳۶۹

باطل باشد.

سؤال«۷۷۳»- کسی که از رَمی جَمَرات و ایاب و ذَهاب برای رَمی، معذور است، چه تکلیفی دارد؟

ج- باید برای رَمی، نایب بگیرد.

سؤال«۷۷۴»- شخصی که ضعف بینایی دارد یا نابینا است، آیا برای رَمی جَمَره، استنابه کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ج- باید نایب بگیرد.

سؤال«۷۷۵»- شخصی سه یا چهار ریگ به جَمَره زده و از انجام بقیه آن عاجز شده است. وظیفه او چیست؟

ج- اگر امکان اتمام آن را ولو در روز بعد ندارد، باید نایب بگیرد.

سؤال«۷۷۶»- آیا رَمی جَمَرات از طبقه فوقانی جایز و مُکفی است و چنان چه بر اثر ازدحام جمعیت، رَمی در طبقه پایین، مشکل باشد، تکلیف

چیست؟

ج- رَمی از طبقه فوقانی، جایز نیست مگر ازدحام جمعیت به حدّی باشد که امکان رَمی از طبقه پایین در هیچ شرایطی امکان نداشته باشد.

سؤال«۷۷۷»- آیا رَمی قسمت سیمانی جَمَره عَقَبه از طبقه دوم نیز اشکال دارد؟

ج- اشکال دارد.

ص: ۳۷۱

استفتائات محصور و مصدود

سؤال«۷۷۸»- در عمره مفرده در بین راه مـدینه به مکّه یکی از زائرین، بیمار می شود، او را به بیمارسـتان جَدّه می برند. پس از یک هفته بستری، بهبود می یابـد و چون بیش از ۱۵ روز حقّ اقامت در کشور عربسـتان را نداشت، مأموران سعودی از رفتن او به مکّه جلوگیری می کنند. آیا باید به وظیفه محصور عمل کند یا مصدود؟

ج- با فرض این که بعد از مُحرِم شدن، بیمار شده است، باید به وظیفه محصور عمل کند و با قربانی و تقصـیر بعد از قربانی از اِحرام خارج می شود.

ص: ۳۷۲

سؤال«۷۷۹»- در فاصله بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع در اثر تصادف رانندگی، یکی از زائران پایش شکسته و جراحت زیادی متوجّه او می شود؛ لذا در بیمارستان تحت مراقبت های ویژه قرار می گیرد. وظیفه او نسبت به حجّ تمتّع چیست؟

ج- اگر امکان مُحرِم شدن برای حجّ تمتّع را دارد و می تواند وقوفین را درک کند، باید مُحرِم شود و برای اعمالی مثل رَمی و امثال آن نایب بگیرد و حلق را خودش انجام دهد و اگر بتواند خودش طواف انجام دهد ولو با کمک دیگران و إلّا نایب بگیرد و اگر همین مقدار هم برای او مقدور نیست، حجّ از او ساقط است و اگر سال اول استطاعت او بوده است، حجّ بر او مستقرنشده است.

سؤال«۷۸۰»- اگر پس از انجام عمره تمتّع، بیمار شود و به تشخیص پزشکان باید به وطن برگردد و نمی تواند اعمال حجّ به جا آورد، یا وقت وقوف گذشته است و او را مُحرِم کرده اند و یا مُحرِم کرده اند ولی

ص: ۳۷۳

برای وقوف نبرده اند، تکلیف چیست؟

ج- اگر قبل از اِحرام حجّ باشد، وظیفه ای برعهده او نیست و اگر سال اول او بوده است، حجّ بر عهده او مستقر نشده است؛ امّا اگر مُحرِم به اِحرام حجّ شده است، و نتوانست به وقوفین برسد، باید به احکام محصور عمل کند، یعنی قربانی یا پول آن را به مِنی بفرستد تا برایش ذبح کنند و بعد از ذبح، تقصیر کند تا از اِحرام خارج شود و خودش یا نایب (در صورت عدم امکان) طواف و نماز و سعی و طواف نساء را انجام دهد بنابر احتیاط واجب.

سؤال«۷۸۱»- شخص مُحرِمی در عمره مفرده پس از ورود به مکّه معظمه، بیمار می شود و نمی تواند طواف و سعی انجام بدهد؛ لذا یکی از دوستانش نیابتاً اعمال عمره مفرده را از طواف و نماز و سعی از جانب او انجام می دهد و به ایران باز می گردند. آیا از اِحرام خارج شده است؟ با توجّه به این که از نظر مقرّرات دولتی امکان بازگشت به مکّه وجود ندارد،

ص: ۳۷۴

تکلیف چیست؟

ج- اگر امکان نـدارد که او را ولو با وسـیله ای طواف دهند، نایب، این اعمال را انجام دهد و سـپس خودش تقصـیر کند تا از اِحرام خارج شود.

سؤال«۷۸۲»- شخصـی اعمـال عمره تمتّع را تمـام کرده است و اکنون نمی توانـد حـجّ تمتّع به جـا آورد؛ مثلاً- برای خـدمت به حجّاج از سوی سازمـان حـجّ و زیارت به حـجّ آمـده و اکنون سازمان مـذکور او را مأمور کرده که در مکّه بمانـد. وظیفه اش چیست؟

ج- به مأموریت خود ادامه دهد و وظیفه ای ندارد و اگر سال اول استطاعت او است، از حَجَّه الاسلام، کفایت نمی کند.

سؤال«۷۸۳»- شخصـی در مکّه بیمـار بـوده و مُحرِم به حـجّ شـده و وقوفین را درک کرده است، ولی اعمـال مِنی و مکّه را نمی تواند انجام دهد؛ وظیفه او چیست؟

ج- باید برای رَمی و قربانی، نایب بگیرد و خودش

حلق یا تقصیر کند و سپس اگر خودش نمی تواند طواف و سعی را و لو با کمک دیگران انجام دهد، نایب بگیرد واعمال او صحیح و مُجزی از حَجّه الاسلام است.

سؤال«۷۸۴»- شخصی به نیّت عمره تمتّع استحبابی برای یکی از معصومین یا یکی از شهدا، مُحرِم شد و طواف و نماز طواف عمره را به جا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد. آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج- اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده است، و نمی تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

سؤال«۷۸۵»- آیا تصادف در اِحرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می دهد، به جا آورد؟

ج- بله، با شرایط معتبره در حَصر، حکم حَصر بر آن مترتب می شود.

سؤال«۷۸۶»- در مَناسِک، حکم محصور را که بیان فرموده اید، مربوط است به کسی که مُحرِم شده است و قبل از محل شدن محصور شود. در این جا این سؤال مطرح است که اگر پس از انجام اعمال عمره تمتّع و خارج شدن از احرام آن، محصور شود و نتواند برای حجّ، مُحرِم شود، آیا حجّ از او ساقط است یا نه؟ وظیفه او چیست؟

ج- از اِحرام خارج شده است؛ ولی کفایت از حجّ نمی کند و چنان چه سال اول استطاعت او باشد، حجّ بر او واجب نشده است.

سؤال«۷۸۷»- شخصی پس از آن که برای حجّ، مُحرِم شده است، دچار سکته قلبی می شود، به گونه ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد. وظیفه او چیست؟

ج- اگر نمی تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می کند، چنان چه وقوفین را درک کرده، نسبت به بقیه اعمال، تفصیل بین

ص: ۳۷۷

امکان استنابه و عدم آن است که در مناسک ذکر شده است.

سؤال«۷۸۸»- شخصی در میقات برای عمره تمتّع، مُحرِم شده است و پس از احرام و قبل از سایر اعمال، دستگیر و زندانی شده و پس از گذشت ایّام تشریق، او را آزاد کرده اند؛ ولی در زمان صَدّ، به وظیفه مصدود عمل نکرده است. حال یا جاهل به مسأله بوده یا نمی توانسته که عمل کند؛ ولی اکنون می تواند عمره مفرده انجام دهد. وظیفه او برای خروج از اِحرام چیست؟ در صورتی که نتواند عمره مفرده انجام دهد، تکلیفش چیست؟

ج- اگر می تواند، با انجام عمره مفرده از اِحرام خارج شود و إلّا لازم است به وظیفه مصدود عمل نماید.

سؤال«۷۸۹»- شخصی در مدینه مصدوم می شود. او را به مسجد شجره می آورند و مُحرِم می نمایند. آیا اِحرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟

اگر نتواند حجّ انجام دهد، تکلیف او چیست؟

ج- اِحرام او صحیح است. اگر می تواند که عمره و حجّ را انجام دهد، ولو با استنابه در طواف و سعی، حجّ او صحیح است؛ ولی اگر نمی تواند حجّ به جا آورد، احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با اِحرام مزبور، عمره مفرده هم انجام دهد.

استفتائات مسائل متفرقه

سؤال«۷۹۰»- در کتاب «عروه الوثقی» آمده است که: «نماز در مسجدالحرام معادل یک میلیون نماز است» مدرک آن چیست؟

ج- در کتاب وسائل الشیعه ج ۳، ص ۵۳۶، باب ۵۲ از ابواب احکام المساجد موجود است.

سؤال«۷۹۱»- آیا ثوابی که برای نماز در مسجدالحرام و مسجد النّبی بیان شده است، شامل قسمت های توسعه یافته نیز می شود؟

ج- این ثواب شامل هر قسمتی که جزء مسجد باشد، می شود.

ص: ۳۸۰

سؤال«۷۹۲»- شرکت در نماز جماعت اهل سنّت و خواندن نمازهای یومیّه با آن ها، آیا کفایت از نماز واجب می کند؟

ج- کفایت از نماز واجب نمی کند و باید اعاده شود، مگر صرفاً در حرکات، تابع آنان باشد؛ ولی نیّت اقتداء نکند و قرائت و اذکار را برای خودش بخواند.

سؤال«۷۹۳»- آیا در مسجدالحرام و مسجدالنّبی صحیح است که شخص، نماز قضا به جماعت عامّه اقتدا کند یا صحّت اقتدا مخصوص نمازهای اَدایی است؟

ج- اقتدا به جماعت اهل سنت، کفایت از نماز اَدا و یا قضای واجب نمی کند.

سؤال«۷۹۴»- گاهی مشاهده می شود که هنگام برپایی نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجد النّبی، بعضی از حجّاج از مسجد خارج می شوند و یا در کناری ایستاده و تماشا می کنند. لطفاً نظر مبارک را

در این باره مرقوم فرمایید؟

ج- این گونه کارها درشأن شیعه نیست و موجب وَهن به شیعه است و بهتر است در ظاهر با آنان نماز خوانده شود ولو نیّت اقتداء نکنید و ثواب نماز را خواهید برد و قرائت و اذکار را برای خود بخوانید.

سؤال«۷۹۵»- در طبقه بالای مسجدالحرام و مسجدالنّبی که نماز جماعت تشکیل می شود و ایرانی ها در آن شرکت می کنند، با وَصف این که اتّصال به هیچ وجه، مراعات نشده و جای تَقیّه هم نیست، زیرا می توانند نماز را در طبقه پایین که لااقل اتّصال حفظ می شود بخوانند، آیا نماز در طبقه فوقانی صحیح است؟

ج- اقتداء به جماعت اهل سنت، صحیح نیست و می توان به حسب ظاهر حرکات را با آن ها انجام داد و قرائت و ذکر را در نزد خودتان بخوانید و نماز با این فرض، صحیح است، البته در مغرب و عشا که باید قرائت بلند خوانده شود، اگر

آهسته بخوانید، اکتفا به آن مشکل است.

سؤال«۷۹۶»- شرکت در نماز جماعت مغرب اهل سنّت، با توجّه به این که وقت نماز مغرب نزد آن ها زودتر از مغرب شرعی نزد شیعیان است، آیا کفایت از نماز مغرب می کند؟

ج- اقتدا به جماعت آنان مُکفی و صحیح نیست و چون باید قرائت را بلند خواند و در هنگام جماعت آنان نمی توان این کار را کرد و لذا احتیاطاً باید نماز مغرب اعاده شود.

سؤال«۷۹۷»- شخصی برای خواندن نماز جماعت وارد مسجد النبی یا مسجدالحرام یا یکی از مساجد اهل سنّت شده در حالی که جماعت تمام شده، ولی صف ها به هم نخورده است. آیا اذان و اقامه ساقط می شود؟

ج- با فرض مزبور، اذان و اقامه ساقط نیست.

سؤال«۷۹۸»- آیا در نماز جماعت اهل سنّت هم می توان برای درک ثواب، در تشهّد آخر اقتدا کرد و

بدون تکبیر، مجدد نماز را به طور فُرادا ادامه داد؟

ج- چون اقتداء به جماعت آنان در غیر حال اضطرار و تَقیّه، صحیح نیست و لذا عمل مذکور هم توجیهی ندارد.

سؤال«۷۹۹»- سجدّه کردن بر مُهر یا حَصیر و بادبزن در مساجد مکّه و مدینه چنان چه انگشت نما و سبب وَهن به مسلمانان شود، چه حکمی دارد؟

ج- اگر موجب وَهن و اهانت تَشَیُّع و یا آزار شیعیان شود، جایز نیست.

سؤال«۸۰۰»- در فرودگاه جِدّه، حجّاج سایر کشورها نیز رفت و آمد دارند و مُهر، کاغذ، بادبزن و غیره در سجدّه به کار گرفتن توسّط شیعیان برای آنان ناآشنا است. وظیفه در هنگام سجدّه نماز چیست؟ آیا صِرف ناآشنا بودن، برای دیگران، وَهن شیعه به حساب می آید؟ یا آن که احساس شود که آنان از چنین اعمال تَنَفّر داشته و به وَهن منجر می شود؟ اگر به وَهن منجر شود، آیا نماز خوانده شده، صحیح

است؟

ج- اگر این عمل شیعیان، موجب تنفّر و سرزنش و یا تَمَسخُر شود، وَهن، صدق می کند و صِرف مأنوس نبودن این عمل در نزد آنان موجب وَهن نیست و در صورت تحقّق وهن تَشَیُّع، اکتفاء به این نماز، مشکل است.

سؤال«۸۰۱»- آیا عَرَفات و مَشعَر، جزء حرم هستند؟

ج- مَشعَر جزء حرم است، امّا عرفات جزء حرم نیست.

سؤال«۸۰۲»- آیا خواندن نماز واجب در حِجر اسماعیل اشکال دارد؟

ج- اگر رو به کعبه باشد، نماز واجب در حِجر اسماعیل صحیح است.

سؤال«۸۰۳»- فاصله بین مکّه و عرفات که قبلاً- چهار فرسخ بوده است، امروزه با توجّه به توسعه مکّه و اتّصال شهر به مِنی، کمتر از مسافت شرعی است،

در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکّه را کرده است، شب یا بیشتر در آن جا بیتوته می کند. نماز او در عَرَفات و مَشعَر و مِنی و پس از مراجعت به مکّه، قصر است یا تمام؟

ج- اگر ابتدا در مکّه قصد اقامه ده روز کند و بماند و سپس به عرفات برود، نماز در عرفات و بعد از بازگشت نیز تمام است.

سؤال«۸۰۴»- با توجّه به توسعه فعلی مکّه و مدینه، مسافر در چه قسمتی از این دو شهر، مُخَیَّر به قَصر و اتمام است و آیا فرقی بین نایب و غیره هست؟

ج- مسافر صرفاً در مسجدالحرام و مسجد النبّی، مُخَیَّر به قَصر و اتمام است و فرقی بین نایب و غیر آن ندارد.

سؤال«۸۰۵»- مدیر کاروان با توجّه به این که می داند توقّف زائران در مدینه یا مکّه، کمتر از ده روز است، به آن ها اعلام می کند که ده روز می مانیم و آنان

ص: ۳۸۶

به اعتماد گفته او نمازشان را تمام می خوانند و روزه می گیرند، ولی قبل از ده روز از آن جا می روند. حکم شرعی نسبت به مدیر که این مطلب را اعلام می کند و نماز و روزه زائران چیست؟

ج- نمازهایی را که در این مدّت به صورت کامل خوانده اند صحیح است و روزه ها نیز صحیح می باشد.

سؤال«۸۰۶»- در رساله آمده است: «مستحب است نمازگزار در حال ایستادن، جای سجدّه را نگاه کند و در حال تشهّد به دامن خود نگاه کند»، آیا نمازگزار در مسجدالحرام به کعبه نگاه کند بهتر است یا به همان مستحبّات عمل کند؟

ج- به مستحبات نماز عمل نماید.

سؤال«۸۰۷»- بعد از انجام اعمال حجّ یا عمره، افضل اعمال برای حجّاج در مسجدالحرام چه عملی است؟

ج- افضل اعمال بعد از اعمال واجب حجّ و عمره،

ص: ۳۸۷

طواف و نماز و قرآن است و به جا آوردن عمره مفرده نیز مستحب است و اگر بین این عمره و عمره قبلی کمتر از ده روز فاصله است، به قصد رجاء آورده شود.

سؤال«۸۰۸»- حکم روزه اشخاصی که در مسجدالحرام یا مسجد النّبی قبل از وقت افطار، از باب تَقیّه افطار می کنند، چیست؟

ج- اگر از باب تَقیّه مداراتی است، باید مجدّد اعاده شود و کفایت از روزه واجب نمی کند و امّا اگر از باب اضطرار است، مانعی ندارد.

سؤال«۸۰۹»- شخصی در مدینه منوره، مسافر است و روزه قضای ماه رمضان نیز دارد. آیا برای قضای حاجت می تواند سه روز، روزه مستحبی بگیرد؟ آیا می تواند این سه روز را با فاصله بگیرد؟

ج- چون مسافر است، روزه قضای واجب نمی تواند بگیرد و لذا می تواند سه روز، روزه مستحبی برای قضای حاجت بگیرد و احتیاط آن است

ص: ۳۸۸

که روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه باشد.

سؤال«۸۱۰»- در توضیح المسائل آمده است که مسافر می تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیّبه، روزه مستحبی بگیرد. سؤال این است که آیا صحیح است که فقط یک یا دو روز، روزه بگیرند و آیا این روزه ها به جای روزه قضا محسوب می شود و آیا صحیح است که به نیابت تَبَرّعی یا استیجاری از غیر، روزه بگیرند؟

ج- طبق روایت وارده، استحباب این روزه در صورتی است که سه روز، روزه بگیرد؛ البته اگر در اثنای آن عارضی پیش آمد و نتوانست سه روز را کامل کند، ثواب می برد و به جای روزه قضا محسوب نمی شود و صحّت به جا آوردن آن به نیابت نیز بعید است.

سؤال«۸۱۱»- در مکّه و مدینه که مسافر مُخَیَّر بین اتمام و قَصر است، اگر تمام را اختیار کرد، آیا می تواند نَوافِل نَهاریه را بخواند؟

ج- تَخییر بین اتمام و قَصر، صرفاً در مسجدالحرام و مسجد النّبی است و نَوافل نَهاریه را هم می تواند بخواند.

سؤال«۸۱۲»- خانمی بدون اذن شوهر به مدینه منوره آمده است. سفر او سفر معصّیت است و باید نمازهای یومیه را تمام بخواند. آیا نَوافِل نَهاریه را می تواند بخواند و آیا روزه مستحبی می تواند بگیرد؟

ج- نَوافِل نَهاریه را می تواند بخواند و روزه مستحبی را می تواند بگیرد.

سؤال«۸۱۳»- شخصی دعاهای طواف یا غیر آن را ریاءً خوانده است. آیا موجب بطلان طواف و اعمال او شده یا خیر؟

ج- اگر اعمال واجب از طواف را به قصد قربت به جا آورد و صرفاً ریاء او در اعمال مستحبی مثل دعا باشد، طواف و اعمال او باطل نیست.

سؤال«۸۱۴»- با توجّه به این که از تَقیّه مداراتی برداشت های مختلف می شود، بفرمایید که منظور از

آن چیست؟

ج- مراد از تَقیّه مداراتی آن است که شیعیان برای حفظ اتحاد و دوستی و دوری از تَمَسخُر و سرزنش آنان و وَهن تَشَیُّع با برادران اهل سنت در افعال و اعمال، مُتّحد باشند؛ امّا لازم به ذکر است که از نظر ما اگر نماز به صورت تَقیّه مداراتی خوانده شود، اکتفا از نماز واجب نمی کند و باید اعاده شود.

سؤال«۸۱۵»- آیا غسل های طواف، احرام، زیارت قبر نبّی اکرم (صلّی اللّه علیه و آله) و ائمّه اطهار (علیهم السلام) و جمعه، کفایت از وضو می کند؟

ج- این گونه غسل ها کفایت از وضو نمی کند.

سؤال«۸۱۶»- گاهی اوقات در مسجدالحرام و مسجد النّبی، کفش های انسان گم می شود و مشاهده می شود که کفش های فراوانی روی هم ریخته و مأموران نظافت مسجد، آن ها را جمع آوری کرده و دور می ریزند. آیا جایز است از آن کفش ها استفاده

کنند؟

ج- اگر مطمئن باشید که صاحبان آن ها از کفش خود اِعراض نموده اند، برداشتن آن اشکال ندارد، گرچه احتیاط در ترک این عمل است.

سؤال«۸۱۷»- در جایی که عدّه ای منتظر نوبتشان برای رفتن به حجّ واجب اند، آیا جایز است برای مرتبه دوّم و بیشتر به حجّ رفت و جای آن ها را گرفت؟

ج- اگر بخواهید با رابطه بازی و دور زدن قانون، حقّ دیگران را تَضییع کنید، جایز نیست؛ امّا اگر بر اساس قانون اسم نویسی باشد، رفتن به حجّ اشکال ندارد.

سؤال«۸۱۸»- شخصی وصیّت کرده است که در صورت فوت وی در مکّه یا مدینه جنازه اش را به کشورش منتقل کنند. چنان چه انتقال جنازه از عربستان به کشور، مُستَلزِم کالبد شکافی باشد، آیا عمل به وصیّت در فرض مزبور جایز است؟

ص: ۳۹۲

ج- اگر بدانید که انتقال جنازه بدون کالبد شکافی ممکن نیست، عمل به وصیّت واجب نیست، بلکه جایز هم نیست.

سؤال«۸۱۹»- شخصی دارای ملک یا اموال دیگری بوده که میّتوانسته با آن به حجّ برود؛ ولی خبر نداشته و پس از فوتش معلوم شده است، آیا لازم است برای او حجّ نیابتی انجام دهند؟ در همین فرض اگر مالش مغصوب بوده و نتوانسته بگیرد، تا فوت شده است، حکم آن چیست؟

ج- در فرض اول باید برای او حجّ نیابتی انجام داد؛ امّا در فرض دوم که اموالش در دست دیگران غصب شده بود و نمی توانست آن را بگیرد، مستطیع نبوده و حجّ نیابتی از طرف او واجب نیست.

سؤال« ۸۲۰»- در مسجد النّبی بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می توان روی فرش های مسجد، سجدّه نمود و یا این که باید بروند و در جایی که سنگ فرش

ص: ۳۹۳

است و بر سنگ نماز بخواند؟

ج- لازم نیست به جای دیگری که سنگ فرش است بروند، مگر آن که تَقیّه و ضرورت، اقتضا کند؛ در غیر این صورت باید رعایت شود، حتّی با این که نماز با شرایط کامل اعاده شود.

سؤال«۸۲۱»- کسی که نماز را در مسجدالحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج- با وضع فعلی نیاز به اعاده ندارد، در صورت تأخیر مأموم در مواضع سجود، از امام و مراعات اَقرب نبودن محل سجدّه کعبه و إلّا اعاده لازم است.

سؤال«۸۲۲»- در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوّره و یا مکّه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت، خاتمه یافته است، ولی نمازگزاران در مسجد هستند، آیا می تواند نماز را فُرادا

بر طبق شـرایط موجود به جای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سـجدّه بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج- می تواند در همان جا و بر طبق نماز آنان به جا آورد، در صورتی که ضـروت و تقّیه اقتضا کند و إلّا باید شـرایط، رعایت شود.

سؤال«۸۲۳»- حَصـیرهایی که در حِجـاز، مـورد اسـتفاده ایرانی و غیر ایرانی واقـع می شود، سـجده بر آن جـایز است یـا خیر، با ملاحظه این که حصیر مزبور با نخ، مخلوط است؟

ج- اگر عرفاً روی حَصیر سجده می شود، مانعی ندارد.

سؤال«۸۲۴»- اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجدّه بر پشت نمازگزاران صف جلو و عدم رعایت اتصال، آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج- اعاده دارد.

سؤال«۸۲۵»- آیا حائض و جُنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنّبی عبور کنند یا خیر؟

ج- نمی توانند.

سؤال«۸۲۶»- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکّه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت، نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج- مانعی ندارد و اگر وقت نشده است، باید صبر کنند.

سؤال«۸۲۷»- کسی خیال می کرد که بر سنگ های فرش شده در مسجدالحرام - زاده اللّه شرفاً – سجده، صحیح نیست و بر پشت دست، سجده می کرده است؛ نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج- صحیح نیست، حتّی اگر جاهل قاصر باشد.

ص: ۳۹۶

سؤال«۸۲۸»- در لیالی مقمره در مکّه کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده اند، کافی است؟

ج- در فرض مرقوم، جماعت صحیح است و اعاده ندارد و فرقی بین شب های مهتابی و غیر مهتابی نیست.

سؤال«۸۲۹»- کسی که قصد کرده است که تا پایان روز ترویه (هشتم ذی الحجّه) در مکّه اقامت نماید، به تصور این که از آغاز ورودش به مکّه تا روز ترویه، ده روز است و بر این اساس چند روز، نماز را تمام خواند، بعد خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد که ده روز نبوده است، وظیفه او در نماز چیست؟ آیا تمام است یا قصر؟

ج- اگر واقع ده روز را قصد کرده و بعد خلاف آن معلوم شده است، مثل این که یقین داشت که ماه، سی روز است و روز ترویه مثلاً سه شنبه است،

بعداً معلوم شد ماه، ۲۹ روز است و روز ترویه، دوشنبه است، بایـد نماز را تمام بخواند، اگر واقع آن را قصد ندارد، فقط خیال می کنـد که ده روز می ماند، مثل این که می داند ماه، ۲۹ روز و ترویه، دوشـنبه است، ولی در حساب اشتباه کرده و خیال می کند که تا آن روز، ده روز است در حالی که واقعاً نیست، باید بعد از کشف خلاف، نمازها را قصـر بخواند، گرچه احتیاط در جمع خواندن، مطلوب است و آن چه تمام خوانده را نیز قصراً قضا نماید.

سؤال« ۸۳۰»- شخصـی مقلـد هیـچ یک از فُقَها نبوده است، مثلاً ده سال، حالا می خواهـد تقلیـد کنـد. در این ده سال، مکّه هم رفته است. آیا عبادت های او مثل نماز و روزه و حَجّش صحیح است یا نه؟

ج- اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد، صحیح است.

سؤال« ۸۳۱»- قرآن هایی که در مسجدالحرام است، بر بعضی آز آن ها نوشته شده که وقف است؛ ولی بر

بعضی دیگر نوشته نشده است. شایع است آن ها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مُفَهِم وقف بودن باشد، ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است. بفرمایید جایز است یا نه؟

ج- برداشتن آن ها بدون این که از مُتَصدی ذی ربط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

سؤال«۸۳۲»- آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مَشعَر را می شود با خود آورد یا نه؟

ج- از صفا و مروه جایز نیست، ولی از مَشعَر مانعی ندارد.

سؤال«۸۳۳»- نیّت تیمّم از حدث اکبر در مسجدین چیست؟

ج- اگر در مسجد، نیّت شده است، باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد، اگر زمان تیمّم کوتاه تر از رفتن به بیرون باشد، تیمّم بدل از غسل جنابت کند، و با این اِلتفات اگر تیمّم کند، صحیح و با نیّت است و إلّا باید بدون تیمّم

بیرون رود.

سؤال«۸۳۴»- در تطهیر مسجدالحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می کنند و بعد با ظرف آب می ریزند و می شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می کند. آیا جواز سجدّه بر آن سنگ ها از باب عُسر و حَرج است یا جهت دیگر؟

ج- علم پیدا نمی شود و با فرض شک، نباید اعتنا شود.

سؤال«۸۳۵»- فرموده اید: «اگر از طرف قاضی مکّه حکم شد که فلان روز، عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم، متابعت آن جایز است»، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات به مَشعَر و اعمال مِنی را بدون مَحذور انجام داد تا متابعت قطعی واضع شود، آیا این کار لازم است یا نه؟

ج- اگر ماه نزد قاضی اهل سنّت، ثابت شده و بر

طبق آن حکم نموده، دو صورت دارد:

اول: آن که احتمال برود که حکم او مطابق واقع است که در این صورت پیروی از آن ها واجب می شود و بنابر أظهر همین مقدار در حجّ، کافی است.

دوم: آن که علم به خلاف فرض، شود که انسان بداند روزی که به حکم قاضی، روز عرفه (نهم) است واقعاً روز ترویه و هشتم باشد که بنابر احتیاط در این صورت وقوف با آن ها کافی نخواهد بود و در این حال اگر مُکَلَف تمکّن از عمل به وظیفه را داشته باشد ولو به وقوف اضطراری در مُزدَلَفه، بدون عذر و حتّی مَحذور مخالفت تقیه، باید عمل به وظیفه نماید و در غیر این صورت بنابر احتیاط، حجّش بدل به عمره مفرده شده و حجّی نخواهد داشت و چنان چه استطاعتش از همین سال بوده است و برای سال های بعد باقی نخواهد ماند، وجوب حجّ از او ساقط خواهد بود، مگر این که استطاعت تازه ای پیدا کند که بنابر احتیاط در این صورت

ص: ۴۰۱

دوباره حجّ نماید. البته تمام موارد در صورتی است که امکان انجام آن ها میسّر باشد و إلّا باید از آن ها متابعت کرده ولو آن که علم به خلاف باشد.

سؤال«۸۳۶»- اگر شخصی در مکّه یا مدینه، پول سعودی پیدا کند که نمی داند مُتعلِّق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه اش چیست؟

ج- با یأس از پیدا شدن صاحبش، از طرف او به فقیر صدقه بدهد، بنابر احتیاط، البته این حکم بعد از توجّه به این مسأله است که برداشتن لَطمه در حرم، بنابر احتیاط جایز نیست.

سؤال«۸۳۷»- زنی به همراه شوهرش در روز یازدهم، جهت رَمی به طرف جَمَرات حرکت می کند که بر اثر شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت، شوهر خود را گم می کند. حالت اضطراب و شوکه شدن به او دست می دهد و به زمین می افتد. مأمورین او را به بیمارستان منتقل می کنند. بعد از چهار روز تَفَحُّص و

جستجوی زیاد در بیمارستان پیـدا می شود که قادر به سـخن گفتن نبوده و حتّی قادر به انجام بقیه اعمال حجّ نمی باشد و در فاصـله این مـدّت، همراهان او شوهرش را تکلیف می کنند، که به نیابت از خانواده خودش بقیه اعمال او را انجام دهد. آن چه مسـلم است این بوده که شوهر در حال ناراحتّی واضـطراب و حواص پرتی بوده، ولی از او که سؤال می شود اعمال حجّ نیابتی را انجام دادیـد یا نه جواب می دهـد، بله انجام دادم. پس از مراجعت از حـجّ، شوهرش قسم جلاله یاد می کند که من حالم به جـا نبوده، و اعمـال نیـابتی را انجـام نـدادم و اظهـار می کنـد که اجتمـاع مـا بـا هم حرام است. آیـا حـجّ صـحیح است یا نه؟ و درصورت عـدم صـحّت آیا با نیابت کفایت می کنـد یا این که لازم است خودش بقیه اعمال حجّ را انجام دهد و قربانی که به واسطه عدم بیتوته در مِنی می باشد، آیا در محل خودش ذبح کند کافی است و یا باید به مِنی فرستاده شود؟

ص: ۴۰۳

ج- اگر اعمال روز عید را انجام داده و اعمال مکّه را انجام نداده، در صورتی که می تواند خودش به مکّه برود، باید خودش آن ها را انجام دهد، و اگر معذور است، نایب بگیرد و قربانی مورد سؤال که وجوبش بنابر احتیاط است، در محل خودش هم صحیح است و لازم نیست به مِنی فرستاده شود و رَمی که انجام نشده است، سال بعد در ایّام تشریق باید قضاء شود، و اگر خودش نمی تواند برود، نیابت کافی است.

سؤال«۸۳۸»- شخصی در سال ۱۳۶۱، به حجّ مشرف می شود و در غروب روز نهم ذی الحجّه با وانت کارگری بدون توقف در مشعر الحرام به مِنی رفته و در خارج مِنی به دست غیر مؤمن قربانی کرده و در خارج مِنی سر تراشیده است. تکلیف این شخص چیست؟ آیا می تواند به نیّت دیگری یا برای خودش به حجّ مشرّف شود؟

ج- بعید نیست به واسطه حلق در خارج مِنی از باب جهل به مسأله، او را از اِحرام خارج کرده

ص: ۴۰۴

باشد و قربانی هم صحیح است؛ چون در خود مِنی میسر نیست و قربانی غیر مؤمن، مُجزی است؛ پس اشکال منحصر است در ترک وقوف مَشعَر به هر دو قسمش، لذا باید عمره مفرده به جا آورد، سپس دوباره اصل حجّ را انجام دهد.

سؤال« ۸۳۹»- آیا در عرفات و مِنی و مَشعَر و بعد از مراجعت از اماکن مزبور در صورتی که مسافت شرعی محقّق نشود، وظیفه حجّاجی که قبلاً در مکّه معظمه قصد اقامت کرده اند، از حیث قَصر و تمام چیست؟

ج- در فرض مذکور، تمام است.

سؤال« ۸۴۰»- بعضی از حجّاج در مکّه، قصد اقامه کرده اند، چه بطن مکّه یا محلات آن مثل شیشه و ریع الذاخر یا مسفله یا حجّون. اگر یقین داشته باشند که تا عرفات، چهار فرسخ است، نماز را قَصر و اگر شک داشته باشند در مسافت شرعی، نماز را تمام می خوانند. بفرمایید که در مراجعت از عرفات و

مِنی، تکلیف آنان از نظر قَصر و اتمام چیست؟ باتوجّه به این که توقف آنان در مکّه، یک روز یا سه روز یا نه روز است و باید به ایران یا مدینه حرکت کنند؟

ج- در صورت عدم مسافت شرعیه یا شک در آن که در نماز باقی بر تمام هستند، اگر از عرفات که به مکّه برمی گردند، از جهت این که محل اقامه است، می روند و بعد از مکّه قصد مسافرت می کنند. در بازگشت به مکّه و در خود مکّه هم نمازشان تمام است؛ چون فاصله مکّه تا عرفات فعلاً مسافت شرعیه نیست و اگر قبلاً در مکّه قصد اقامت کرده اند، نمازشان در مکّه و عرفات و در بازگشت، تمام است.

سؤال«۸۴۱»- اگر موقف، دو روز اختلاف داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج- فرقی بین یک روز اختلاف و دو روز در حکم مسأله نیست.

سؤال«۸۴۲»- در مواردی که فرموده اید: «اگر مَشَقّت یا حَرَج داشته باشد...»، بفرمایید که منظور از مَشَقّت و حَرَج شخصی است یا نوعی؟

ج- باید خصوص مسأله ملاحظه شود؛ ولی اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

سؤال«۸۴۳»- حاجی، تمام اعمال عمره و حجّ را انجام داده و بعد فهمیده که وضویش باطل بوده است. آیا با تدارک طواف ها و نماز، حجّ او صحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از اِحرام خارج شود؟ وظیفه او چیست؟

ج- بله، با تدارک طواف ها و نماز، حجّ او صحیح است، اگر باطل بودن وضو مربوط به خصوص حجّ باشد؛ ولی اگر وضو کلاً ـ چه در عمره و چه در حجّ، باطل شد، در این صورت بعد از جَمَرات، طواف و نماز سعی و طواف نساء و نماز آن از اِحرام، مُحلّ می شود، سپس عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد، حجّ واجب را

ص: ۴۰۷

به جا آورد؛ این در صورتی است که در مکّه ماه ذی الحجّه متوجّه شود و اگر بعد از خروج ذی الحجّه فهمید، در این صورت رجاءً از میقات، مُحرِم شود به احرام عمره مفرده که با انجام اعمال آن و طواف نساء و نماز آن از اِحرام خارج شود و برای سال آینده، حجّ واجب را به جا آورد.

سؤال«۸۴۴»- اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد که عوض آن را -به قیمت دولتی یا آزاد- پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج- در تبدیل پول، باید با هم تَراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد.

سؤال«۸۴۵»- پیش آهنگانی که می خواهند بدون اِحرام در عَرفات و مِنی باشند و نمی توانند در آن جا با اِحرام باشند، می توانند برای ورود به مکّه ،عمره مفرده انجام دهند و برای حجّ، مُحرِم نشوند، ولی کسی که مستطیع است، نباید این کار را قبول کند و باید عمره

ص: ۴۰۸

و حجّ تمتّع به جا آورد و در هر صورت اگر مُحرِم شد و با لباس مُخیط بود، حجّ او صحیح است و باید کفاره بدهد.

سؤال«۸۴۶»- شخصی بعد از اِحرام عمره تمتّع، دیوانه شده است. دوستان او بدون اجازه برای او نایب می گیرند و یا تَبَرُعاً باقی اعمال او را انجام می دهند. آیا این اعمال برای شخص اوّل، مُجزی است و از اِحرام خارج می شود یا نه؟ اگر پولی خرج شد، آیا می شود از ولیّ کسی که دیوانه شده است، گرفت یا نه؟

ج- نیابت مزبور، کفایت نمی کند. اِحرام شخص دیوانه با جنونش باطل شده است؛ هم چنان که حجّ و عمره او باطل خواهد بود و پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی تواند به دیگری رجوع کند، مگر آن که مغرور شده باشد.

سؤال«۸۴۷»- آیا عمره و حجّ به واسطه جِماع، یا ترک طواف، یا ترک احد الموقفین، فاسد می شود یا

نه؟ بر فرض فساد، چگونه باید از اِحرام خارج شد؟

ج- تفصیل موارد فساد به واسطه امور ذکر شده، در مَناسِک، موجود است، و جِماع در عمره تمتّع، مفسد نیست و چنان چه در حجّ، فساد به واسطه جِماع باشد، باید عمل حجّ را تمام کند گرچه فاسد است و با اتمام حجّ از اِحرام خارج می شود؛ ولی در موارد دیگر، اگر فساد به ترک طواف در عمره تمتّع، در مَناسِک مفصلاً بیان شده است، ترک طواف در حجّ، صوری دارد که بعضی از آن ها در مناسک ذکر شده است.

سؤال«۸۴۸»- کسی که حجّ او را به واسطه ترک وقوفین، فاسد شده و باقی اعمال را به جا آورده و بدون عذر عمره مفرده به ایران آمده است، تکلیف فعلی و آینده این مُحرِم چیست؟

ج- به اِحرام باقی است و می تواند برای خروج از اِحرام، عمره مفرده انجام دهد و اگر شخصاً نمی تواند به مکّه برود، نایب بگیرد.

سؤال«۸۴۹»- آیا قصد ابطال عمره یا حجّ و یا بعضی اجزاء آن مبطل است یا نه؟

ج- قصد ابطال مبطل نیست.

سؤال« ۸۵۰»- آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می رسد، جایز است یا نه؟

ج- اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است، مانعی ندارد و اگر بدانند که از بلاد کفر وارد می شود، درصورتی محکوم به حِلیّت است که وارد کننده، مسلمان باشد و احتمال بدهند که اِحراز تزکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

سؤال« ۸۵۱»- آوردن خاک، ریگ و سنگ از عرفات، مَشعَر الحرام، مِنا، صفا، مروه یا منطقه حرام چه حکمی دارد؟ چنان چه عمداً یا جهلاً آورده باشد، برگرداندن آن واجب است یا نه؟

ج- بیرون آوردن این امور از مساجد مانند

مسجدالحرام و مسجد خیف یا از صفا و مروه جایز نیست و برگرداندن آن ها در صورت امکان واجب است؛ ولی در غیر این موارد، مانعی ندارد، گر چه اجتناب شود، بهتر است.

سؤال«۸۵۲»- گاهی اوقات جماعت اهل سنت در نماز، سوره سجدّه را می خواند و نماز گزاران در اثنای قرائت به سجدّه می روند و برمی خیزند.

اولاً: تکلیف چیست؟

ثانیاً: اگر کسی عمداً یا جهلاً یا سهواً سجده را ترک کرد، نمازش چه حکمی دارد؟

ثالثاً: اگر ندانسته به رکوع رفت و سپس به سجده و دوباره به قیام برگشت، تکلیف چیست؟

ج- اولاً: اگر مورد تَقیّه نباشد، می تواند سجدّه را با ایما و اشاره انجام دهد و بعد از نماز، سجده کامل بیاورد و نماز را اعاده نماید؛ ولی در مورد تَقّیه، تبعیت از آن ها اشکالی ندارد؛ ولی نماز را بعداً اعاده نماید.

ص: ۴۱۲

ثانیاً: اشکالی ندارد.

ثالثاً: چون رکن نماز، اضافه شده است و تبعیت در جماعت هم صدق نمی کند، نماز را تمام و اعاده نماید.

سؤال«۸۵۳»- مَسّ کردن اَلقاب ائمّه اطهار، مثل «رضا»، «جواد» و «هادی» بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج- اگر بی حرمتی نباشد، مانعی ندارد؛ گرچه مستحب است که مَس اَلقاب با وضو صورت گیرد.

سؤال«۸۵۴»- در ایّام عمره که جمعیت کمتری در نماز جماعت مسجدالحرام شرکت می کنند، امام مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می ایستد، و چند صف دور کعبه تشکیل می شود و بقیه جمعیت داخل شبستان ها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست. آیا لازم است شیعیان به هنگام شرکت در نماز جماعت مسجدالحرام، اتصال صفوف را

مراعات کنند و یا به همان مقداری که آنان نماز را صحیح می دانند کافی است، به علاوه بانوان را داخل حیاط راه نمی دهند و اتصال آن ها به ناچار قطع است. تکلیف چیست؟

ج- با فرض عدم تَقیّه کفایت نمی کند؛ ولی می تواند اقتدا صوری نماید و قرائت را آهسته بخواند و اگر آن هم ممکن نشد، حدیث نفس کند و بعداً در صورت سَعه وقت، اعاده نماید.

سؤال«۸۵۵»- کسانی که از هند و پاکستان به عربستان می آیند و در مکّه، معظمه مُقیم می شوند، آیا حجّشان تمتّع است یا وظیفه دیگری دارند؟

ج- چنان چه به قصد مجاورت در مکّه بمانند و بعد از دو سال مستطیع شوند، حکم اهل مکّه را پیدا می کنند، و در غیر این صورت، صور مختلفه ای است که در تحریر الوسیله ذکر شده است.

سؤال«۸۵۶»- کیفیت حجّ قران را بیان فرمایید، و آیا این حجّ بر کدام اشخاص واجب می شود؟

ج- حجّ قران واجب تعیینی نیست و چون مورد ابتلاء نیست، می توانید به کُتب مُفَصله مراجعه نمایید.

سؤال«۸۵۷»- اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم، پاک شد و غسل کرد و اعمال حجّ را به جا آورد؛ ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج- اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت، محل اشکال است که مراعات احتیاط باید بشود.

سؤال«۸۵۸»- جوان ۱۷ ساله غیر مختون که به تشخیص شورای پزشکی، ختنه برای او خطر دارد، مستطیع شده و فعلاَ در مدینه است. تکلیف او نسبت به حجّ چیست؟

ج- باید مُحرِم شود و خودش طواف کند و نایب هم

ص: ۴۱۵

بگیرد برای طواف بنابر احتیاط و بعد از طواف خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز خودش نماز دیگر بخواند و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود، خودش یک نماز بخواند کفایت می کند.

سؤال« ۸۵۹»- بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان برهم می خورد به طوری که گاهی در مدّت طولانی مرتب خون و لک می بینند، وظیفه این گونه زنان در حجّ چیست؟

ج- اگر خون، سه روز استمرار داشته باشد ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فَرج، آلوده باشد، حکم حیض دارد وگرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

سؤال« ۸۶۰»- کسی که وظیفه او وضو جبیره ای و تیمّم است، امّا از روی جهل، بدون تیمّم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج- طواف و نماز آن باید اعاده شود و اعمال بعد از

آن، اگر التفاتش بعد از سعی و تقصیر بوده.

سؤال«۸۶۱»- زنی مسأله را نمی دانست، بعد از پاک شدن از حیض خیال می کرده که جنب است ولذا غسل جنابت را نیّت کرد و با همین حال، حجّ انجام داد. بفرمایید که حجّ او چگونه است؟

ج- اگر منظور او غسل برای حَدَثی که از خون داشته است، باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

سؤال«۸۶۲»- زنی به حساب شناسنامه بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است؛ ولی در عرفات خون می بیند؛ بنابراین آیا در یائسگی او می توان تردید داشت یا نه و وظیفه او چیست؟

ج- اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست، حکم مستحاضه را دارد.

سؤال«۸۶۳»- زنی که حیض نمی شود، ولی هر دو ماه یک بار دو سه روزی لک و ترشحات می بیند،

وظیفه اش چیست؟

ج- اگر خون، استمرار تا سه روز ندارد، ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدّت باطن فرج، آلوده باشد، حکم استحاضه دارد.

سؤال«۸۶۴»- شخصی غسل مس میّت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال حجّ متذکر می شود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از مس میّت، غسل جنابت کرده باشد، چون جُنب هم بوده یا بعداً جنب شده است، غسل جنابت و سایر اغسال واجبه کفایت می کند و عملش صحیح است و إلّا باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

سؤال«۸۶۵»- مدّتی است که به علت ابتلاء به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع احساس نمی کنم و از کیسه مخصوص استفاده می کنم، البته برای وضو و نماز غسل می کنم. مستدعی است در رابطه با انجام مراسم حجّ، تکلیف شرعی بنده را

مرقوم فرمایید؟

ج- اگر در طواف و نماز آن رعایت وظیفه ای که برای وضو و نماز دارید، بنمایید و نایب هم احتیاطاً بگیرید، عمل حجّ شما صحیح است.

سؤال«۸۶۶»- شخصی عمل جراحی انجام داده است و فعلاً کیسه ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می ریزد؛ ولی نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده اند. آیا این شخص، حکم مَسلوس را دارد؟

ج- حکم مسلوس را دارد.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً والسلام علی محمدٍ و آله الطیبین و اللعن علی أعدائهم أجمعین

ص: ۴۱۹

فهرست مطالب

ص: ۴۲۱

ص: ۴۲۲

ثواب ختم قرآن در مکه

من ختم القرآن بمکه من جُمعه إلی جُمعه، أَو أَقل من ذلک أَو أَکثر وختمه فی یوم الجُمعه کتب الله له من الاَجر والحسنات من أَول جمعه کانت فی الدنیا إِلی آخر جُمعه تکون فیها، وإِنْ ختمه فی سائر الایّام فکذلک(۱).

حضرت امام باقر علیه السلام می فرمایند: «کسی که در مکه از یک جمعه تا جمعه دیگر قرآن را ختم نماید، یا در مدتی کمتر از این قرآن را ختم کند و خواندن قرآن را در روز جمعه به پایان برساند، خداوند تمام پاداش ها و کارهای نیکی را که از اولین جمعه دنیا تا آخرین جمعه آن هست را برای او خواهد نوشت و اگر در غیر جمعه نیز خواندن قرآن را به پایان برساند، همین طور است».

و نیز در روایتی دیگر است که همان حضرت فرمودند:

«مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَکَّهَ لَمْ یَمُتْ حَتّی یَری رَسُولَ اللهِ وَ یَری مَنْزِلَهُ مِنَ الْجَنَّهِ(۲).

کسی که قرآن را در مکّه ختم کند، نمیمیرد تا این که رسول خدا و جایگاه خود را در بهشت میبیند».

هم چنین خداوند متعال در قرآن کریم می فرمایند:

{خِتَامُهُ مِسْکٌ وَفِی ذَٰلِکَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ(۳)}.

مهری که بر آن نهاده شده از مشک است و در این نعمت های بهشتی، راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند!

ص: ۴۲۴

۱- . الکافی ج ۲ ص ۴۴۷

۲- . بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۰۵

۳- . سوره مبارکه مطففین/۲۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



